نون قندی

ریشنامه

پوشینه اول با پانصد لطیفه

بزرگترین مجموعه جوک های با مزه راجع به آخوند ها ، پاسداران و بسیجی ها.

پیش نوشتار کتاب

وقتی میتوان برای مشتی بی وطن ، تازی پرست ، بی غیرت ، وحشی ، ابله ، جنایتکار ، کاسه لیس و.... بنام آخوند ، پاسدار ، بسیجی ، لباس شخصی و نیروهای مزدور انتظامی لطیفه ساخت ، دور از شعور و عقل ودرایت است که برای هم میهن ترک، لر ، شمالی ، قزوینی ، اصفهانی ، همدانی و.....لطیفه ساز کنیم .

ریشنامه ، نمایشگر خشم و خروش روحی و فکری ایرانیان علیه ستمگران چپاولگر ، جنایتکار و بی ناموس ، یعنی آخوند ها ، پاسداران وبسیجی هاست.

ریشنامه بزرگترین و مفصل ترین مجموعه لطیفه های سیاسی برای دکانداران دین و کا سه لیسان آنهاست .

طرح نخستین این مجموعه شامل ۶ پوشینه است که در هر کدام آنها پانصد لطیفه وجود دارد .

ضرورت دارد تا نخست به توان جوک در امر مبارزه فرهنگی- سیاسی اشاره شده و با شناخت طنز آلود از اسلام و آخوند ، آغاز گر حرکتی بنیادی در دو زمینه باشیم. مر حله نخست ، پایان دادن به لطیفه سازی علیه یکدیگر به منظور حفظ اتحاد و انسجام و در گام بعدی به ریشخند گرفتن اشغالگران میهنمان .

ریشنامه که مجموعه ای است در باره چگونگی رفتار و زندگی مشتی چپاولگر ، فاسد ،جنایتکار ، بی وطن و تازی پرست ابله بنام آخوند ، پاسدار و بسیجی ، یک حرکت فرهنگی و سد در سد سیاسی است که از آغاز سال ۲۰۱۱ میلادی شروع ودر این زمان کوتاه تعداد لطیفه های آن به ۵۰۰ رسیده است. بازتاب این کارچشمگیر بوده و با یاری ایران یاران به درون مرز رخنه کرده است . خفقان حاکم بر ایران پس از چیرگی اعراب ، طنز را به ارمغان آورد . مولانا جلال الدین رومی در اثر جاودانی خود مثنوی ، حکایات خنده آوری از حماقت ظالمان ، فریب کاران ، شهوت پر ستان و ..... آورده است. لطیفه را در آثار سنائی ، سعدی ، عطار و بسیاری از شاعران و سخن وران ایرانی که راه مبارزه با خود کا مگان را در ساختن لطیفه و به ریشخند گرفتن آنان پیدا کرده اند ، میتوان دید. در میان تمامی شعرا و سخن سنجان قدیم ، هیچ کس را نمیتوان نظیر عبید زاکانی یافت. عبید در نکته پردازی ، حسن ذوق ، وچیره دستی در هزل و انتقاد ، خصوصا از ملا و شیخ یکتا است.

از این رو ریشنامه را یک حرکت فر هنگی و سیاسی می شماریم ، بخاطر آنست که تاریخ ملت ها صحنه حوادث بی شماری است . یکی از این حوادث ظهور آخوند وژنی بنام روح الله خمینی است که حرف زدن معمولی را بلد نبود ، ویا بقدرت رسیدن میمونی بنام احمدی نژاد و یا روضه خوانی بنام سید علی گدای خامنه ای که در عین حال که تاثر انگیز است و درد ناک ، رفتار و حرکات و سخنان این جانوران موجب خنده ، آنهم در سطح جهانی میشود. روزی که خمینی تصور میکرد ، قدس را فتح می کند ، دنیا به ریشش خندید ، اما آن احمق باورش نشد تا اینکه جام زهر را نوشید. و یا سخنان مشنک گونه احمدی نژاد در سازمان ملل و دانشگاه هاروارد. ، و همچنین در سفر های استا نی اش .

کاسه لیسان بیت رهبری ، چنان در وصف سید علی گدای خامنه ای که اکنون از چپا ول ملت ایران ثروت افسانه ای یافته داد سخن میدهند که مرده از فرط خنده کفنش را خیس می کند. داستان آزادیخواه شدن موسوی و کروبی و یا دموکرات بازی های محمد خاتمی در بطن ولایت فقیه انسان را به خنده

می اندازد . داستا نهای خود مقدس بینی خامنه ای لطیفه است . راه ریشنامه ، راه پیکار با ستم و بیدار ساختن مردم فریب خورده است. کاری که طنز انجام میدهد ، ده ها نوشتار جدی نمی تواند انجام دهد. شور بختانه تعداد کاسه لیسان و مداحان زیاد است ، این گروه شریر ، برای لذت بردن از زندگی ، درد و رنج همنو عان خود را فراموش می کنند. برای خنثی کردن کار آنان ما نیز باید بکوشیم . درخواست ما از هم میهنان این است که در ایمیل کردن ریشنامه خصوصا بداخل ایران ما را یاری دهند.

رسوا کردن پاسدار و بسیجی و نوکران سید علی خامنه ای ، در واقع رسوا کردن این شیخ جنا یتکار است حاکمان ستم گر جمهوری اسلامی با پخش ریشنامه می فهمند که به چه میزان منفور هستند و حماقت و جنایت آنان از نظر ها مخفی نمی ماند.

ریشنامه ، روش ویژه مبارزاتی در نویسندگی است که ضمن دادن تصویر هجو آمیز ی از زشتی ها ، فساد ، جنایت ، حماقت ، چپاول و .... وحقایق تلخ اجتماعی را به شکل اغراق آمیز برای روشن شدن ذهن خواننده نشان میدهد. هدف از نگارش ریشنامه نشان دادن تضاد عمیق وضع موجود در ایران و مقایسه آن با یک جامعه آزاد و پیشرفته است. قلم طنز با خرافه ، واپسگرائی ، فریب و هر چه که شادی و امید و آزادی را از مردم بگیرد در ستیز است. مبنای طنز بر شوخی و خنده است ، اما طنز ریشنامه صر فا برای خنده نیست . خنده ای است تلخ و جدی ، همراه با سرزنش و سر کوفت.

طنز ریشنامه ، غفلت و ممتنع بودن را مجازات می کند .بی وطنی را به زیر سوال می کشد. بی غیرتی و بی شرفی را مورد حمله قرار میدهد. طنز ریشنامه ، با خود خنده ای به همراه دارد که خنده دلسوزی و عشق به آب و خاک است. قلم ریشنامه ، کارد جراحی است نه چاقوی زنجانی که احمدی نژاد برای سر بریدن از آن استفاده می کند. طنز نویسی بالا ترین در جه نقد ادبی است ، و رسالت ما در ریشنامه یورش به سنگر زشتی ها و پلیدی هاست.

بی هیچ شک و تردید ، ریشنامه دریچه ای رسوا ساز از یک مبارزه فرهنگی علیه جمهوری اسلامی است که همواره آخوند ها و حواریون کاسه لیس آنان از آن وحشت داشته و دارند . ریشنامه اقدامی اساسی در راستای انسجام ملی نیز بشمار میرود . جوک ساختن علیه یکیگر را یک زمان میبایستی ایستا می کردیم و چه زمانی بهتر از امروز.

طنز ولطیفه با فر هنگ و ادبیات ایران شانه به شانه در سده های بسیار حرکت کرده است . از طنز همواره بعنوان زبان مبارزه استفاده شده است. هر گاه جامعه در اختناق فرو رفته ، اندیشه ناب ایرانی با سود بردن از طنز ، به میدان آمده است. اندیشه های گهر بار عبید ذاکانی ، و ایرج میرزا پس از سال های درازی که از آن ها گذشته پشت آخوند ها را می لرزاند. راه ما : راه رساله دلگشا عبید است.

ریشنامه ، سند رسوائی مشتی دزد ، جنایتکار ، بی وطن ، دروغگو ، بی غیرت و بی ناموس بنام آخوند پاسدار و بسیجی را به هر شکل که صلاح میدانید به داخل ایران برده و در دسترس هم میهنان قرار دهید.

نون قندی

بهار ۲۷۲۰ ایرانی

۲۰۱۱ میلادی

کالیفر نیا - آمریکا

آسیب شناسی اسلام

یکی از فرارسنده ترین و واگیردارترین بیماریهای چرکین؛ ISLAMITIS می باشد.

ویروس این بیماری، سلولهای مغزی را مورد تک (حمله) قرار داده، آماسیدن (تورم) و پوکی سلولها را باعث می شود. این بیماری خطرناک بوسیله ویروس شناخته شده‌ای به نام MAMAL ARABA که از رده ویروس های ابراهیمی (ABRAHAM HUMAN VIRUS) است و در حیوانات دیده نمی‌شود، از چهارده سده گذشته تاکنون باعث نابودی و خسارات بسیاری شده است. عامل بیماری را برخلاف سایر ویروس ها که با میکروسکوپ نوری قابل دیدن نیستند، می توان با چشم دید. وابَر (تفاوت) و اختلاقی بین این ویروس با سایر ویروس‌ها از نظر سوخت و ساز (متابولیسم) وجود نداشته و این ویروس نیز متابولیسم پایدار (مستقل) نداشته و تنها در سلول فرد مبتلاء زنده می‌ماند. همانطوریکه اشاره شد، این بیماری در هیچ حیوانی دیده نشده ویروس آن با حیوانات ناسازگار است. ویروس MAMAL ARABA گونه‌های بسیار دارد. شکل SH آن که مربوط به گروه بیماران شیعه می‌باشد بسیار با توان بوده و علائم آن بسیار شدید است. شکل SO آن مربوط به گروه سنی بوده و شدت SH را ندارد. گونه دیگری از این ویروس وجود دارد که در رده ویروس های ATTENUATED VIRUS رده بندی می‌شود و شدت کم داشته و مربوط به‌گروه دراویش است. ویروس بیماری ISLAMITIS از راه پلاسنتا یا جفت و هم چنین از راه کانال زایمانی مادر بیمار به‌هنگام زایمان به‌فرزندان سرایت می‌کند. بررسی های نو و تازه نشان میدهد که شکل ارثی بیماری نیز می‌تواند زمینه‌ای برای سخن باشد. آن هم شکل بسته به‌جنس آن یا X-LINK بدین شکل که ویروس در روی کروموزوم های جنسی X (ایکس) باعث جهش یا MUTATION ژنی شده و جنس نوزاد چه پسر باشد و چه دختر بیماری را می‌گیرند. (پسران دارای کروموزمهای جنسی XY و دختران دارای کروموزگها XX می‌باشد) برخی از دانشمندان علم ژنتیک اعتقاد و باورشان این است که Islamitis بهر شکل آن، از ارث بارز اتو زومی (Autosomal Dominant) پیروی می کرده و در صورت بیمار بودن پدر یا مادر، بیماری به فرزندان انتقال می‌یابد. این تفکر، هواداران بسیاری دارد.

در انتقال بیماری نقش مادران بیشتر بوده و اگر پدری بیماری را داشته و مادر نداشته باشد، شانس اینکه فرزندان بیمار نشوند، بسیار است.

Frequency یا تواتر و فراوانی بیماری: شوربختانه Islamitis بیماری واگیرداری است که در تمام جهان انتشار یافته است. بیش از یک میلیارد و دویست میلیون نفر از ساکنان زمین به‌این بیماری مبتلا هستند. در ده های گذشته و حال بعلت بی سیاستی های دولت مردانی نظیر کارتر و جورج دبلیو بوش و کم کاری سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل در خشک نکردن کانونهای چرکین و پر و بال دادن به عوامل انتقال ویروس، بیماری بشکل دهشتناکی رواج پیدا کرده است و اگر زیر فرمان قرار نگیرد، پس آیندهای (عواقب) وحشتناکی برای جهانیان به‌همراه خواهد داشت.

خوشبختانه یکی از مواردی که بیماری را به زیر فرمان کشیده و کنترل می‌کند، کشتاری است که بیماران از یکدیگر بخاطر گونه ویروس های بیماری زا می‌کنند. ویروس SH در شیعیان با ویروس SO در سنی‌ها ناسازگاری یا ANTAGONISM دارد. بسیاری از مبتلایان در خاورمیانه، آفریقا و خاور دور در کشورهائی نظیر اندونزی و مالزی بسر میبرند.

نشانه های بیماری (CLINCAL FINDING) عقب ماندگی ذهنی یا Mental Retardation از نشانه‌های ثابت در تمام بیماران است. به‌سبب آسیب‌هائی که ویروس برسلولهای مغزی وارد ساخته، ضریب هوشی بیماران به ۵۰ هم نمی رسد (در افراد سالم، ضریب هوشی یا IQ ۱۰۰ می‌باشد). دست اندازی یا تک ویروس به سلولهای مغزی به سه شکل تند، آرام و بسیار آهسته خودنمایی می‌کند. شکل تند بیماری که بیشتر در گروه شیعه دیده می‌شود بشرح زیر است: بیماران وارد مرحله جنون شده با قمه و اسباب های تیزی چون کارد آشپزخانه سر خود را می‌شکافند، آسیب های پوستی شدیدی بوجود می‌آورند. در بیماران این گروه، دو بیماری روحی سادیسم و ماسوکسیم به‌شدت باور نکردنی رواج دارد. تعدادی از بیماران، از درد و رنج مابقی لذت برده و با سردادن اشعاری در امر مُرده ستائی، دیگران را به‌گریه می‌اندازند و تعداد بسیاری هم که ماسوکسیم دارند با زدن خود و خوار شمردن خویش لذت میبرند!! ماسوکسیم یا مازوخیم از نام لئوپولد فن ساشر مازوخ دانشمند اتریشی متولد ۱۸۳۶ میلادی گرفته شده و جالب اینجاست که این فرد هیچگاه مورد تهدید ویروس MAMAL ARABA قرار نگرفت. در هر دو شکل SH و SO (شیعه و سنی)، ناراحتی های روحی - روانی بسیار پیچیده‌ای وجود دارد، بطوریکه افراد بیمار براحتی آدم می‌کشند، گردن جدا میسازند، و دست و پا قطع کرده و بیماران دیگر را با سنگ به قتل میرسانند. تعدادی از آنها نیز باخود بمب حمل کرده، آنرا به‌داخل مدارس و یا بازار برده و منفجر میسازند. توان تشخیص و فرنود خواست (استدلال) در بیماران بمرز صفر میرسد. میزان حماقت تا اندازه‌ای میرسد که باور نکردنی است، بسیاری از مبتلایان باور دارند که اگر کُشته شوند و یا کسی را بکشند

به‌بهشت رفته و هنگام ورود ۷۰ دوشیزه باکره به آنها پیشکش می‌کنند.
سادیسم مقعدی (Anal Sadism) در مبتلایان جوان و خصوصاً در فیضیه ها رواج بسیار دارد. گونه دیگر سادیسم که در بیماران دیده می‌شود؛ Domestic Animals Sadism است. بیشتر حیوانات اهلی نظیر: مادیان، قاطر، الاغ، گوسفند و بزغاله و در مواردی سگ و گربه مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند. این تجاوزگری با افتخار زیاد در کتب علمی! نظیر: توضیح‌المسائل آمده است. در یکی از کتب علمی مشهور، حتیٰ به اسباب عمل نیز اشاره شده است. اسباب عمل در تجاوز به‌حیوانات بزرگ عبارتند از : پیت حلبی، برای زیر پا گذاشتن، آجر بهمنی سوراخ دار، برای رد کردن دم حیوان و گذاشتن آن به پشت جانور، و چوب نی قلیان که یک سر آنرا روی شانه گذاشته و سر دیگرش را در مقعد حیوان فرو می‌کنند، بخاطر اینکه اگر در حین عمل بادی از حیوان در رفت، تجاوزگر را ناراحت نکند و از بالای شانه‌اش رد شود!!

بیماران مبتلا به بیماری Islamitis به ناراحتی های روانی دراز مدتی دچارند که با از دست دادن همگامی اجتماعی، خودگرائی، دم دمی مزاج بودن، بی اراده بودن و پیرو مکتب جبراندیش اسلام قرار داشتن، همراه با انجام کارهای بی جا و دمخور شدن با وهم و خیال و فریب. این بیماران تصور می‌کنند، موجودی افسانه‌ای و تخیلی بنام مهدی وجود دارد که روزی آمده و دنیا را به خاک و خون می‌کشد. این موجود آنقدر انسان می‌کشد تا خون به زیر شکم اسبش برسد!! تمام نشانه های بالا که به بیماران Islamitis دیده می‌شوند، نمایانگر Schizophrenia یا اسکیزوفرنی است. با اینکه این بیماری بشکل تند آن از چهارده سده پیش و حتیٰ قبل از آن نیز وجود داشته ولی برای اولین بار در سال ۱۸۹۶ بوسیله کریلین تعریف شده و در سال ۱۹۱۱، دانشمندی بنام بلولر نام اسکیزوفرنی را برآن نهاده است. تمام چهار نوع مهم این بیماری را می‌توان در مبتلایان به ویروس MAMAL ARABA دید. نوع ساده آن که بیمار از خود بیخود شده و فعالیتی از او مشاهده نمی‌شود و می‌گوید: هرآنکس که دندان دهد نان دهد. نوع کاتاتونیک یا کاتوتونی آن که با بهت مشخص می‌شود که تمامی یک میلیارد و دویست میلیون مبتلا در سطح جهان آنرا دارند.

نوع پارانوئید آن که با هذیان همراه است و این هذیان ها را روزی ۵ بار همراه با حرکات عجیب و غریب شاهد هستیم و نوع هیفرنیک آن که با رفتار ابلهانه و خطرناک نظیر قمه و زنجیر زدن همراه بوده و دری وری گوئی از نشانه های بارز آنست.

تشخیص های ظاهری که نیازی به آزمایشگاه ندارد: کثیف بودن، بد بو بودن، ریش و پشم داشتن، یقه گرد آخوندی پوشیدن آنهم با بستن تکمه آخر زیر گلو، دست ندادن با خانم ها، نگاه مات و مشنگ گونه، تصور نورانی بودن در زیر لامپ مهتابی و فلورسنت. حرکات عجیب و غریب دولا و راست شدن و مقعد را به سوی آسمان گرفتن و بیان کلماتی که معنی هیچ کدام آنرا نمی فهمند به‌اضافه سر کردن چادر و رو بند و مقنعه و خود را در کیسه حبس کردن و پذیرفتن واقعیت زشتی که حکایت از آن دارد؛ صیغه، بزرگترین لذتی است که نصیب بیماران زن مسلمان می‌گردد.

در تعدادی از مبتلایان، آسیب مغزی به اندازه‌ای است که بیمار زندگی نباتی و گیاهی پیدا می کند. درویش ها در این رده قرار دارند. حس خودکشی در بیماران زیاد است هرساله تعدادی از آنها که به‌کانون اصلی عفونت یعنی مکه میروند، زیر دست و پای سایر بیماران له می‌شوند و خرسند و شادند که به‌بهشت میروند.

کاردار (عامل) انتقال و کانونهای سرایت بیماری: ویروس MAMAL ARARA و گونه های جدا شونده از آن از ویروس های قدیمی ابراهیمی است که توسط حشرات سر و شکم گنده‌ای بنام آخوند یا ملا به‌انسان سرایت می‌کند. بزرگی سر این حشرات غیر حقیقی بوده و مربوط به دستار الیافی است که دور سر را پوشانیده و گرمای آن باعث آتروفی یا از بین رفتن سلولهای مغز می‌گردد. ولی بزرگی شکم سد در سد حقیقی است. زاد و ولد این حشرات نظیر غده های سرطانی است. مکه، کانون اصلی عفونت بوده و بعد از آن عتبات، مکانهای مذهبی - زیارتی، خانقاه‌ها، مساجد یا مزگت ها، بنیاد های مذهبی نظیر، ایمان نور و رسالت، برپائی سفره و روضه خوانی خانگی، تمامی اینها از کانونهای عفونت بشمار میروند.

راه های پیشگیری و درمان: تنها راه درمان از این بیماری خطرناک، و فرهنگ بر باد ده آگاهی و آزادی از پیله‌ی باورهای مومیائی - مذهبی است. بزرگترین لطفی که در حق این بیماران می‌توان انجام داد این است که اسلام را بدون آنکه چیز دیگری یا باور دیگری را جایگزین آن نمود از بیمار گرفت. دوری از خرافات، نرفتن به‌کانونهای عفونت نابود کردن حشرات سرگنده و شکم فراخ، بی اعتبار کردن مذاهب و عمل جراحی قطع بند ناف و عدم انتقال ارثی آن از پدر و مادر به فرزندان از راه های اساسی درمان است. اجساد بیماران مشهور را با روش شاربن یا سیاه زخم گاوی باید از بین برد، بدینگونه که جسد را باید در گودالی انداخت و اطراف و رویش را با آهک پوشانید. در غیر اینصورت کانونهائی نظیر امام رضا - معصومه و خمینی خواهیم داشت. سم پاشی فیضیه و حجره های آن که همه از تخم حشرات (طلبه ها) است، توصیه می‌شود پس از نابودی تخم ها، آن مکان را باید با خاک یکسان نمود و جای آن کتابخانه ای ساخت که در آن دانش روز جهان به‌انسان‌ها انتقال یابد نه ویروس MAMAL ARABA . پایان

چند بیمار آلوده به ویروس Mamal Araba.

نابود باد جمهوری اسلامی و اسلا مش.

جانور شناسی آخوند

آخوند جانوری است که در محیط های آلوده به فساد و نا آگاهی رشد می کند . شکل ظاهری آن شباهتی به انسان دارد ولی روی کله آنها مقداری پارچه سیاه یا سفید قرار گرفته که در تابستان بخاطر گر مای بالا باعث از بین رفتن سلولهای مغز میشود. صورت این جانور از مو و پشم انباشته است. ، پوشش آنها نیز شکل ویژه و دور از آدم دارد. آنها دارای عبا با جیبی گشاد هستند که به سختی میتوان آنرا پر نمود.طرز صحبت آنها با بقیه فرق دارد ، آنها با زبان ماقبل تاریخ و دوران غار نشینی آدم ها تکلم می کنند. دارای اشتهای سیری ناپذیر برای شکم و زیر شکم هستند ، اجداد آنها در حقیقت دایناسورهای تیرا نو زورس است . از دیدن خون لذت میبرند.و چه بسا نسبتی هم با دراکولا داشته اند. فعال ترین عضو بدن این جانور زبان و دستگاه تناسلی اوست. از گریه و ناراحتی دیگران لذت بسیار می برند . این جانور نه شادی را می شناسد و نه پیشرفت را .

انواع آخوند

آخوند ها که در رده انگل و پارازیت طبقه بندی میشوند دارای گونه های متفاوت بوده ولی همگی درصدد کسب قدرت هستند و چون به آن دست یابند به خطر ناکترین موجودات کره زمین تبدیل میشوند.

امام : نوعی از آخوند است که خود را از تمام کائنات برتر می پندارد و ادعای خدائی دارد.

آیت اله : آخوندی است که حسرت ، امامت دارد و یک پنجم دارائی مردم را بالا می کشد.

حجت الاسلام : آخوندی است که دلالت بر حقانیت اسلام مینماید . نوع کوسه ای آن بسیار خطرناک است.

مرجع تقلید : نوعی از آخوند است که با میمون ها سر و کار دارد . پس از روی کار آمدن احمدی نژاد این گونه رشد چشمگیری نسبت به مابقی داشته است.

آخوندک یا طلبه : نوعی از آخوند است که دوران دگر دیسی آن کامل نشده.

این جانوران را تنها در شکل نر ینه آن می بینید . آخوند ماده نداریم و این از تبعیضات شگرف طبیعت است. تمام فکر و ذکر و نوشته آنها منحصرا مربوط به دستگاه تناسلی و سکس است . اصولا مذهب این جانوران را مذهب شر مگا هی نامگذاری کرده اند. شنیدن صدای زن و یا دیدن یک تار موی زن آنها را شدیدا تحریک می کند. تشویق آنها منحصرا مربوط به حوری و غلمان است. امروزه گونه طالبانی آن از درنده ترین انواع آنست. این جانوران بیشتر در خاور میانه و سر زمین های خر خیز آن زندگی می کنند. در زمان رضا شاه نسل آنها رو به نابودی گذاشته بود ولی در سایه ندانم کاری و یخ زدگی فکر ایرانیان در سال ۵۷ به رشد سر طان گونه ای دست یافتند. امید آن میرود تا در سایه انقلاب عقلانی ایرانیان نسل این جانور موذی لااقل در ایران بر کنده شود.

۱- از سرهنگ پاسداری درخواست کمک به زلزله زدگان بم شد، پاسخ داد : فعلا دستم تنگه ، انشاالله زلزله بعدی!!!!!!

۲- از یک بسیجی می خواهند تا سوره توحید را تفسیر و معنی کند. او می گوید : خدا قفل را داد به احد ، احد داد به صمد ، صمد قفل را برده ، پس نیاورد و کفر احد را در آورد .

آخوند دایره عقیدتی : آفرین بنشین !!!!

۳- یک پاسدار دستش را به شکمش می کشد و می گوید : من باید شبانه روز زحمت بکشم ، نظم و امنیت را حفظ کنم!!!!!و تو همش بخوری . شکم پاسخ میدهد : اگه ناراحتی من کار می کنم ، تو بخور.

۴- از یک پاسدار می پرسند : چرا شمشیر حضرت علی دو شاخه بود ؟ جواب می دهد : برای اینکه شب ها بذاره تو پریز برق تا شارژ بشه.

۵- از یک پاسدار قزوینی می پرسند : یک آیه از قرآن بخوان . او می گوید : الاسلامو دار الاعمودا دمرو دخلو.

۶- دختر امام جمعه رضائیه ، حسنی ، بچه دار نمی شد ، بعد از کلی دوا و درمون متوجه شدند که او را باید شوهر دهند!!!!!

۷- جعفری ، فرمانده سپاه پاسدارا ن وارد پادگان عشرت آباد شد و دید تمامی پاسداران کون برهنه دارند راه میروند . علت را پرسید .فرمانده پاسداران گفت : یک پاسدار منافق قزوینی در رفته براش تله گذاشتیم.

۸- یک بسیجی از حجله درمی آد و با پدر زنش روبرو میشه ، نمی دونه چی بگه ، هل میشه و میگه : دست شما درد نکنه ، چسبید!!!

۹- یک پاسدار که روی پل عابر پیاده ایستاده بود ، از همریشش پرسید : عباس : اینجا مگر آب رد میشه که پل زدن!!!!!!

۱۰- وقتی پاسداران قزوینی را به جبهه اعزام می کنند ، می بینند ، آمار شهدا زیاد میشه .تحقیق می کنند می بینند ، وقتی خمپاره میاد ، هیچ کس روی زمین نمی خوابه.

۱۱-یک بسیجی متعصب می خواست خودش را بکشد. علت را پرسیدند . گفت : تا امروز نمی دانستم از کجای مادرم در آمده ام.

۱۲- امام جمعه رضائیه ، حسنی ، وقتی ازدندانپزشکی بخانه بر گشت و خواست غذا بخورد ، بجای اینکه لقمه را در دهانش بگذارد در کونش گذاشت . زنش پرسید این چه کاری است که می کنی ؟ جواب شنید :دکتر گفته تا چند ساعت با اون ورت بخور !!!!

۱۳- راستی میدانید جمکران مخفف چیست ؟ جمعیت ملا های کونی رانده شده از نجف .

۱۴- به یک آخوند می گویند : در دوران طلبگی ، آدم یا کونی میشه یا سیگاری . آخوند پاسخ میدهد : شکر خدا ، من سیگاری نشدم.

۱۵- یک مگس بسیجی به نامزدش میگه : انشاالله اگر قسمت بشه ماه عسل میبرمت مستراح امام رضا.

۱۶- مناجات پاسدار شکمو :خداوندا ماه رمضان را مثل المپیک ، هر ۴ سال در یک کشور بر گزار کن.

۱۷- به یک بسیجی زنباره ، میگن : پاشو سحره ، میگه بذار بخوابم ، فردا بهش زنگ می زنم.

۱۸- نظریه پاسدار شکمو راجع به روزه : انسان در این دنیا مسافری بیش نیست ، و روزه بر مسافر واجب نیست.

۱۹- از یک پاسدار پرسیدند : نظر شما راجع به ماه رمضان چیست ؟ گفت اگر بامیه و زولبیای آنرا اضافه کنند بهتر میشه.

۲۰- بسیجی با تعجب به یخ نگاه می کند و می گوید : این کجاش سوراخه که آب میده !!!!!

۲۱- در فیضه قم، یکی از مدرسین ، طلبه جوانی را برای آموزش هر درسی مورد آزار و اذیت قرار میداد تا اینکه مدرس به در جه آیت اللهی رسید. روزی بار دیگر طلبه جوان را مورد تجاوز قرار داد و طلبه شروع به گریه کردن نمود. آیت اله گفت :تا امروز من تو را سی بار کرده ام و تو هرگز گریه نکرده بودی . طلبه جواب داد : من برای خودم گریه نمی کنم ، من برای شما گریه می کنم. من هنوز عمامه بسر نکرده ام ، سی بار گائیده شده ام ، شما را که آیت اله شده اید چند هزار بار گائیده اند؟

۲۲- دوصفت آشکار محمود احمدی نژاد : یبوست افکار و اسهال کلام .

۲۳- پاسدار خیار خورده اسهال گرفته ، مرده اما خامنه ای گفته شهید شده نمرده

۲۴- از امام جمعه رضائیه ، حسنی پرسیدند : دخترت را به چه کسی شوهر دادی .پاسخ داد غریبه نیست ، دامادمونه!!!!

۲۵- از آخوندی پرسیدند : چه کسی از شما کون گشاد تر است .جواب داد : اونائی که میگن التماس دعا.

۲۶- آخوندی سر منبر گفت : اگر سگی به شما حمله کرد یک آیه از سوره انفال بخوانید ، سگ فرار می کند .یک بسیجی که پای منبر نشته بود پر سید :حاج آقا اگر سگ عر بی بلد نباشه تکلیف چیست !!!!

۲۷- از آخوندی زنباره پرسیدند : چه فصل سال را دوست داری ، بهار ، تابستان ، پائیز یا زمستان جواب :هیچکدام را ، من از فصل جفت گیری خوششم می آید.

۲۸- به حسنی امام جمعه رضائیه می گویند : مژده ، بابا شدی . میگه : به زنم نگید می خوام غافلگیرش کنم.

۲۹- دوتا بسیجی با هم دعوا می کردند و با پوتین به تخم همدیگر می زدند . عابری پرسید دردتون نمی گیره ؟ آنها گفتند : نه ، پوتین پامونه !!!!

۳۰- مردی ، بچه اش را در حرم امام رضا گم میکند . نذر و نیاز می کند و رو به امام کرده و می گوید یا امام رضا بچمو از تو می خواهم ، اون بمن بده ، قول میدم دفعه دیگر از این گه ها نخورم و به دیدارت بیآیم.

۳۱-حسنی امام جمعه رضائیه ، به زن حامله اش می میگوید : اگر بچمون پسر بود اسم بابای مرا رویش میگذاریم و اگر دختر بود اسم بابای تو را !!!!

۳۲- پاسداری که شدیدا خواهان داشتن دو قلو بود ، بهنگام تماس جنسی ، یک تشدید روی صاحب مرده اش نقاشی میکرد.

۳۳-خاتمی ، امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه دانشگاه تهران گفت : این لطف خداوند و خواست امام زمان بود که آمریکای جهانخوار در بازیهای آسیائی یک مدال طلا هم نگیرد!!!!

۳۴- از یک بسیجی پرسیدند : ۱۲ امام را می شناسی ، نام آنها را ببر. بسیجی گفت : اینجوری نمی شناسم ، اگر ببینم می شناسم.

۳۵- از پاسدار بیماری پرسیدند : چرا آنتی بیوتیک ها یت را سر موقع نمی خوری ؟ جواب داد: می خواهم میکروب ها یم را غافلگیر کنم.

۳۶- یک بسیجی اسم بچه اش را میگذارد حسین ، و روزانه بکرات از او می پرسد : تشنه نیستی.

۳۷-آگهی استخدام. آیا از مشکل جنسی رنج میبرید ؟ آیا جنس مخالف توجهی به شما ندارد؟آیا در دوران کودکی به شما تجاوز شده ؟ آیا کودکی شما با فقر وفلا کت همراه بوده؟ آیا پدر دزد ، معتاد و سابقه دار و مادر جنده داشته اید؟ آیا در دوران کودکی همواره مورد ضرب و شتم قرار گر فته اید؟ امروز ثبت نام کنید ، فردا بکشید و بچاپید.

روابط عمومی بسیج.

۳۸- آخرین خبر از بهشت : علی کردان که قصد داشت با مدرک جعلی شفاعت حضرت محمد وارد بهشت شود ، دستگیر و روانه جهنم شد.

۳۹-با دستگیری زن ۵۵ ساله آمریکائی در روستائی نزدیک رود ارس ، پاسدار ها ، چون هیچگاه بریج دندان ندیده اند ، آنرا نوعی دستگاه پیشر فته جاسوسی شنا سا ئی کرده و به دنیا اطلاع رسانی کردند رژیمی که بریج دندان را نمی شناسد ، دنبال فن آوری اتمی است.!!!!

۴۰- پاسدار فیروز آبادی ، فر مانده کل ارتش و نیرو های مسلح ، جهت سفارش لباس پیش خیاط رفت . خیاط خواست دور کمر او را اندازه بگیرد ، مترش کو تاه آمد . دو متر پارچه ای را سر هم کرد باز بدور کمر او نرسید . به شاگردش گفت : جارو دسته بلنده را بیآور . فیروز آبا د ی پرسید : جارو برای چه؟ خیاط گفت : قر بان ما شاالله ماشاالله شما خیلی چاق هستید ، منم متر اضافی ندارم . دسته جارو را می کنم تو کون جنابعالی ، وتر بدست می آید ، آنرا در ۲ ضرب می کنم قطر بدست آمده ، حالا اگر آنرا در عدد پی (۳/۱۴) ضرب کنم اندازه دور کمر شما بدست می آید!!!!!

۴۱- وقتی خمینی به ایران آمد ، زمستان بود و هوا سرد. اورا با هلیکوپتر به بهشت زهرا بردند. وسط راه او از خلبان هلیکوپتر پرسید : مگر هوا گرم است ؟ خلبان گفت : نه خمینی با اشاره به پروانه های هلیکوپتر گفت : پس این پنکه را خاموش کن.!!!!

۴۲-آخوند خطاب به شاگرد بسیجی : معنی آیه مبارکه : الم تر کیف.... چیست ؟ بسیجی : حاج آقا جسارت نباشه ، یعنی علم کردیم ، بعدش ترش کردیم و بعد خوب باید کیف کرد.!!!!!

۴۳- فر مانده پاسداران بیت رهبری به سید علی خامنه ای : قربان ، آقا مجتبی ، پسرتان به یکی از پاسداران محافظ تجاوز کرده . خامنه ای : من که سد بار گفته ام به روحانیت پشت نکنید.

۴۴- یکی از خواهران زینب که از برادر پا سداری حامله شده بود ، پیش دکتر رفت تا جنینش را سقط کند . دکتر پرسید : شما که امر بمعروف و نهی از منکر می کنید ، چرا؟ خواهر زینب پاسخ داد : آقای دکتر ما از کمر ببالا بسیجی هستیم و از کمر به پائین فدائی خلق !!!!

۴۵- شعر جاودان برای تمام دوران :

عکس امام امت ، امت بر ماه دیده گویا فضا نوردی بر سطح ماه ریده.

۴۶- شعار روز :

توپ ، تا نک ، نفر بر همه اش به کون رهبر

۴۷- پاسدار به فر مانده اش : قربان در ۵ نقطه قم ، مردم شلوغ کرده اند.

فرمانده : چرا مزخرف میگی ، قم فقط دو تا نقطه داره !!!!!

۴۸- توریست : آقا لطفا یک بسته سیگار بدهید.

مغازه دار : برای سیگار باید بروید مسجد.

توریست :مسجد که جای عبادت است .

مغازه دار : جای عبادت دانشگاه است.

توریست : دانشگاه که جای آموزش است.

مغازه دار : جای آموزش زندان است.

توریست : زندان که جای اراذل و اوباش است أ

مغازه دار : جای اراذل و اوباش مجلس است.

۴۹- مدرس فیضیه قم از یک طلبه پرسید : تو فر ق بین بنیانگذار جمهوری اسلامی ، حضرت آیت اله خمینی را با اتو مبیل پیکان می دانی ؟ طلبه جواب داد : زاپاس پیکان در صندوق عقب است ، ولی زاپاس امام بالا. پیکان ۵ دنده است ، امام یک دنده . پیکان ساخت انگلیس است و مونتاژ ایران ، امام ساخت ایران است و مونتاژ انگلیس!!!!

۵۰- پاسداری توی توالت از حال میرود ، وقتی هوش می آید ، میگوید : من کی هستم ، اینجا کجاست ، کی منو ریده !!!!!

۵۱- یک پاسدار به دوستش زنگ زده و از می خواهد ، اگر نوار غزه را دارد بد هد تا اون گوش کند. دوستش می گوید : نوار غزه که نوار موسیقی نیست ، نوار بهداشتی است ، مگر نشنیدی که میگویند ، خون آلوده !!!!!

۵۲- دهاتی به زنش : شنیدی اگه بریم نماز جمعه ، هم موز میدن ، هم آب میوه ، تازه به هر نفرمون هم هزار تومن میدن .

زن دهاتی : اگه ندادند چی؟

دهاتی : میگوزیم تا نمازمان باطل بشه.

۵۳-بخشنامه استانداری خوزستان : از آنجائیکه نام شهر سوسنگرد ، طاغوتی است و نام دشت آزادگان مورد بهره برداری ضد انقلاب قرار می گیرد ، نام این شهر به فاطمه توپول تغییر می یابد.

۵۴- مدرس فیضیه از یک طلبه پرسید : معنی آیه هل تفکرون نخن خلقناکم بیضه وبیضا چیست ؟ طلبه گفت : آیا فکر می کنید ، ما شما را همین طور تخمی آفریدیم!!!!!

۵۵- خمینی برای خواستگاری بتول میره منزل آیت اله ثقفی ، بتول با یک سینی چای وارد اطاق شده و وقتی دولا میشه ، بادی از او خارج میشود. با ناراحتی سرش را بلند می کند که با عطسه سختی آب دهانش را روی صورت خمینی می پاشد ، پس این دو عمل سکسکه اش می گیرد . خمینی می گوید : ماشا اله ماشا اله ، عروس خانم از هر سوراخشون یک هنر میباره !!!!

۵۶-روی دیوار مستراح فرودگاه مهر آباد نوشته بود : برینید به حسا ب ۱۰۰ امام.

۵۷- خبر نگار ایرنا : در خدمت آیت اله خامنه ای ، رهبر عظیم الشان جمهوری اسلامی هستیم از ایشان می خواهیم تا در مورد فرزند برومندشان آقا مجتبی که امید ولیعهدی ایشان را دارند نکاتی را بفر مایند . خامنه ای : وقتی ما مشهد زندگی میکر دیم ، مجتبی از همان زمان یکپارچه نبوغ و استعداد از خودش نشان میداد ، هر وقت با خر به مکتب خانه میرفت ، ظهر راحت بخونه بر می گشت . ولی اگر خر نمی برد ، یکی دو روز می بایستی دنبالش می گشتیم!!!

۵۸- به منا سبت عاشورا ، دسته های سینه زنی در بیت رهبری خامنه ای جمع شده بودند یک دسته می گفت : آنقدر کشته بدیم ، تا مهدی غایب بیآد

دسته دیگر با اشاره به خامنه ای می گفت : کس آبجیت خندیدی ، تا این نره ، اون نمی آد!!!

۵۹- از شعار های رندانه مردم با ذوق اصفهان :

این گل که پرپر شده اس هدیه به رهبر شده اس اصغری اس خر شده اس.

۶۰- و قتی خمینی اول انقلاب به قم رفت ، به او خبر دادند که امام رضا به قم آ مده تا خواهرش معصو مه را به مشهد ببرد. شبانه امام رضا را پیدا کرد و علت را پرسید . امام رضا گفت : بمن گفتند ، توبمحض رسیدن به قم خواهر خیلی ها را گائیده ای ، بخاطر این دنبال خواهرم آمده ام تا او را به مشهد ببرم.

۶۱- از خامنه ای پرسیدند : چرا امام زین العابدین همیشه مریض بود .جواب داد : چون همش هله هوله می خورد!!!!

۶۲- از خامنه ای پرسیدند : بزرگترین ریسک زندگی شما چه بوده ؟ جواب داد : یکبار که اسهال داشتم ، گوزیدم!!!!

۶۳- مردی به پسرش پند میداد : هر کجا که حسین حسین می کنند . برو ، غذا مجانی میدن اما هر کجا که علی علی می کنند ، نرو چون ماشین هول میدن ، یا یخچال بلند می کنند!!!

۶۴- از حسنی ، امام جمعه رضائیه پرسیدند : واحد کمتر از مثقال چیست ؟ جواب داد چس مثقال !!!!

۶۵- عزیز جعفری فرمانده پاسداران از زنش پرسید: میدانی که صیغه بزرگترین لذتی است که نصیب زن مسلمان میشود .راستش را بگو تا بحال چند نفر پیش تو خوابیده اند ؟ زن جعفری جواب داد :خدا وکیلی فقط یک نفر و اون هم توئی ، چون بقیه تا صبح بیدار بودند!!!!!

۶۶- یکی از نمایندگان زن مجلس آخوندی گفت : تا این شکاف در بین ما هاست ، مردان بر ما سوارند!!!

۶۷- از حسنی امام جمعه رضائیه خواستند تا یک جمله بسازد که در آن‌آب باشد . او گفت : شیلنگ!!!!

۶۸- سر کلاس ایده لوژی بسیجی ها ، آخوند ی گفت : ما باید نگهدارنده قرآن باشیم .یک بسیجی پرسید :حاج آقا : قرآن بغلی یا گنده ، کدامش؟

۶۹- در اسلام میگویند : دروغ نگو ، ولی دروغ گفتن به دشمنان اسلام حلال است. میگویند : غیبت نکن ، ولی غیبت مشرک را باکی نیست . میگویند مر تکب قتل نشو ، ولی کافر را میتوانی بکشی میگویندزدی نکن ، ولی مال مشرک را بدزد، صواب دارد .میگویند تجاوز نکن ، ولی مسلمان میتواند کنار جسد دشمن اسلام به زن و دختر او تجاوز کند .براستی این حیوانات پیرو چه مکتبی هستند ؟

۷۰- یک پاسدار که به زیارت مکه رفته بود با سرو صورت مجروح به شهرش بازگشت . از او پرسیدند زیارت چطور بود ؟ جواب داد خوب بود ولی خیلی سنگ خوردم ، ولی بالاخره موفق شدم ببوسمش!!

۷۱- از حسنی ، امام جمعه رضائیه پر سیدند : در سقوط هواپیما ی ایران ایر ، چه کسانی مقصر هستند؟ او جواب میدهد : برادران رایت !!! چون اگر آنها طیاره را اختراع نکرده بودند ، امروز ما این مصیبت ها را نداشتیم . مگر مسافرت با خر چه ایرادی دارد ، تا بحال شنید ه اید ، کسی از خر بیفتد و بمیرد!!!!!

۷۲-اسهالی کلام های رئیس جمهور ایران:

- اتفاقا تغییر ساعت ، اثر عکس دارد و مصرف انرژی را زیاد تر می کند.

- این که میگویند : دو بچه کافی است. بنده معتقد نیستم ، کشور ما برای ۱۲۰ میلیون نفر جا دارد! (کشوری که اکثر تحصیلکرده های آن بیکارند. کشوری که ۶ ماه ۶ماه حقوق کارگرانش را نمی دهد کشوری که نیمی از مردما نش زیر خط فقر زندگی می کنند. کشوری که بودجه آموزش آن ۴ در سد و بودجه نیرو های سر کو بگرش نزدیک به ۷۰ در سد است.)

-مردم از شنیدن اسم دموکراسی حالت تهوع می گیرند!!!!

- فرار مغز ها و سر مایه نداریم ، هر کس آزاد است هر کجا که خواست ، زندگی کند!!!

- امارات اگر پیشرفت کند ، انگار ایران پیشرفت کرده!!!

- اگر مصر آمادگی داشته باشد، تا پایان وقت اداری امروز !!!! روابط را بر قرار می کنیم!!!

(مصر روابط خود را با جمهوری اسلامی از ۳۰ سال پیش قطع کرده است)

-در کشور ما ، طی این دو سال معجزه اقتصادی روی داده است!!!

- یک زن پیدا شده که مردانه !!!! حرف می زند . آن وقت شما بهش ایراد میگیرید.

(منظور رئیس جمهور مشنگ ، فاطمه رجبی است)

- گو جه فرنگی ۳۵۰۰ تومان نیست ، بغل خانه ما ۱۲۰۰ تومان است.

- ۴۲ روزنامه علیه دولت من ، مطلب می نویسند !!!!

- من نگفتم نفت را سر سفر ه ها می آورم!!

-میانگین سن دانشمندان اتمی ما ۱۷ سال است !!!!

- یک دختر ۱۵ ساله توانسته در زیر زمین خانه اش اورانیوم غنی کنه !!!!

- با چا قوی زنجان ، دشمنان را دونیمه می کنیم.!!!

- بد رفتاری با ایرانیان در فرود گاه ها دروغ است . با من و هیت همراه من خوشرفتاری می کنند.

این هم نظری نفرت انگیز و شرم آور از جانب رئیس جمهور یک کشور نسبت به مردمان آن:

- من معتقد م زنان گیلانی در کنار کار و تلاش روزانه ، حریم عفاف و ناموس خود را باید حفظ کنند.

- در سفر عربستان ، برادر عزیزم ملک عبداله ، مرا در صندلی کنار خودش نشاند!!!!

-ایران آزاد ترین کشور دنیاست !!!!

- هرگز نمی گذارند تا اوباما رئیس جمهور آمریکا شود !!!!

- در خارج از کشور ، یک بچه ۴ ساله مرا به مادرش نشان داد و گفت : محمود!!!!

- من پیش بینی می کنم ، که بهای نفت به بشکه ای ۲۰۰ دلار برسد!!!

- آن ممه را لو لو برد!!!!

- انگلیس ، جزیره کوچکی است در غرب آفریقا !!!!

- آنقدر قطعنا مه بدهید تا قطع نا مه دانتان بتر کد !!!!

- سران کشور های دنیا برای نزدیکی به کشور ما صف کشیده اند ، مثل این پیرزن ها که در صف ، زنبیل می گذارند!!!!

- روشنفکران به اندازه بزغاله نمی فهمند!!!

۷۴- احمدی نژاد پیش دکتر رفت و گفت : آقای دکتر منو معاینه کن ، ببین من کونی هستم .دکتر با تعجب گفت : آقای رئیس جمهور از شما بعیده که این حرفها را می زنید (دکتر تا بحال سخنان رئیس جمهورش را نشنیده بود) چرا فکر می کنید که کونی هستید ؟ احمدی نژاد گفت : برادرانم کونی هستند ، پدرم زمانی که در گرمسار مسگری میکرد ، خوش نام نبود ، عموم کونیه ، پسر عمو هام همگی کونی هستند و... دکتر گفت : شما که در آمریکا گفته بودی ما ها در کشورمان گی نداریم . ببینم در فامیل شما کسی پیدا می شود تا تمایل به زن داشته باشد ؟ احمدی نژاد : بله آقای دکتر ، خواهرم!!!!!

۷۴-طبق دستور خامنه ای ، بمناسبت میلاد حضرت علی ، به هر کسی که نامش میلاد بود ، هدیه ای داده شد!!!!

۷۵-از آخوندی می پرسند : تازگی ها همه برای شما ها جوک می سازند ، از این مسله ناراحت نیستید؟ پاسخ میدهد: اینها برای شما جوک است ، ولی برای ما خاطره!!!

۷۶- از مجتبی ، پسر خامنه ای پرسیدند : چرا جوراب هایت رنگاوارنگ است . یکیش سفیده ، اون یکی قهوه ای ؟ گفت : نمیدونم ، یک جفت جوراب تو خونه دارم ، اونم یکیش سفیده ، یکیش قهوه ای !!!!

۷۷- در قزوین زلزله سختی روی داد و کودکی از طبقه دوم به طبقه اول که آخوندی در آن زندگی میکرد افتاد . آخوند گفت : این همه پشت دولت احمدی نژاد لیچار می بافند که هیچ کاری نمی کند . ببین هنوز زلزله نیآمده ، کمک های جنسی سرازیر شد !!!!

۷۸- یک خواهر زینب ، به قصد زیارت امام رضا راهی مشهد شد. حرم را بسیار شلوغ می بیند ، میگوید اینقدر شلوغ نکنید ، حاجت ها قاطی پاطی میشن . سال پیش همین طور شد ، من حامله شدم!!!!

۷۹- از حسنی ، امام جمعه رضائیه پرسیدند ، اگر یک زن مسلمان با چند فضا نورد مرد به جو زمین برود ، آیا ایراد شرعی ندارد ؟ حسنی گفت : اگر در ماهواره را باز بگذارند ، خیر !!!!

۸۰- زن پاسدار به شو هرش که در ماموریت بود نامه نوشت : عزیزم اسم تو را به غنچه دادم ، گل شد. نام تو را به درخت دادم ، میوه داد . اسمت را پیش چمن های زرد آوردم ، سبز شدند . آخه بی پدر و مادر ، پشکل خان هم اسم شد که بابای جاکشت روی تو گذاشت !!!!

۸۱- یک آخوند به زیارت مکه رفت ، چون آنجا را خر تو خر و شلوغ دید ، از ترس اینکه زیر دست و پا له نشه ، گوشه ای ایستاد و فقط تماشا کرد. او وقتی برگشت به خانواده اش که از زیارت اوپرسش ها داشتند گفت : بین خودمان باشد ، من شفاهی زیارت کردم!!!!

۸۲- مردم شهید پرور قزوین در سفر های استانی احمدی نژاد به شهرشان،شعار میدادند :

قهر مان هسته ای دمرو بخواب خسته ای !!

۸۳- پشت ویترین یکی از دارو فروشان ناصر خسرو نوشته بود : قابل توجه امت همیشه در صحنه شربت شهادت نداریم ، ولی شیاف ولادت موجو د است.!!!

۸۴- از یک راننده بیا بانی پرسیدند : شما که همیشه در سفر هستید ، چطور خیالتون راحته ، اگر زنتون بچه ای زائید ، فکر کنید مال خودتونه ؟ او جواب داد : خیلی ساده اگر شبیه خودم بود نگهش میدارم ، و اگر شبیه من نبود می فرستمش فیضه قم!!!!!!

۸۵-مردی در حرم امام رضا اختیار ادرارش را از دست داد و در صحن او شاشید . مردم خشمگین به سمت اوهجوم برده تا او را بکشند. مرد که هوش و فراستی داشت فریاد زد : ای مردم ، من شاش بند بودم و امام رضا مرا شفا داد . به یک باره مردم شاش او را بعنوان تبرک به سر و صورت خود مالیدند !!!!

۸۶- رئیس جمهور مشنگ، احمدی نژاد در یک سفر استانی برای مردم سخنرانی میکرد :
ما اسرائیل را می گیریم ، ما آمریکا را می گیریم ، ما انگلیس را می گیریم. فردی در بین جمعیت پرسید چطوری ، با رادیو موج کوتاه یا متوسط !!!

۸۷- این یکی جوک نیست . در کاشان جلوی باغ رضوان یک اسب و مقداری غذا در توبره ای گذاشته شده تا وقتی امام زمان آمد بدون غذا و اسب نباشد!!!!

۸۸- از یک پاسدار پرسیدند ، یک حیوان نام ببر که مشکل بینائی داشته باش؟ جواب داد : موش کور!!

۸۹- از خانمی که خواب ۱۲ امام را دیده بود ، جزئیات خوابش را پرسیدند . او در حالیکه بشدت گریه میکرد گفت : اولین کارم این بود تا سر علی را که ابن ملجم شکافته پانسمان کنم.راستی علی چه قیافه مخوفی داره ، داشتم زهره ترک می شد م ، امید وارم به خواب هیچ کس نیآد. بعد وادارم کردند تا جنازه آبکش شده حسین را بشورم ، راستی یادم رفت بگم ، تو خواب حسن پیشنهاد های شرم آوری داشت که من زن سیصد و پنجاه و چهارم اون بشم. بعدش رقیه را پیش مادرش بردم ، مگر مادر سگ ، بچه را قبول میکرد .می گفت مال من نیست. هر کی اونو پس انداخته مال خودش . کهنه های گُهی علی اصغر هم بمن میدادند تا بشورم ، طفلک تمام کونش شاش سوز شده بود. مشغول کهنه شوئی بودم که عباس ، آب خواست ، منم که حسابی خسته بودم از آب لگن به اون دادم و اصلا حالیش نشد و خورد. کار بعدیم رفتن پیش حاج علفی و پیچیدن نسخه زین العابدین بیمار بود . باورتون میشه ، انگور شوئی امام رضا را بگردن من انداختند واگر من این کار انجام داده بودم ، امام رضا زنده میماند. منو پیش رمال هم فرستادند تا ورد بگیرم شاید حسن عسکری بچه دار بشه . دو سه روزی هم دنبال مهدی غایب گشتم . گفتند ولدزنا رفته ته چاه . مرده شور خودشونو و خوابشونو ببره !!!!

۹۰- از امام جعفر صادق منقول است : نماز را درسفر شکسته ، و در قزوین نشسته بخوانید!!!

۹۱- در روی در مسجدی بی رونق نوشته بود : در این مسجد ، نماز را شکسته ، نشسته ، بدون وضو و گوز فری بخوانید!!!

۹۲- وصیت خمینی : دستم را به خامنه ای بدهید ، چون دست ندارد . ریشم را به رفسنجانی بدهید چون ریش ندارد و کونم را بگذارید توموزه تا برای امتم بگوزه !!!!

۹۳- از امام جمعه قزوین پرسیدند : حاج آقا آیا شما با حاجیه خانم ، سکس خوبی دارید . او گفت نه ، سکس ما خیلی افتضاح است . چطور ؟ ، خانم عادت ماهانه طولانی دارند؟ خیر ، ایشان همیشه اسهال دارند!!!!!

۹۴- در ایران دیگر کسی به مساجد حتی برای قضای حاجت هم نمی رود .از این رو مسجد امام خمینی این آگهی تبلیغاتی را به صدا و سیمای جمهوری اسلامی داده بود تا پخش شود : در مسجد امام ، شما میتوانید نماز صبح را یک رکت ، نماز ظهر را دو رکت آنهم بدون وضو و یا ۵ رکت برای یک هفته تان بخوانید. !!!

۹۵-اگر بتوان با سرعت نور به افتخارات میهنت بربنی ، به تو میگویند آخوند.

۹۶- در دستشوئی دانشگاه الزهرا نوشته ای جلب توجه می کرد : وقتی اینجا آمدی ، منتظر جاذبه نیوتن نباش ، زور بزن ، دیگران منتظر ند!!!!

۹۷- در جمهوری اسلامی فساد بیداد می کند . از یکی از سران رژیم پرسیدند : در کشور شما مرد سالاری حاکم است یا زن سالاری ؟ او جواب داد مردم سالاری!!!!

۹۸-از حسنی ، امام جمعه رضائیه پرسیدند : چند شبه که شما نمی خوابید ؟ اوجواب میدهد : می خوام ببینم چطوری خُرخُر می کنم.!!!!

۹۹- در پادگان عشرت آباد ، برای پاسدار ها فیلم شام آخر را نمایش میدادند . تمام پاسدارها با قابلمه بدیدن فیلم آمده بودند!!!

۱۰۰- میدانید تفاوت عرب با پاسدار در چیست ؟ عرب از کمر به پائین خر است و پاسدار از کمر به بالا!!

۱۰۱- یکی از خواهران زینب در جریان جنگ ایران و عراق به جبهه رفت و در بازگشت ، مدال افتخار گرفت . او حامله شده و یک اسیر عراقی در شکم بهمراه آورده بود !!!!!!

۱۰۲- احمدی نژاد در یکی از استفراغهای استانی اش گفت : اگر پیامبران و امامان زنده می شدند تمامی ایران را برای زندگی انتخاب می کردند . از این رو بلا فا صله به مشائی دستور داد تا پست های شغلی زیر را برای پیامبران خالی کنند.

نوح : رئیس باغ وحش تهران

لوط :شهردار قزوین.

یو نس : سر پرست شیلات

سلیمان : سرپرست هواپیمائی کشور و رئیس دفتر احمدی نژاد!!!

ابراهیم :سرپرست کشتارگاه تهران .

یعقوب : رئیس فدراسیون کشتی کشور.

یوسف : ریاست بنیاد رسیدگی به شکا یات طلاب فیضیه ها.

موسی : سرپرست سیرک تهران

عیسی : ریاست آسایشگاه روانی کهریزک

محمد : سرپرست خانه های عفاف تهران ، نایب التولیه ضلع جنوبی صحن امام رضا.

علی : فرماندهی پاسداران و بسیج.

حسین : سرپرست بنیاد شهید.

مهدی : امام جمعه موقت تهران !!!!!

۱۰۳- بدنبال اعلام رئیس جمهور مشنگ ، احمدی نژاد ، مبنی بر اینکه :ممه را لولو برده ، افسردگی در بین مردان به شدت افزایش یافته ، کودکان نا آرامی می کنند. زنان ممه های خود را بیمه می کنند وجوانان مجرد توخیا با نها در بدر دنبال ممه گم شده هستند!!!!

۱۰۴- بنا به پیشنهاد رهبر ، سید علی خامنه ای : نام بیضه به طرفین المعا مله تغییر یافت.

۱۰۵- آخوندی زنباره ای سر منبر می گفت : خانم هائی که فکر می کنند ، برای بدست آوردن دل شوهر با ید به شکم آنها برسند ، کمی سطح بالا فکر می کنند !!!!!!

۱۰۶- سوال : چرا احمدی نژاد چتر باز نشده؟

پاسخ: طبق قانون بین المللی انداختن آشغال از هواپیما به بیرون ممنوع است!!!!

۱۰۷- تو نماز جمعه قزوین ، برق نفر آخر صف نمازگزاران را می گیرد ، امام جمعه میمیرد!!!!!

۱۰۸- از آیت اله جعفر سبحا نی پرسیدند : اگر موبایلی که در حافظه ی آن آیات قرآن باشد ، تو مستراح بیفتد ، خارج کردن آن جایز است یا خیر ؟ این آیت اله چیز خل جواب میدهد : بله ، باید بلافا صله آنرا خارج کرد وتا مادامیکه موبایل خارج نشده ، نباید در آن مستراح رید ، چون ریدن با آگاهی از وجود قرآن محاربه با خدا است.در ضمن تا زمانیکه موبایل خارج نشده از مستراح همسایه استفاده کنید !!!!

۱۰۹- یک بسیجی با زنش پیش دکتر رفت و گفت :خانم دکتر ما بچه دار نمی شیم .دکتر پرسید :چند وقته ازدواج کرده اید ؟ بسیجی گفت : یک هفته . دکتر عصبانی شده و میگوید : اونی که گرفتی زنه ، دیگ زود پز نیست !!!!

۱۱۰- در جمهوری اسلامی که غذا گیر گوسفندان نمی آید و آنها کیسه نایلون می خورند ، پشکلشان بسته بندی بیرون می آد!!!!!

۱۱۱- آخوندی به هنگام خواندن قرآن ، مرتبا دست لای پای زنش میبرد. علت را پرسیدن .گفت : برای ورق زدن قرآن آب اونجا بهتر از آب دهانمه !!!!!

۱۱۲- بار اولی که احمددی نژاد وارد نیویورک شد ، از نحوه محکم گرفتن ساکش بر روی سینه اش ، ما مورین به او مشکوک شدند و اورا دستگیر کردند ، که منوچهر متکی بدادش رسید . علت را از او پرسیدند، جواب داد : شنیده بودم در آمریکا ساک زدن !!!! خیلی رایجه ، منم ساکم را محکم نگهداشتم تا کسی آنرا نزنه !!!!

۱۱۳- بخشنامه اداره مبارزه با مفاسد اجتماعی به صاحبان رستوران ها : گذاشتن نرگسی با میرزا قاسمی در یک یخچال ممنوع است!!!

۱۱۴- فرق عمامه با پوشک بچه در چیست ؟سطح تماس ان با پوشک در روی آن است و با عمامه در زیر آن !!!!

۱۱۵-تشابه عمامه با پوشک بچه در چیست ؟ هر دو با ان دمخورند !!!

صادقانه پاسخ دهید . اگر از اسلام بخش میانی بدن ، چه در جلو وچه در پشت را همراه با انواع و اقسام سکس ، چه با هم جنس و حیوانات و مشتقات و تولیدات دستگاه تناسلی -ادراری و دفع مواد زائد از انتهای روده بزرگ را ، بگیریم ، چیزی از این مذهب باقی میماند ؟ اگر سکس و ریدن و شاشیدن ، غسل ،و نجاسات را از توضیح المسائل حذف کنیم ، آیا مطلبی با قی میماند ؟ این بخش از ریشنامه را به توضیح المسائل ، حضرت آیت اله ملا هادی سبزواری ، اختصاص داده ایم ، که در آن ایشان به یکی از بزرگترین مسائل جهانی پاسخ داده اند .

احکام طهارت ، صفحه ۴۲ ، احکام گوزیدن

این بخش به شکل سوال و جواب نگارش یافته است.

۱۱۶- سوال: گوزیدن عروس در مراسم خواستگاری چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به قصد خودنمائی باشد حرام است اما اگر میخواهد با این عمل خواسته ای را به گوش مادر خویش بر ساند اشکال ندارد اما احوط آن است که آهسته بگوزد

سوال: پدر بنده کارمند بانک بوده اندکه متاسفانه براثر شنیدن گوز دار فانی را وداع گفته اند (هنگامی که یک خانم جوان جهت انجام امور بانکی به ایشان مراجعه میکند دفترچه حساب آن خانم به زمین می افتد و وقتی برای برداشتن دفترچه دولا میشود میگوزد و چون پدر اینجانب در آن لحظه در حال نوشیدن چای بوده اند بر اثر شنیدن صدای گوز می خندند و قند در گلویشان گیر کرده بر اثر خفگی می میرند) میخواستم ببینم آیا دیه ای متوجه بازماندگان آن مرحوم هست یا خیر؟

جواب: خواهر محترم، این سوال به روئیت حضرت آیت الله ملا هادی عطایی سبزواری رسید فرمودند خندیدن به صدای گوز دیگران از بدترین اعمال است و ضمنا پدر حضرتعالی بر اثر اصابت گوز دارفانی را وداع نکرده اند بلکه علت وفات خفگی است که جزو پیامدهای خنده ی ناشی از شنیدن صدای گوز است . پس هیچ دیه ای متوجه شما نمی شود و بلکه اگر گوزنده محترمه شاکی می شدند اولیای دم میبایست رضایت ایشان را جلب می کردند

سوال: عده ای گوز خود را حبس و جهت بی اثر کردن شدت صوت آن ، آنرا به چس تبدیل میکنند. این عده چه حکمی دارند؟

جواب: جایز نیست موجب آلودگی محیط می شود

سوال: آیا گوزیدن در استخر جایز است؟

جواب: اگر قلپ های آن روی آب بیاید حرام است ..... مستحب آن است که در کنار دیواره های استخر بگوزد

سوال: گوزیدن در جمع دوستان چه حکمی دارد؟

جواب: گوزیدن واجب کفایی است یعنی اگر در جمعی تنها یک نفر بگوزد ؛ گوزیدن در جمع از گردن بقیه ساقط میشود، که فحوای آن این است که از آن پس در آن جمع نمی توان گوزید و آنرا به گردن دیگری انداخت

سوال: گوزیدن از چه سنی واجب می شود؟

جواب: گوزیدن به نوزادان پسر از چهارده ماهگی و به نوزادان دختراز نه ماهگی واجب است ، پس اگر ترک آنرا کرده باشد باید قضای گوز را بجا آورد و اگر خود استطاعت انجام آنرا ندارد بهتر است آنرا به دیگری بسپارد و یا هر پنج شنبه شب دو کیلو نخود برشته خیرات کند و یا در آش نذری نخود و لوبیای دیر پز بریزد

سوال: اگر کسی نداند که در روز چند بار گوزیده چه باید بکند؟

جواب: بر هرشخصی که بسن تکلیف "گوزیدن"رسیده است واجب است که در طول شبانه روز هفت بار بگوزد . اگر سهوا فراموش کند که مثلا شش بار گوزیده یا هفت بار باید بنا را بر شش بگذارد و در یک لحظه سریعا دولا شود تا گوز هفتم را بجا آورد. شک بین هشتمین و هفتمین گوز باطل است و باید دوباره آنرا از ابتدا بجا آورد

سوال : آیا گوزیدن با صدای بلند اشکال دارد؟

جواب: اگر گوزنده قصد اعلام مطلبی به شنونده را داشته باشد شرعا اشکال ندارد ولی مستحب است که با صدای آهسته و در خفا بگوزد تا محلی برای ریا نباشد

سوال: آیا شنیدن صدای گوز دیگران اشکال دارد؟

جواب: شنیدن صدای گوز مرد برای مرد و شنیدن صدای گوز زن برای زن اگر به قصد غنا نباشد جایز است اما احوط آن است که بطور غیر مستقیم شنیده شود شنیدن صدای گوز زن توسط شوهر و یا تمام انواع محارمش اشکال ندارد اما بهتر است که هنگام گوزش دست خود را طوری میان باسن بگذارد که صدای آن کلفت و شبیه صدای گوز مردانه بنظر برسد تا جلب توجه نکند

سوال: ارتباط گوز با شقیقه چیست؟

جواب: ارتباط از نوع ثبوتی است پس کسانی که کمتر میگوزند کمتر به عارضه سردرد دچار میشوند و این مسئله به شدت صدای آن نیز بستگی دارد که نباید بیشتر از 120 دسی بل باشد

سوال: حکم افرادی که در توالتهای عمومی با صدای بلند میگوزند چیست؟

جواب: اگر بقصد ارعاب دیگران باشد باید دیه بدهد که در این مورد باید به احکام دیه مراجعه شود اما اگر بی اختیار باشد باید شدت آنرا سنجید که اگر بیش از 120 دسیبل بود مستوجب قصاص نفس است.

سوال: اخیرا عده ای همراه با گوزیدن ، می چسند . چه حکمی متوجه این افراد است؟

جواب: جایز نیست موجب آلودگی هوا میشود

۱۱۷- معلم قرآن و شرعیات از بچه های کلاس ششم دبستان می پرسد :یک پیامبر زن نام ببرید . تمام کلاس یکباره می گویند : پیامبر اکرم !!!!!

۱۱۸- یک پاسدار اسم بچه اش را می گذاره ، مهدی وتا آخر عمر دنبالش میگرده !!!!!

۱۱۹- یک بسیجی وارد عروسک فروشی میشه و عروسک سارا نظرش را جلب می کند از فروشنده می پرسد : برادر قیمت این خواهر چنده !!!!!!

۱۲۰- از یک پاسدار می پرسند : سه تا اسم بگو که آخرش اله داشته باشد . او می گوید : روح اله ، عین اله و سیندر اله !!!!!!!

۱۲۱- میدانید ، چرا تمام بسیجی ها ، همدیگر را خواهر و برادر خطاب می کنند ؟ چون سرکرده بسیج ، سر تیپ محمد جوکار مادر تمامی آنها را گائیده !!!!!

۱۲۲- روزی بتول به خمینی گفت : وقتی فرح ، زن شاه شد خیلی چیز ها بنام او کرد تو حتی یک خیابان بنام من نکردی . خمینی گفت : خفه شو من خیابان بنام تو کنم تا

مردم یک بیست تومنی به شو فر های تاکسی بدهند و بگو یند : ۲۰ تومن تا ته بتول !!!!
آنوقت جواب امام زمان را تو میدهی ؟
۱۲۳- فائزه رفسنجانی به پدرش گفت : پدر مردم ما باید شکر گزار باشند که شما رئیس جمهورشان هستید ، شما تمام مردم را خانه دار کردید ! هاشمی پرسید ، چطور ؟
فائزه گفت : وقتی داشتم می آمدم پیش شما ، چند تا جوون سر راهم ، بفر ما زدند و گفتند خو نه خالی هم داریم !!!!!
۱۲۴- یک دختر کرمکی به آخوند زنباره ای بر خورد کرد و از او پرسید : حاج آقا میشه من با دوست پسرم بخوابم ؟ آخوند گفت : استغفراله دختر پرسید ، میشه من با یک مرد غریبه بخوابم ؟آخوند گفت : اعوذ بلاله . دختر پرسید با خود شما چطور ؟آخوند گفت : بسم اله !!!!!
۱۲۵-دو پاسدار در خیابان جلوی زن و مردی را می گیرند و سوال می کنند : برادر این خانم همراه شما ، صیغه است یا عقدی ؟ مرد میگوید : نه برادر جنده است و نقدی !!!!!
۱۲۶- بررسی ها اخیر نشان میدهد ، هر کجا که احمدی نژاد قدم میگذارد ، موز نا یاب می شود !!!!!
۱۲۷- مقام زن در جمهوری اسلامی : منجی عالم حشریت !!!!!
۱۲۸- زن امام جمعه رشت بچه دار می شود ، سازمان مجاهدین خلق مسولیت آنرا بگردن می گیرد !!!!
۱۲۹- به دستور احمدی نژاد ، ده درسد به بهای شیر افزوده می شود . علت را جویا می شوند او می گوید : بخاطر حمایت از گاو هائی که بمن رای دادند!!!!!!
۱۳۰- معلم : کی میدونه مساحت ایران چقدره ؟
شاگرد : ما خانم ، زمان شاه بود یک میلیون و ششصد و هفتادهزار متر مربع ، ولی حالا شده یک میلیون و ششصد و هفتاد هزار متر مکعب ! معلم چطور ؟ شاگرد : خانم بابا مون گفته تو این سی سال آخوند ها به اندازه یک متر بر تمام ایران ریده اند!!!!!
۱۳۱- یک پاسدار برای تزریق آمپول به بخش تزریقات مراجعه می کند . آمپول زن از اومی پرسد روی سمت چپ بزنم یا راست ، رنگ از روی پاسدار می پرد و می گوید : این چه سوالی است ، می خواهی کار دست ما بدهی ، جون مادرت مارا سیاسی نکن ، بزن وسط.!!!!
۱۳۲- یک نفر ساعت ۳ بامداد به صدا و سیمای جمهوری اسلامی زنگ میزند و از متصدی مربوطه سوال می کند : برادر ، فکر می کنی الان آقای خا منه ای خواب است ؟ متصدی می گوید ، بله فرد می پرسد : فکر می کنید : صادق لاریجانی و سعید مر تضوی هم خوابند ؟متصدی میگوید فکر می کنم ، چطور ؟ فرد میگوید : حالا که همه خوابند ، اون صحنه رقص خانم فروزان کنار استخر تو فیلم کنج قارون را بگذار تا حال کنیم !!!!!
۱۳۳- خمینی سر منبر احساساتی می شود و می گوید : آمریکا را ویران می کنم ، اسرائیل را ویران می کنم و... حاضران هم شعار مید هند : تراکتوری خمینی ، بولدوزری خمینی ، تو لودری خمینی !!!
۱۳۴-یک نفر نخ اسکناس د ه تومانی را می کشد و شورت مدرس از کونش می افتد .پاسدارها بسمت او حمله ور می شوند . او در حالیکه اسکناس ۱۰۰۰ تو مانی را که عکس خمینی روی آن نقش بسته نشان میدهد می گوید : اگر جلو بیآئید نخ این اسکناس را می کشم!!!!!

۱۳۵- جبرائیل به محمد می گوید : بخوان محمد می گوید بلد نیستم . جبرائیل می گوید : تجدیدی هستی برو شهریور بیا !!!!!

۱۳۶- نکته : پیش از انقلاب با تیغ ، ریش میزدند . بعد از انقلاب ، با ریش تیغ میزنند !!!!

۱۳۷- احمدی نژاد به سلمانی محله اشان گفت : فرق سر مرا از وسط باز کن .سلمانی پرسید چطور . احمدی نژاد گفت : می خوام بین شپش های نر و ماده سرم فاصله بیفته ، مبادا آنها کار های غیر شرع مرتکب بشوند!!!!!

۱۳۸- یک توریست از دم مسجدی رد می شد ، دید جمعیت زیادی به رکورد رفته اند . از پسر بچه ای که جلوی مسجد بازی میکرد پرسید :اینها چکار می کنند ؟ پسر بچه زبل گفت : کون همدیگر را بو می کنند ، این از رسم و رسوم اسلامه که از زمان محمد تا امروز حفظ شده !!!!

۱۳۹- از یک پاسدار پرسیدند تا بحال در جریان سکس ، زنت را دیوانه کرد ه ای ؟ او گفت در جریان سکس ، نه ولی بعد از سکس بلی ، چون اون موقع ، کیرم را با پرده مهمانخانه پاک می کنم !!!!

۱۴۰- حسنی ، امام جمعه رضائیه را درحالیکه سر و بدنش له شده بود به بخش اورژانس بردند دکتر علت را پرسید . حسنی گفت : آقای دکتر داشتم شیر می خوردم که این بلا بسرم آمد !! دکتر با تعجب پرسید : بیشتر توضیح بده ، مگر کسی هنگام شیر خوردن به و ضع تو می افتد. حسنی گفت : بله آقای دکتر داشتم شیر می خوردم که گاو دلش خواست بنشیند !!!!!!

۱۴۱- حسنی ، شورت ساخت تایوان خرید و به پا کرد . از او پرسیدند : چه احساسی داری؟ جواب داد فکر می کنم ، کونم تو غربته !!!!!!

۱۴۲- حسنی ، با کلید گوشش را خاراند ، گردنش قفل شد !!!!!

۱۴۳- گدائی از یک آخوند ، طلب ۵ تومان کمک کرد . آخوند گفت :مردک تو خجالت نمی کشی گدائی می کنی . گدا گفت : اونی باید خجالت بکشه که ماشین بنز سوار میشه ، محافظ داره و ۵ تومن تو جیبش نداره تا کمک کنه !!!!!

۱۴۴- از احمدی نژاد پرسیدند : شما بیشتر در کجا فکر می کنید ؟ او جواب داد ، در مستراح!!! (راز ریده شدن به مملکت پس از این سوال آشکار شد).

۱۴۵- در جمهوری اسلامی ، هیچگاه سالروز تولد زکریا رازی را جشن نمی گیرند . این از آن نظر است که در اولین سال روی کار آمدن ملایان ، ظریفی در روزنامه کیهان پیام شادباشی بشرح زیر داده بود : سالروز ولادت یگانه منجی عالم مستی ، اختر تابناک عیش، نوش ، عشق و حال ، زکریا رازی را به تمام الکل دوستان دنیا ، خاصه هم میهنان مبارز تبریک میگو ئیم !!!!!

۱۴۶- از یک بسیجی پرسیدند : تشابه هویج و دامن کوتاه برخی از مفاسد اجتماعی بالای شهر چیست؟جواب داد ، مسائل شرعی آنرا نمی دانم، ولی هر دو باعث تقویت چشم می شوند !

۱۴۷- آیا فرق بین احمدی نژاد با زیر شلواری را میدانید؟ با زیر شلواری تا سر کوچه میتوان رفت ، ولی با احمدی نژاد خیر !!!!!!

۱۴۸-یک پاسدار از یک بسیجی پرسید : میتوانی چهار حیوان نام ببری که با حرف خ شروع شو ند ؟بسیجی گفت : خودت ، خواهرت ، خا له ات و خدا بیآمرز مادرت !!!!!!

۱۴۹- یک پاسدار را به جشن عروسی دعوت کردند ، اوپس از خوردن یک ماء الشعیر ، شماره تلفنش را به عروس خانم داد !!!!!!

۱۵۰- خامنه ای دستور داد تا به رئیس اداره هوا شناسی مبلغی بعنوان تشویق بدهند . در نامه خود نوشته بود : از اینکه دیشب ، هوا خوب بود و عروسی آقا مجتبی ، بخوبی برگزار شد ، کمال رضایت را داریم !!

۱۵۱- بخشنامه بهشت زهرا : از امت شهید پرور درخواست میشود ، اگر از خویشا وند خود ، عکسی ندارند تا سر قبر او بگذارند ، سر فرد متوفی را از گور بیرون نگذارند !!!!!!!

۱۵۲- از یک بسیجی که در امتحان عقیدتی شرکت کرده بود پرسیدند : هنگام مستراح رفتن ، اول پای چپت را می گذاری یا پای راستت را ؟ او گفت : مرا قبول کنید ، من با سر میروم !!!!!!

۱۵۳- زن یک بسیجی ، دوقلوحامله بود و دکتر به او گفته بود :شما در تاریخ دهم مهر ماه میزائی .ماه مهر تمام شد ولی خبری از زایمان نبود . دکتر بنا چار دست به عمل سزارین زد و با کمال تعجب دید ، قل پسر ، پای قل دختر را گرفته و میگوید : به شرف محمد اگر بگذارم لخت بیرون بری !!!!!!

۱۵۴- آن چیست که عمامه اش سبز است و لباسش سیاه وپیراهنش سفید ؟ اشتباه نکنید ، آخوند نیست. مورد سوال ما بادنجان است !!!!

۱۵۵- روزی خلخالی پیش روانپزشکش رفت وگفت :آقای دکتر من عاشق اسبم شده ام. دکتر پرسید : اسبت نره یا ماده ؟ خلخالی عصبانی شد و فریاد زد : آقای دکتر مگر من گی هستم که عاشق اسب نر بشم !!!!!

۱۵۶- یک مسلمان بی پدر و مادر در مشهد، سر نرخ هم خوابگی با یک صیغه بگومگو میکرد . او میگفت : ۳۰ هزار تومن برای یک هفته . صیغه جواب داد ، سی هزار تومن فقط سهم امام رضا ست ، پول من چی میشه. مسلمان گفت : ۱۰۰ هزار تومن ولی به سبک من !! صیغه گفت ۱۰۰ هزار تومن نرخشه ، ولی سبک من دیگه چه صیغه ای است ، نه قبول ندارم . مرد گفت : ۵۰۰ هزار تومن ولی به سبک من . جنده اسلامی ، ریسک این قرار را پذیرفت و آنها شب را با هم صبح کردند . صبح که جنده از خواب بلند شد ، مرد رفته بود ویک یادداشت برای زن گذاشته بود : من ۵۰۰ هزار تومن از جاکشت ، امام رضا طلب دارم ، پولت را از امام رضای غریب بگیر!!!

۱۵۷- به خواب یک حاجی که به حجرالاسود سنگ پر تاب نکرده بود ، شیطان نازل شد و گفت : دمت گرم ، که بمن سنگ نزدی . یک آرزو کن تا من اونو برآورده کنم. حاجی زنباره گفت :میشه یک خانم جوون برام بیآری . شیطان در حالیکه بشدت عصبانی شده بود گفت: من بندگی خدایت را نکردم ، حالا جاکشی تو را بکنم!!!!

۱۵۸- زن خمینی برای خرید کیف دستی ، وارد مغازه شد و دوتا کیف به رنگ پوست نظرش را جلب کرد .قیمت آنها را پرسید . فروشنده گفت : کیف دست راستی ۵۰ هزار تومن ، چپی دویست و پنجاه هزار تومن . بتول پرسید : این ها مثل هم هستند ، چرا اینقدر اختلاف

قیمت؟ فروشنده گفت : حاج خانم این کیف ها از پوست کوس و کیر درست شده اند . ارزونه از پوست کوسه و گرونه از پوست کیر ،اگر چند بار اونو بمالی ، اندازه چمدون میشه !!!!!

۱۵۹- مدیر مدرسه به پیش نماز شهرشان تلفن زد و گفت :حاج آقا باید به شما تبریک بگویم که چنین پسر هنر مندی دارید .او در آینده نقاش بزرگی خواهد شد. آخوند در جواب مدیر مدرسه سکوت کرد .مدیر پرسید : حاج آقا مثل اینکه شما از این بابت خوشحال نیستید؟ آخوند گفت :بله ، یک بار او عکس کوس روی بخاری کشیده بود ، هم کیر مرا سوزانید و هم زبان عمو یش را !!!!!

۱۶۰- عزیز جعفری ، فر مانده سپاه پاسداران ، با محافظش خیلی نزدیک بوده و راز های خصوصیش‌را با او در میان می گذاشت. روزی جعفری به محافظش گفت : دیشب که داشتم ترتیب زنم را میدادم ، از خودم سوال کردم: اینکار من ، وظیفه است یا بیگاری ؟ محافظ گفت البته که وظیفه است ، چون اگر بیگاری بود ، میدادید ، من میکردم!!!!!

۱۶۱- طلبه ای را در فیضه به زحمت انداختند، او تلوتلو و با پای باز راه میرفت .آخوندی از او پرسید : چه شده ، خدا بد نده ؟ طلبه جواب داد : خدا بد نداده ، من بد داده ام!!!!

۱۶۲- از حسنی ، پرسیدند : چطور پنج تا فیل میتوانند سوار ماشین شوند؟ جواب داد خیلی ساده ، دوتا جلو ، سه تا عقب !!!!!!

۱۶۳- روزی مارگارت تاچر ، جیمی کارتر و شاه پیش خدا رفته و خواست ها یشان را با خدا در میان گذاشتند.تاچر از خدا پرسید : من چه مدت باید صبر کنم تا بار دیگر انگلیس آقای دنیا شود؟ خدا گفت تا ۵۰ سال دیگر .تاچر زیر گریه زد و گفت : تا آن زمان ، من زنده نیستم. کارتر پرسید : چه زمانی طول می کشد که آمریکا شوروی و چین را ببلعد !!!؟ خدا گفت ۶۰ سال دیگر . کارتر گریه کرد وگفت : آن زمان من زنده نیستم. نوبت شاه رسید ، پرسید: خدایا چه زمانی طول می کشد تا مردم ایران شعور پیدا کنند؟ این بار خدا زیر گریه می زند و میگوید تا آن زمان من زنده نیستم !!!!!

۱۶۴- در فرودگاه مهر آباد از چمدان یک خاتم مسن ، که قصد رفتن به مکه را داشت ، دو بطر ویسکی در آوردند .علت را پرسیدند.گفت :در مکه ، به هنگام زیارت خانه خدا! بخاطر ضعف بدنی اگر نتوانستم دور کعبه بگردم، ویسکی ها را بخورم تا کعبه دور من بگردد!!!!

۱۶۵- هر کسی حق دارد احمق باشد ولی آخوند ها از این حق ، سوء استفاده می کنند!!!!

۱۶۶- یک هواپیمای یک مو توره در بهشت زهرا سقوط می کند و نیروی بسیج مسقر در گورستان به کمک می شتابد. خبرنگاری از فر مانده بسیج از چگونگی حادثه سوال می کند . او پاسخ میدهد عمق حادثه ، بسیا ر فاجعه آمیز است ، تا کنون نزدیک هزار جنازه در آورده ایم !!!!!!

۱۶۷- روزی موسی و عیسی در راهی می رفتند که یک صد دلاری پیدا کردند . بر سر تصاحب آن بنا شد تاس بیندازند ، هر کسی بیشتر آورد ، صد دلاری از آن او. موسی جفت هفت آورد !!!!!

۱۶۸- احمد خاتمی ، امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه دانشگاه تهران گفت : اکنون ما متوجه شده ایم که پس از سی و یک سال کیرو کجا بگذاریم !!!!!!

۱۶۹- حسنی امام جمعه رضائیه ، خودش را به سپر ماشین میمالید . علت را پرسیدند . گفت دارم اوقاتم را سپری می کنم !!!!!!

۱۷۰- از زن سر تیپ نظر علی علیزاده ، جانشین سپاه قدس گیلان پرسیدند : به هنگام عشق بازی با سر تیپ حر ف هم میزنی ؟ گفت : اگر تلفن بزند ، بله !!!!!!

۱۷۱- روز قیامت ، خدا تصمیم گرفت تا تمام حیوانات را به بهشت بفرستد . حسنی امام جمعه رضائیه همراه با حیوانات قصد وارد شدن به بهشت را داشت که جلوی او را گرفتند . او پر خاش کنان گفت : چی شد ، یک عمر خر بودیم ، حالا آدم شدیم!!!!!

۱۷۲- جوانی را بجرم عرق خوری به کمیته می برند. سرپرست کمیته حکم ۷۵ ضربه شلاق‌را صادر می کند و به پاسدار اول میگوید : لختش کن و شلاق ها را به کونش بزن . پاسدار اول ۴۰ ضربه میزند و خسته میشود .سرپرست کمیته به پاسدار دوم میگوید : شلاق را بگیر و تو فیض ببر. وقتی کار شلاق زنی تمام میشود جوان میگوید : حاج آقا همه فیض بردند ! میتونم شلوارم را بالا بکشم و در فیضیه را ببندم !!!!!

۱۷۳-یک پاسدار در پدافند هوائی یک جت عراقی را سرنگون می کند. خلبان جت با چتر نجات بیرون می پرد . پاسدار که او را می بیند به دوستانش میگوید :بچه ها در رید ، صاحبش اومد !!!!!

۱۷۴- یک جوان در جنگ ایران وعراق کشته می شو د و پاسداری را مامور می کند تا خبر کشته شدن او را به خانواده اش اطلاع دهد . پاسدار زنگ خانه فرد کشته شده را زده و از کسی که در خانه را باز کرده بود می پرسد : ببخشید منزل شهید حسین بهرامی اینجاست !!!!!

۱۷۵- در جریان جنگ ایران و عراق ، طبق بخشنامه دولت تمام افراد جامعه اعم از زن و مرد موظف به شرکت در جنگ بودند و تنها استثنا ئی که وجود داشت ، زنان حامله بودند که از رفتن به جبهه معاف بودند. از فردای صدور بخشنامه شغل جدیدی در ایران به وجود آمد . تعدادی مرد جوان سر چهار راه ها دست به کیر ایستاده و می گفتند : حاملگی با نازلترین قیمت !!!!!

۱۷۶- یک پاسدار برای بچه خواهرش توضیح میداد که نارنجک چگونه عمل می کند، ضامن آنرا باید بکشیم ، تا پنج شماره بشماریم و بعد پرتاب کنیم. وسط کار تلفن زنگ زده و پاسدار نارنجک را وسط پایش میگذارد وتا بخواهد جواب تلفن را بدهد ، نارنجک منفجر می شود بچه می پرسد دائی چی شد؟پاسدار ناله کنان جواب میدهد : دائی نگو ، بگو خاله !!!!!

۱۷۷- زن خامنه ای که از گشادی کوسش رنج میبرد ، پیش دکتر رفته و دکتر یک پماد جمع کننده پوست و چروک به او میدهد. پس از یک ماه زن خامنه ای سراسیمه نزد دکتر برگشته و میگوید: خانم دکتر دستم به دامانت ، رهبر نمیتواند سخن بگوید ، دهانش به اندازه کون مرغ شده ! خانم دکتر گفت : نگران نباش به آقا بگو ، چند روز کوس لیسی نکند !!!!!

۱۷۸- حسنی ، امام جمعه رضائیه داخل یک گودال می افتد و هر چهار تا پایش می شکند !!!!!

۱۷۹- معلم از مجتبی پسر خامنه ای که کلاس ششم دبستان بود سوال کرد :اگر من دوتا سیب داشته باشم و هردوی آنرا بخورم، چندتا سیب برایم می ماند ؟ مجتبی میگوید : نمیدانم! معلم : چطور نمیدانی ؟ مجتبی : آخه آقا ما مسائل را با پر تقال حل می کنیم !!!!!

۱۸۰- زن سردار احمد رادان به شوهرش گفت : خیلی ممنون از پالتو پوستی که برایم خریده ای یک کادوی دیگر هم برام بخر که به پالتو بیآید. شب که رادان بخانه برگشت ، یک پاکت نفتالین به زنش هدیه داد !!!!!!

۱۸۱- پاسداری از روی کلاه سرش را می خاراند. از او پرسیدند : فلسفه اینکار چیست؟ جواب داد سرم می خارد!!! آنرا می خارانم.و بعد ادامه داد، ببینم اگر شما کونتان بخارد ، شلوارتان را در می آورید که حالا به کلاه من گیر داده اید!!!!!

۱۸۲- یک پاسدار در جنگ ا یران و عراق ، بر اثر اصابت خمپاره کیرش را از دست میدهد. تیم جراحان جمهوری اسلامی که به اهمیت داشتن کیر واقف بوده وهستند ، کیر یک پاسدار مرده را به او پیوند میزنند. چندی میگذرد که زن پاسدار دکتر جراح را پیدا کرده و از او می پرسد : آقای دکتر این چه لطفی بود که در حق شوهر من کردید ، هر وقت من می خواهم با او عشق بازی کنم ، مرا کنار زده و میگوید : زن خجالت بکش ، مگر مردی با کیر یک مرد غریبه زنش را می کند !!!!!!

۱۸۳- رژیم جمهوری اسلامی سر نگون شده بود و مردم هر آخوندی را که پیدا میکردند تکه تکه میکردند . حسنی امام جمعه رضائیه خودکشی را بهترین راه زجر نکشیدن دانسته از این رو داخل یک گلدان بزرگ شده و به اطرافیانش سفارش کرد ، بمن آب ندید !!!!!

۱۸۴- دو طلبه ، کون هایشان را بهم چسبانیده بودند . علت را پرسیدند ؟ جواب دادند : داریم مخرج مشترک میگیریم !!!!!!

۱۸۵- فیصیه قم در یک اقدام بی سابقه کتاب مثنوی جنجال بر انگیز : خسرو و فرهاد را انتشار داد!!!!این کتاب در روز اول پخش توسط کلیه طلاب خریداری شد !!!

۱۸۶-باز پرس از یک بسیجی که زنش را کشته بود پرسید : وقتی زن جوانت را می کشتی ، صدای وجدانت را نشنیدی ؟ بسیجی جواب داد : اون آنقدر داد و فریاد راه انداخته بود که من هیچ صدائی را نشنیدم !!!!!!

۱۸۷- یک طلبه، به مستراح میرود ، و بمحض اینکه شلوارش را پائین می کشد ، کیرش بلند می شود .با دست محکم روی سر کیرش می زند و می گوید: بی پدر و مادر به کون خودت هم رحم نمی کنی!!!!!

۱۸۸- آخوندی که در مسجد مرتبا کون پسر بچه های بسیجی میگذاشت به جهنم رفت و در آنجا خدا یک اژدهای دو سر را مامور عقوبت او کرد . پس از مدتی اژدها پیش خدا رفته و از او می خواهد تا یک ماموریت جدید به او بدهد. خدا علت را می پرسد ؟ اژدها می گوید : یک هفته است که این نماینده تو ، مر تب از من می پرسد : تو که دوتا سر داری ، یک کون دیگه ات کجاست !!!!

۱۸۹- یک بسیجی که تازه از جبهه برگشته بود ، اسم دختر ش را گذاشت مین !!! از اوعلت را پر سیدند . جواب داد : از آنجا که مملکت را فحشا گرفته ، بخاطر اینکه وقتی بزرگ شد ، کسی روش نپره !!!!!

۱۹۰- از آخوند لواط کاری پرسیدند ، کوس را تعریف کن. او گفت :کوس حجم زائدی است که

اطراف کون را اشغال کرده !!!!!

۱۹۱- دوتا پاسدار تو آسایشگاه ، سر وسط خوابیدن ، دعواشون شد !!!!!

۱۹۲- از عفت خانم زن هاشمی رفسنجانی پرسیدند : از عشق بازی با حاج آقا راضی هستی؟ اوجواب داد : ای خاک عالم بسرش ، کیرش مثل هواپیمائی جمهوری اسلامی است .با تاخیر بلند میشه و بلافاصله با نقص فنی سقوط می کنه !!!!!

۱۹۳- در خانقاه منطقه ولی لس آنجلس ، حضرت عنقا تمام پیروانش را احمق خطاب می کند روزی ضمن سخنرانی باز این جمله را تکرار کرد و از جمعیت دامی که آنجا نشسته بودند خواست تا احمق ها از جایشان بلند شوند . اما در کمال تعجب کسی از جایش بلند نشد ، الا دربان آنجا . عنقا گفت : عجب ما در اینجا تنها یک احمق داریم . دربان گفت : حضرت عنقا من دیدم تنها کسی که ایستاده خود شما هستید ، دیدم خیلی بد میشه ، نخواستم تنها باشید!!

۱۹۴-فرمانده بسیج دانش آموزان تهران ، به داروخانه رفت و از دکتر داروساز ۹۹ تا کاندوم خواست .دکتر داروساز گفت : حاج آقا این همه ، اشتهاتونو برم ، بفر مائید ترتیب ما را هم بدهید حاج آقا گفت : پس لطفا ۱۰۰ تا بدهید !!!!!

۱۹۵- روزی مهدی ، پسر ها شمی رفسنجانی با مادرش عفت خانم به حمام میرود و نگاهش به دستگاه تناسلی او می افتد و می پرسد : مادر این چیست ؟ عفت خانم می گوید : دلخوشی بابات!!!!!

۱۹۶-دختر زیبائی کنار خیابان منتظر تاکسی بود ، تا یک تاکسی از راه رسید . او به راننده تاکسی گفت : امام خمینی می خوره ؟؟؟راننده گفت : خمینی سگ کی باشه ، خودم می خورم !!!!

۱۹۷- خامنه ای با پستان زنش ور میرفت .زنش پرسید چیکار می کنی ؟ خامنه ای گفت هوس کردم بی بی سی لندن را بگیرم . زنش گفت : مرتیکه ، آنتن تو رادیو اف- ام را هم نمیگیره ، حالا می خواهی موج کوتاه را بگیره !!!!!

۱۹۸- از سردار رادان ، نوار مغزی می گیرند .بیست دقیقه اولش خالی بو د !!!!!

۱۹۹- معلم از مجتبی پسر خامنه ای می پرسد : پنج تا حیوان در نده نام ببر ؟ مجتبی میگوید سه تا شیر و دو تا ببر !!!!!

۲۰۰- یک پاسدار که مادرش را کشته بود ، دلیل جنایتش را رابطه نا مشروع جنسی مادرش برشمرد.او در بازجوئی گفت : یک روز سر زده بخانه رفتم ، مادر و پدرم را سرگرم معاشقه دیدم به طرف آنها حمله کردم ، پدرم در رفت و من که نمیتوانستم این ننگ را ببینم ، مادرم راکشتم !!!

۲۰۱- در ایام عزاداری حسین ، پاسداران متوجه دوستشان شدند که هنگام سینه زنی ، می شاشد علت را پرسیدند . او گفت : از ته دل گریه می کنم !!!!!

۲۰۲- از محسن رضائی ، فر مانده سابق پاسداران پرسیدند : نظر شما راجع به تانکهای جدیدی که سپاه خریده چیست ؟ او جواب داد : خیلی خوب هستند ، ولی یک ایراد بزرگ دارند و آن این است که بوق ندارند !!!!

۲۰۳- آخوند لواط کاری به اهواز رفته و با خود یک کودک سیاه جنوبی را به خانه می آورد . زن آخوند از او می پرسد ، تو هیچگاه به بچه های یتیم توجهی نداشته ای ، ماجرا چیست ؟ آخوند جواب می دهد : به دلت بد نیآر ، مال ایام محرمه !!!!!!

۲۰۴-آن زمانی که رفسنجانی و خامنه ای را کسی نمی شناخت ، رفسنجانی در خانه خامنه ای می رود و در می زند . مجتبی در را باز میکند . رفسنجانی می پرسد : موجی جان بابات خونه اس ؟ مجتبی می گوید : بله عمو ، اما تو حمومه . رفسنجانی می پرسد : ماما نت خونه اس ؟ مجتبی می گوید : بله ، اما اونم تو حمومه و دارند بستنی می خورند !!!!! رفسنجانی با تعجب می پرسد : بستنی می خورند ، چطور ؟ مجتبی میگوید : بابام مرتب به مامانم میگه : زودتر بخور تا شل نشده !!!!!

۲۰۵- شخصی تو خیابان سپه بطرف میدان امام خمینی جلوی تاکسی دست بلند کرد و پرسید : خمینی می رید ؟راننده تاکسی گفت :مرد حسابی این چه سوالی است ، خمینی یک مملکت را به گه کشید ، حالا تو می پرسی خمینی میرید !!!!!

۲۰۶- یک پاسدار گوزید ، دنبال پو که اش می گشت !!!!

۲۰۷- از احمدی نژاد پرسیدند : تمام افراد خانواده شما زشت هستند ، آیا شما ها فامیلی ازدواج کرده اید ؟ او جواب داد : بله عموم با زن عموم ازدواج کرده ، دائیم با زن دائیم و خاله ام با شوهر خاله ام !!!!!!!

۲۰۸- یک آخوند تازه بدوران رسیده ، برای همدردی با زلز له زدگان بم ، دو روز تلفن همراهش را روی ویبراتور گذاشت !!!

۲۰۹- در جمعی ، مردی با حرارت و عصبانیت می گفت : آخوند ها همگی جاکش هستند . یکی از حاضران از جا بلند شده و اعتراض کنان با او دست به گریبان می شود . وقتی آنها را از هم جدا می کنند، مرد از فرد مهاجم می پرسد : اگر تو آخوندی ، پس عمامه و عبایت کو؟ آن فرد میگوید : بار آخرت باشد که آخوند ها را بما می چسبانی !!!!!

۲۱۰- یک بسیجی در پایان نماز از خدا خواست : خدایا ما را تا نمردیم ، از این دنیا نبر !!!!!

۲۱۱- یک آخوند زنباره سر منبر خطاب به متوالیان مسجد میگوید : در ایام محرم ، به تمام عزاداران ، نوار بهداشتی بد هید ، بگذارید که آنها خون گریه کنند !!!!!

۲۱۲- از حسنی امام جمعه رضائیه پرسیدند : چرا غواصان از درون قایق با پشت داخل آب می پرند او جواب داد : اگر از جلو بپرند ، صورتشان کف قایق می خورد !!!!

۲۱۳- تنها رادیوی فارسی زبان دنیا که وسط سرود : ای ایران ، ای مرز پر گهر .... آگهی پخش می کند ، رادیو ۶۷۰ لس آنجلس است !!!

۲۱۴-متن تلگراف منتظری به جماران به مناسبت کشته شدن آیت اله مطهری : بدینوسیله فوت جانگداز حضرت آیت اله مطهری (تخت طاووس سابق) را به آن حضرت وملت ایران تسلیت می گویم. ۲۰ رجب ۱۹۹۳ میلادی قم

۲۱۵- از بهلول پرسیدند : فرق بین موال و منبر چیست ؟ پاسخ داد : در اصل هیچ فرقی ندارند . هر کس که نخواهد در جمع بریند به موال می رود و هر کس که بخواهد بر جمع بریند به منبر میرود!

۲۱۶- وجه تشابه آخوند با اسپرم در چیست ؟ از هر ۴۰۰ میلیون آخوند ممکنه یکیش آدم بشه !!

۲۱۷- از خلخالی پرسیدند : به نظر شما چه کسانی امام حسین و یارانش را کشتند ؟ او جواب داد چریکهای فدائی خلق ، شا خه کر بلا !!!!!

۲۱۸- معلم از مجتبی ، پسر خامنه ای پرسید :میتوانی یک پستا ندار پرنده نام ببری ؟ او جواب داد : مهمانداران هواپیما !!!!!

۲۱۹- هنوز چند دقیقه از رفتن داماد بسیجی به حجله نگذشته بود که فریادش به آسمان رفته و در حالیکه آلت خون آلودش را در دست داشت از اطاق بیرون آمد. از او پرسیدند چه اتفاقی افتاده ؟ او گفت زدم پرده را پاره کردم ، میل پرده افتاد رو چیزم !!!!!

۲۲۰-پس از نمایش فیلم محمد ، آخوند از فرزندش پرسید : راستی بمن بگو عموی پیغمبر کی بود ؟ بچه آخوند جواب داد: آنتونی کوئین !!!!

۲۲۱- از خامنه ای پرسیدند : شما چرا روی زمین می خوابید ، مشکل مهره کمر دارید ؟ او جواب داد : خیر ، خوابم سنگینه ، می ترسم تخت خوابم بشکنه !!!!!

۲۲۲- از خامنه ای پرسیدند : چرا موقع خواب ، شما سر تو نو تو قفس میگذارید ؟ جواب د اد : برای اینکه خواب از سرم نپره !!!!!

۲۲۳- از خامنه ای سوال شد : شما هر روز چند بار یک کش را در آب فرو میکنید و بعد بخودتان میزنید ، حکمت اینکار چیست ؟ او جواب داد : جهت همدردی با کسانیکه در جنگ تر کش خورده اند اینکار را می کنم !!!!

۲۲۴- جمعی از اساتید دانشگاهی به حضور خامنه ای رسیدند و رئیس بیت رهبری آنها را به رهبر معرفی کرد: آقای دکتر اسلامی دارای ام - دی از آمریکا ، آقای مهندس اسلام پور دارای پی اچ دی از آلمان ، آقای مهندس اسلام دوست دارای ام- اس از اتریش و..... چون مراسم معرفی تمام شد خامنه ای به رئیس بیت رهبری گفت : می خواستی مجتبی را نیز یاد آور بشی که ب- ام -و از آلمان داره !!!!! در ضمن دخترم ، هدی سادات هم آ- یو - دی از آمریکا داره !!!!!

۲۲۵- هواپیمای نظامی در حال سقوط بود و خلبان از سر لشکر محمد علی جعفری ، فر مانده سپاه پاسداران پرسید : قربان هواپیما در حال سقوط است پس چرا چتر بر نمی دارید ؟ جعفری گفت : خیلی ممنون بارانی دارم !!!!!

۲۲۶- اوائل انقلاب در یکی از مسا بقات رادیوئی از شرکت کننده ای پرسیدند : شما پس از شنیدن مورد سوال ده ثا نیه فرصت دارید تا پاسخ را بدهید . سوال این است : چه کسی انقلاب را رهبری کرد ، آنرا به ثمر رساند و از هیچ کس واهمه نداشت ؟ آن فرد بلا فاصله گفت : نیازی به ده ثا نیه نیست ، کارتر بود !!!!!!

۲۲۷- مرغداری از کوچکی تخم مرغ هایش گله مند بود . به او توصیه شد تا روی سر هر مرغش یک عمامه بگذارد. دلیل را پرسید . گفتند : عمامه را روی سر هر موجودی بگذارید ، کونش کشاد می شود ، لذا کون کشاد برابر است با تخم مرغ درشت !!!!!

۲۲۸- کامران با قری لنکرانی ، وزیر بهداشت و درمان کابینه احمدی نژاد ، در خاطراتش به ماجرائی اشاره می کند که با مزه است . او می نویسد : در دوران دانشجوئی ، من سال اول بود م که با یکی از دوستان همکلاسم در خیابان می رفتیم و متوجه شدیم مردی گشاد گشاد راه میرود . من به دوستم گفتم : اگر اشتباه نکنم ، یارو بواسیر دارد . دوستم گفت ، راه رفتنش دردناک است ، حتما شقاق دارد بنا شد از آن فرد مشکلش را بپرسیم و وقتی از او سوال کردیم و گفتیم ما دکتر هستیم و تشخیص ما این هاست ، آن فرد گفت : هر سه ما اشتباه کرده ایم ، شما در تشخیص بواسیر و شقاق و من هم که فکر میکردم باده ولی ریدم !!!!!

۲۲۹- هنر مند نابغه ای را که میتوانست با گوزیدن هر آهنگی را بزند ، خدمت خمینی بردند و از او خواستند تا آهنگ خمینی ای امام را بزند .مدتی طول کشید و خبری نشد . به او گفتند بجنب ممکنه امام عصبانی بشه . او گفت : خیلی ببخشید ، بخاطر امام یک پرده بالا گر فتم ، ریدم !! لطفا یک شلوار بمن بد هید ، جایزه نمی خواهم !!!!

۲۳۰- آگهی تسلیت در ایران : بدینوسیله فوت آقای دوستعلی اسلام پناه را به اطلاع دوستان و آشنا یان میرسانیم ، لطفا بخاطر حذف یارانه ها حلوا و خر مای خودتان را بیآورید !!!!

۲۳۱- یک بسیجی ساعت ها مقابل یک مغازه لا ستیک فروشی که تعطیل بود ایستاده بود و به تابلو آن مغازه نگاه میکرد . عابری از او علت را پرسید . بسیجی جواب داد : سی و یک است که در جمهوری اسلامی هر روز و هر شب زنده باد و مرده باد گفته ام ، ولی تا امروز پمپ باد را کسی بما نگفته و یاد نداده !!!!

۲۳۲- روزی یک طوطی شیرین زبان را خدمت خمینی بردند و گفتند : امام، اگر پای راست طوطی را بکشید ، برایتان آواز روح منی خمینی را می خواند و اگر پای چپ اورا بکشید برایتان می خواند : خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار . خمینی از شیرین زبانی طوطی بسیار خوشش آمد و مرتب پای چپ و راست اورا می کشید ویکبار هوس کرد تا دو پای طوطی را بکشد و ببیند او چه چیزی می خواند و چون اینکار را کرد ، طوطی گفت : مادر قحبه چکار می کنی می افتم !!!!!!

۲۳۳ - در روز قیامت ، خمینی دید که به بدن تمام زنهای فامیلش سوزن فرو کرده اند . علت را پرسید گفتند : به ازای هر بار خیانت این ها یک سوزن به آنها فرو کرد ه ایم . خمینی از اینکه بتول را بین زنها ندید خوشحال شد و پرسید : پس زن من ، بتول کجاست . متصدی جهنم گفت : تو اطاق بغلی گذاشتیمش زیر چرخ خیاطی !!!!!!

۲۳۴ - خمینی به هنگام عبور از پل صراط به قعر جهنم سر نگون شد . بین راه فریاد بر آورد : یا محمد بدادم برس . محمد گفت : خفه شو ملعون تو آبرو برای مسلمانان باقی نگذاشتی . خمینی فریاد بر آورد : یا موسی بدادم برس . موسی گفت : خاموش باش ، تو می خواهی یک کلیمی زنده نباشد و از من که پیامبر آنها هستم طلب کمک می کنی . خمینی این بار فریاد بر آورد : یا عیسی مهربان تو کمکم کن . عیسی گفت : خمینی من حر فی ندارم ولی می بینی دست و پای من به صلیب میخ شده ، ولی میتونی کیر مرا بگیری تا نیفتی !!!!!!

۲۳۵ - یک بقال را به زندان اوین برده و برای او حکم اعدام صادر کردند . در کیفر خواست سعید مر تضوی گناه او ، گفتن ، کدام یکی نوشته شده بود . ماجرا از این قرار بود پس از فرار بنی صدر پاسداری وارد مغازه مرد بقال می شود و با دیدن عکس بنی صدر و خمینی می گوید : عکس اون جاکش را بیآر پائین و بقال می پرسد : کدام یکی را !!!!!!

۲۳۶ - بسیجی میگه به چهار دلیل عاشق زنم هستم.

الف:بعد از کلاس قرآن ، با چهار تا پاسدار دیدمش .گفت برادرانم هستند فهمیدم صداقت داره !!!

ب : یکبار ، اونو زیر امام جماعت محله مون دیدم ، تا متوجه شد که من اون جا هستم ، سرشو انداخت پائین فهمیدم نجابت داره .

پ : وقتی به خونه برگشتم ، دیدم دم خونمون چند تا مرد صف کشیدند ، در را باز کرد و بمن گفت برو ته صف . فهمیدم عدالت داره !!!

ج : رفتم در خونه مادرش ، دیدم یک صف هم اونجا تشکیل شده فهمیدم اصالت داره !!!

۲۳۷ - نیروی انتظامی تهران بزرگ ، تو خیا بان ، فردی را که آستین کوتاه پوشیده بود مورد باز خواست قرار میده، که چرا لباس آستین کوتاه پوشیده ای؟ آن فرد به مامور رژیم میگه : سرکار ، تو به روح اعتقاد داری ؟ مامور میگه : چطور ، چه ربطی داره ؟ فرد میگه :خیلی ربط داره ، به روح پدرت ریدم که گرما را می بینی و باز سوال میکنی !!!!!!

۲۳۸ - گشت پلیس تهران جلوی یک وانتی را میگیرد و با پرخاش به راننده آن میگوید : پدر سوخته این چیه پشت ماشینت نوشتی : امام با سالاد ؟ راننده جواب میده : شما ها مینویسید : خدا با ماست ما اعتراض می کنیم !!! مال من که قشنگتره !!!!!

۲۳۹ - معلم از مجتبی خا منه ای پرسید : دو بعلاوه سه چند میشه ؟ مجتبی با انگشتانش شروع به جمع کردن نمود. معلم گفت : از حفظ بگو ، از انگشتانت استفاده نکن، اصلا دستت را بگذار توجیبت و بگو پنج بعلاوه پنج چند میشه ؟ مجتبی پس از یک دقیقه جواب داد یازده !!!!!!

۲۴۰ - در جنده خانه امام رضا ، مردی با یک زن صیغه ای همبستر شد و از گشادی زن متعجب . از زن پرسید :راستی ضیعفه اسمت چیست ؟ زن گفت : وسعت خانم . مرد گفت : کور بشم ، می ببینم حس می کنم وباز می پرسم !!!!!

۲۴۱ - خبر نگار خارجی که هنگام تاسو عا و عا شورا در ایران حضور داشت از همراهش پرسید : اینها چرا خودشان را می زنند ؟فرد همراه گفت : امام حسین را کشتند . خبرنگار پرسید : کی این اتفاق افتاده ؟ همراه گفت : ۱۴۰۰ سال پیش . خبرنگار با نا باوری گفت : چقدر سیستم ارتباطی شما ضعیفه ، که خبر این همه دیر میرسه !!!!!

۲۴۲- روی دیوار سفارت آمریکا در تهران نوشته بود :نماز جمعه را با شکوه و جلال برگزار کنید .
ظریفی زیر آن نوشته بود : جلال رفته جبهه ، ما با شکوه بر گزار کردیم !!!!!!
۲۴۳- خبرنگار بی بی سی لندن از مراسم نماز جمعه دانشگاه تهران رپرتاژ تهیه میکرد . او درسخنانش گفت : جای بسی تعجب است ، هزاران نفر دولا میشوند ، کون هم را بو می کشند و بعد بدون اینکه کاری انجام بدهند آرام روی زمین می نشینند. !!!!!
۲۴۴- پاسداری به مردی که جلوی در کمیته میدان بهارستان به در و دیوار می شاشید گفت : مرتیکه خجالت نمی کشی که به عکس امام می شاشی ؟ مرد گفت : اینجا که من عکس امام نمی ببینم ، ثانیا تنگم گر فته ، چکار کنم. پاسدار گفت : حالا که شاشیدی ، ولی بهتر بود با شاشت می نوشتی : مرگ بر آمریکا ، مر گ بر اسرا ئیل .... مرد گفت : قر بو نت من سواد ندارم ، خودت کیر مر ا بگیر هر چه دلت خواست بنویس !!!!
۲۴۵- پرنده ای که در صحن امامزاده صالح شمیران زندگی میکر د ، نامه ای برای جفتش که به امزاده قاسم رفته بود نوشت : یادش بخیر ، اون روز ها ئی را که روی بازار تجریش پرواز میکردیم ، چه خوش بودیم ، یادته من تخم میگذاشتم و تو با تخم هایم بازی میکردی !!!!!
۲۴۶- درجشن گرفتن سر دوشی افسران، با ساندیس و کوکا کولا از حاضرین پذیرائی می شد. فرمانده یکان به یک سرباز گفت : چرا اینجا سر باز کن نگذاشتی ، زود برو سر باز کن بیآر . سرباز رفت و بعد از نیم ساعت با آخوندی که نماینده رهبر در پادگان بود برگشت . فرمانده یکان پرسید : چرا حاج آقا را آوردی ؟ سرباز گفت : قربان خودتون گفتید : سر باز کن را بیآورم !!!!
۲۴۷- یک آدم خور به فیضیه قم رفت و در آنجا از گرسنگی مرد !!!!!!
۲۴۸- حسنی امام جمه رضائیه را به خاطر کمبود آب بدن به بیمارستان بردند . دکتر از او پرسید : حاج آقا مگر شما آب نمی خورید؟ او جواب داد : چطور میتوانم آب بخورم ، وقتی که به هر اداره ای که میروم روی در و دیوار نوشته اند : سوء استفاده ممنوع !! یعنی آب نخورید ، درسته ؟
۲۴۹-به سبک شاگرد شو فر کامیون ها بخوانید : مهدی بیا ، بیا ،خوب ، مالیدی !!!!!
۲۵۰- یکی از خواهران زینب که بسیار زشت بود فوت می کند . شب اول قبر نکیر و منکر سراغش می آیند. وقتی نکیر خود را معرفی میکند . داد و فغان زن بلند میشود که : اون دنیا نکیر ، این دنیا هم نکیر ، من به سوالات تو پاسخ نمیدهم ، بگو منکر بپرسد !!!!!

۲۵۱- در تاریخ ابن هشام آمده : از محمد پیامبر زنباره اسلام پرسیدند ، شما چگونه زنان بیشماری را که دارید راضی نگهمیدارید . محمد جواب میدهد : خیلی ساده با عایشه تماس جنسی میگیرم ، برای مابقی زنان هم کاربن (کپی) میگذارم!!!!!!!

۲۵۲- در بین مشاغل مختلف ، بعضی از اندام ها بیشتر تحت فشار هستند . برای مثال در خیاط ها دست و گردنشان . ساعت ساز ها ، چشم و دست . پاتو لوژیست ها ، چشم و ..... و در آخوند ها ، تخم چون هم زیاد ازش کار میکشند و هم زیاد روش می خوابند !!!!!!

۲۵۳- معلم از مجتبی خامنه ای پرسید : یک جمله با کوشش بساز . مجتبی گفت: کفش من کوشش! معلم گفت : نه خره ، منظورم کارو کوشش است . مجتبی گفت : کفش کار من کوشش !!!!!

۲۵۴- قاضی از یک بسیجی که روز دوم ازدواج زنش را کشته بود ، انگیزه قتل را پرسید . بسیجی جواب داد : برای اینکه بکارت نداشت . قاضی پرسید : چرا روز اول و شب عروسی متوجه نشدی ؟ بسیجی گفت : برای اینکه روز اول بکارت داشت !!!!!!

۲۵۵- حسنی امام جمعه رضائیه در خطبه های نماز چنین گفت : غرب اینقدر پیشرفتش را به رخ ما نکشد . ای بدبخت ها اگر شما چند سالی است قمر مصنوعی دارید ما ها ۱۴۰۰ سال است که قمر بنی هاشم اونم طبیعیش را داریم !!!!!

۲۵۶- الو ، اون جا کجاست ؟ - کمیته سعد آباد ، کجا را می خواستی ؟ - کجا را نمی خواستم ، با برادر پاسدار ابوالفضل کار داشتم. - ما اینجا ابوالفضل نداریم . - پدر سگ ، بی شعور ، حالا من اشتباه کردم ، تو چرا گوشی را برداشتی و وقت مرا میگیری !!!!!!

۲۵۷- یک پاسدار برای دوستش درد دل می کرد : چه گهی خوردم با زری دختر اسماعیل آقا عروسی کردم . دوستش پرسید چطور ؟ پاسدار گفت : تو خودت خوب میدونی که من پیش از انقلاب ، باج گیر شهر نو بودم ، و شب وروزم با جنده ها می گذشت . دوستش پرسید : این چه ارتباطی به عروسی تو داره ؟ ارتباط داره ، شب عروسی اصلا یادم رفت که زری زنمه ، فکر کردم جنده است ، کارم که تموم شد ، یه هزاری دادم بهش !! دوست پاسدار گفت : بدلت بد نیآر ، فکر کرده ، بهش خرجی دادی. پاسدار گفت : ایکاش این جوری بود ، ولی اون هزاری را گذاشت تو ممه بندش و ۳۰۰ تومن پسم داد!!!!!!!

۲۵۸- از خلخالی که جوان ۱۲ ساله ای را اعدام کرده بود ، دلیل حکم را پرسیدند . او جواب داد: چون اسمش عمران بود !! او نه تنها اسم عمر را برای خودش انتخاب کرده بود ، بلکه الف و نون عثمان را نیز یدک می کشید !!!!!

۲۵۹- زن یک بسیجی به دکتر مردی مراجعه کرد . دکتر برای مامو گرام به او گفت : لطفا داخل اطاق ۲ شده ، لخت بشید تا من بیآیم. دقایقی بعد ، دکتر وارد اطاق شد و دید زن همچنان با لباس و چادر لبه تخت نشسته . دکتر گفت : خانم مگر به شما نگفتم لخت بشید ؟ زن جواب داد : آقای دکتر چون

جلسه اوله ، من خجالت می کشم ، شما اول لخت بشید !!!!!

۲۶۰- یک آخوند جوان به ده خود برگشت و از دختر عمویش خواستگاری کرد. شب عروسی ، دختر مادرش را بکناری کشید و گفت : مادر تو که میدونی من بکارت ندارم ، گندش در نیآد . مادرش گفت : ناراحت نباش ، پسر عموت اندازه یک خر هم شعور نداره ، اون دوران طلبکی را ۱۲ سال طول داد ، ولی به خاطر آسودگی خاطرت به داداشت میگم یواشکی جوهر قرمز را روی ملافه تو بریزد . از بخت بعد ، وقتی داداش عروس خواست جوهر قرمز را روی ملافه خواهرش بریزد ، برق رفت و او جوهر سبز را روی تخت خواهرش ریخت. صبح روز بعد وقتی آخوند از خواب بلند شد و رنگ سبز را دید ، دستی به گردنش زد و گفت : جانم جان زدم به صفراش !!!!!!

۲۶۱- رفسنجانی از درد دستگاه گوارش به ستوه آمده بود . تشخیص های گوناگون گره گشای درد او نبودند ، تا اینکه یک پزشک اتریشی که برای شرکت در سمپوزیوم به ایران رفته بود ، او را دیده و گفت : شما به بیماری باد سرگردان یا واندرینگ ویند مبتلا ء هستید . علت آن این که در شکم شما باد ایجاد شده و چون صورت و کون شما شبیه هم میباشد ، نمی داند از کدام طرف خارج شود !!!!!!

۲۶۲- در جریان جنگ ایران و عراق ، صدام گفته بود : به اماکن مقدس حمله نمی کند ، از این رو تمام شهرهای ایران به تابلو : به شهر .....خوش آمد ید ، خود یک مقدس اضافه کردند !!!!!

۲۶۳- در پی ازدواج های مکرر برادر مسعود رجوی ، نام شورای مقاومت ملی به شورای مقاربت ملی تغییر یافت !!!

۲۶۴- در مکتب خانه ای که سید علی خامنه ای در آن درس می خواند ، آخوند لواط کاری درس دیکته میداد. روز ی که اودیکته را تند تند می گفت ، سید علی گفت : آقا من جا انداختم .آخوند لبخندی زد و گفت : خوب عزیز ، اشکالی ندارد ، بخواب من هم آمدم!!!!!

۲۶۵- دستور رحیم مشائی برای حفظ کوه بیستون :از آنجائیکه کوه بیستون در خطر ریزش قرار دارد ، بیست تا از ستون های چهل ستون را به کرمانشاه ببرید ، برای عمارت چهل ستون بیست تا ستون کا فی است !!!!!

۲۶۶- فاحشه ای را که روی کپلش عکس خمینی و خامنه ای را خال کوبی کرده بود به اعدام محکوم کردند . در کیفر خواست سعید مرتضوی نوشته بود : اعدام بخاطر انداختن شکاف در بین مقا م های رهبری !!!!!!

۲۶۷- منوچهر متکی در سفر به آمریکای جنوبی تعدادی چراغ قوه همراه خود داشت . علت را پرسیدند ؟جواب داد : چون باید سری به کس تاریکا بزنم فکر کردم با اشکال مواجه نشوم !!!

۲۶۸- معلم از مجتبی خامنه ای پرسید : فکر می کنی خدا کجاست ؟ مجتبی گفت :تو مستراح معلم پرسید : چطور ؟مجتبی گفت : هر روز که مادرم به مستراح میره و طولش میده ، بابام به در مستراح می کوبه و می گه : آه خدایای من تو هنوز اون توئی !!!!!!

۲۶۹- دو پاسدار در محوطه پادگان ، مشغول کار بودند. یکی از آنها زمین را می کند ، و خاک آنرا

بیرون می ریخت و نفر دوم خاک ها را به جای کنده شده بر میگردانید . علت این کار عجیب را پرسیدند؟ آنها گفتند : ما سه نفریم که از اداره مهندسی سپاه باید اینجا لوله کار بگذاریم ، نفر اول زمین را می کند ، نفر دوم لوله را میگذارد و نفر سوم با خاک لوله ها را می پوشاند . حالا نفر دوم نیآمده ، این دلیل نمی شه ما کارمونو تعطیل کنیم !!!!!!

۲۷۰- پاسداری برای دوستش تعریف می کرد : در جبهه جنگ ، وقتی تانک من به کنار اروند رود رسید و راه عقب نشینی نداشتم .امام زمان را صدا کردم و امام ظاهر شد و تانک مرا به آنسوی رود پرتاب کرد!!! دوستش گفت : منو مادرم از کون زائیده !!!پاسدار گفت : چرا مزخرف میگی ؟ مگه میشه . دوست پاسدار گفت : چطور من ۱۰۰ متر تو را باور کنم ، تو نمی خوای یک بند انگشت مرا باور کنی !!!!!

۲۷۱- فردی به زنده یاد احمد کسروی گفت : آقا شما همه چیز را منکر میشوید. کسروی پرسید چه چیزی را من منکر شدم ؟ فرد گفت معجزه را ، معجزه پیامبر اسلام ، که با سوسمار عربی حرف میزد!!! کسروی گفت : اگر بگوئی معجزه سوسمار قبول می کنم ، چون محمد عرب بود و طبیعتا عربی صحبت میکرد !!!!

۲۷۲- یک بسیجی نوار روضه میخره ، میزنه آخرش که ببینه ساندیس میدن !!!!

۲۷۳- توسینمای دروازه طلائی قم، فیلم شام آخر را نمایش میدادند ، از این رو تمام طلبه ها با قابلمه به سینما میرفتند !!!!

۲۷۴- شعار روز : ملا شدن چه آسان ، آدم شدن چه مشکل

ملا و فقیه و صوفی و شیخ این جمله شدی ، ولیک آدم نشدی .

۲۷۵- از یک پاسدار قزوینی پرسیدند : چرا هر شب زنت را میزنی ؟ جواب داد : اولا که دستور پیامبر عظیم الشانمان را اجرا می کنم ، دوما ، میزنم تا قهر کنه و پشتش را بمن کنه !!!!!

۲۷۶- معلم از مجتبی خامنه ای پرسید : وقتی قوم یهود از دریا گذشت ،پیروان موسی چکار کردند ؟ مجتبی جواب داد : آقا لباسا شو نو خشک کردند !!!!!

۲۷۷- از یک پاسدار پرسیدند : چند تا بچه داری ؟ گفت : رویهمرفته سه تا ، رویهم نرفته شش تا !!!

۲۷۸- از سرتیپ نظر علی علیزاده ، جانشین سپاه قدس گیلان پرسیدند : تیمسار ، شما که هیجده تا بچه دارید ، یاد آوری اسم بچه ها برای شما و خانم مشکل نیست ؟ تیمسار جواب داد : اسم کوچک نه ، ولی اسم فامیل بله !!!!!

۲۷۹- منوچهر متکی ، روزی در نیویورک هوس ساندویچ کرد . وارد ساب وی شده و درخواست یک ساندویچ مرغ نمود . فروشنده ایرانی ساب وی از او پرسید : تو گو . متکی عصبانی شده و میگوید : آقا مودب باشید ، نه ،توی نان سفید !!!!

۲۸۰- خجسته خانم ، زن خامنه ای با عروسش(زن مجتبی) راجع به رژیم لاغری صحبت میکرد خجسته خانم گفت : بعد از عمل شکم ، که کلی از چربیها یم را از دست دادم ، دیدم باز چاقم ، بخاطر این مسله یک رژیم سفت و سخت گرفتم تا جا ئیکه وقتی به حمام میرفتم ، حاج آقا (خامنه ای) نگران من بود ، مبادا از سوراخ وان رد بشم !!! عروسش گفت : حاج خانم ، اینکه چیزی نیست ، من آنقدر خودم را لاغر کردم ، که یکدفعه که گیلاس را با هسته خورده بودم ، مجتبی فکر کرد چهار ماهه حامله ام !!!!!!

۲۸۱- خبر نگار ایرنا : حاج آقا امسال چه بر نا مه هائی برای محرم دارید ؟ حاج آقا ، امسال ده تا علم زیاد کردیم ، پانزده تا پرچم ، سد و پنجاه تا زنجیر ، پنجاه تا قمه و..... امسال خواهر یزید گائیده اس !!!!!!

۲۸۲- دختری که می خواست با یک پاسدار ازدواج کند ، تنها درخواستش این بود که عروسی را شب جمعه بگیرند . از او علت را پرسیدند ، پاسخ داد : از امام جعفر صادق منقول است : اگر عروس را شب جمعه به خانه بخت ببرند ، مادر شوهرش میمیرد !!!!!

۲۸۳- بهترین ماه سال ، ماه صفر است ، چون از سدو بیست و چهار هزار پیا مبر خدا سد و بیست هزار تای آن در این ماه مرده اند !!!!

۲۸۴- معلم قرآن و شرعیات : در آب نباید شاشید ، زیرا آب مهر فاطمه زهرا است !!! شاگرد : آقا تکلیف ما چیست که پس از زدن سیفون باز توتوالت ما آب جمع میشه !!!!

۲۸۵-توضیح المسائل امام خمینی : در احادیث آمده ، به درخت سبز نباید شا شید .ولی اگر کسی در جنگل شا شش گرفت ، باید آنرا بالا بکشد و بعد تف کند . !!!!

۲۸۶- آخوندی سر منبر راجع به نظافت و تمیزی سخن می گفت : هما نطوریکه پیامبر گفته ، النظافته من الایمان ، شما باید از حیوانات نظافت را یاد بگیرید. تا بحال دیدید ، گربه چطور خودش را لیس میزند، و ماتحتش را تمیز می کند. در این موقع یک بسیجی پیر از بین جمعیت گفت : ما میدانیم ، نظافت چیز خوبی است ، عقلمان هم به اندازه گربه میرسد ولی زبانمان به در کونمان نمی رسد.!!!!!

۲۸۷- یک پاسدار تو دریا داشت غرق میشد ، هر وقت که زیر آب میرفت ، آب می خوردو وقتی بالا می آمد می گفت : سلام بر حسین ، لعنت بر یزید!!!!!

۲۸۸- دلار ، یکی هزار تومن که شاه میداد به هفت تومن

. تا نشده دو هزار تومن مهدی بیا ، مهدی بیا !!!!

۲۸۹- از خامنه ای پرسیدند : حرف مورد علاقه شما چیست ؟ جواب داد حرف ج جون در جمادی الاول بد نیا آمدم ، در جمادی الآ خر بقدرت رسیدم ، جماع را خیلی دوست دارم ، جماز و جمل وسیله نقلیه من بود ، جمع مال از بیت المال می کنم ، جمعه شب را عزیز می شمارم ، جنایت را خیلی دوست دارم ، همچنین جنازه را ، جناغ شکستن با هاشمی رفسنجانی بهترین سرگرمی دوران کودکی من بود، مهمتر از همه خجسته را دوست دارم !!! حضرت امام ، خجسته با خ شروع میشود نه با ج . اشتباه نمی کنم ، خجسته را دوست دارم ، چون جنده بود !!!!

۲۹۰- اضداد : آتش و پنبه ، سنگ و سبو ، پشه و باد ، اسلام و دانش ، اسلام و دموکراسی اسلام و آزادی ، پاسدار ، بسیجی و غیرت ، ارتشی و حب وطن ، ملا و زهد .

۲۹۱- مدتی بود ، هر وقت خجسته خانم ، زن خامنه ای پیش حسن آقا ، قصاب محلشون میرفت قصاب از او می پرسید : خانم جون ، شما کوس دارید ؟ روز های اول خجسته خانم نا راحت می شد و در ضمن نمی خواست مسله را با رهبر در میان بگذارد ، چون ممکن بود منجر به آبرو ریزی جهانی شود . یک روز دل به دریا زد و به قصاب گفت : بله من کوس دارم . قصاب پرسید : تنگه ، تمیزه ،

مریضی نداره ، سرخ و سفیده ، گرم ونرمه ؟خجسته خانم گفت : از هر نظر عالیه ، منظورت از این سوالها چیه ؟ قصاب گفت : خانم جون ، به شوهر لاکردارت بگو از کون هفتاد میلیون ایرانی در آره بکنه به کوس تو !!!!!

۲۹۲- خجسته خانم ، زن خامنه ای ، پیش رهبر رفت و گفت : تمام زنهای بارگاه ، جراحی پلاستک کرده اند ، منم می خوام پوست هامو بکشم . عمل جراحی انجام شد و خجسته خانم سا لها جوانتر به نظر رسید. شب هنگام در بستر، خامنه ای وقتی پشت گردن زنش را لمس کرد ، متوجه یک سوراخ شد. از او پرسید :این سوراخ چیه ؟ خجسته جواب داد : علی جون ، سوراخ کو نمه !!!!!

۲۹۳- یک پاسدار از جبهه جنگ به خانه بر میگردد و پدرش به او میگوید : تو این مدت که نبودی برات زن گرفتیم ، اینم بچه ات !!!!

۲۹۴-به بسیجی میگن : بابات مرده ، لباس مشکی بپوش ، می خواهیم بریم قبرستون . بسیجی میگه : چی شده ، یه چیزی را از من مخفی می کنید ، راستش را بگید ، چه اتفاقی افتاده !!!!!

۲۹۵- در قزوین ، بچه سرهنگ مهدی طاهر خانی ، فرمانده سپاه قزوین گم میشود. پلیس در اعلامیه خود به مردم هشدار میدهد : کس یا کسانیکه بچه فر مانده سپاه قزوین را یا فته اند ، امشب که هیچ ، فردا بچه را بیآورند و مژدگانی دریافت کنند، در غیر اینصورت با آنها قصاص خواهد شد. !!!!

۲۹۶-از یک بسیجی می پرسند : تا به حال در موقعیتی بوده ای که راه پس و پیش نداشته باشی ؟ او جواب داد ، یکبار و اون زمانی بود که اره رفته بود تو کونم !!!!!

۲۹۷-از پاسداری می پرسند : تا بحال راجع به فر مایشات رهبر ، امام خامنه ای فکر کرده ای ؟ او جواب میدهد : هیچگاه ، ما را چه به این گه خوریها !!!!

۲۹۸- از پاسداری می پرسند : فرق بین بلال با هویج چیست ؟ می گوید : بلال در جنگ احد بود ولی هویج نبود !!!!!

۲۹۹- یک پاسدار میره لاس و گاس ، از اون جا به زنش زنگ میزنه و میگه : خانم من شهید شدم ، چون الان تو بهشتم !!!!

۳۰۰- به بسیجی میگن با آش جمله بساز . میگه : محمدی آش صلوات !!!!

۳۰۱- پرسنل قرارگاه سپاه محمد رسول اله وقتی بهنگام صبح می خواستند وارد قرارگاه شوند ، پارچه بسیار بزرگی بر سر در قرار گاه دیدند که رویش نوشته بود : شیر سماور تو کون رهبر . فرمانده قرارگاه با دیدن این شعار آشفته شده و به چند پاسدار دستور میدهد تا هر چه زودتر آن پارچه را پاره کنند. پاسداران شروع به پاره کردن پارچه از طرف نوشته سماور می کنند . فرمانده فریاد میزند : سماور را ول کنید ، اول کون رهبر را پاره کنید !!!

۳۰۲- آمریکا ، ارسال گندم به ایران را متوقف کرد . حسنی امام جمعه رضائیه : گور پدرشون ، نون خالی می خوریم !!!!!

۳۰۳- یک بسیجی مبتلا به سرطان ،خودش را به ضریع خمینی قفل کرده بود و از او طلب شفا میکرد. دوستش به او گفت : تو باید بری امام رضا ، چون شفای امام ، در حد اسهال و استفراغه !!!!!!

۳۰۴- یک پاسدار شب عروسی میگوزه . میگه : بفر ما فشار زندگی شروع شد !!!!!

۳۰۵- معلم درس طبیعی از مجتبی خامنه ای پرسید : اگر درخت پسته را با درخت زیتون پیوند بزنند چی میده ؟ او جواب داد : خوب معلومه آقا ، پستون !!!!!

۳۰۶- پاسداری ، به فر مانده اش زنگ میزند : جناب سر هنگ ، پنج تا عراقی دستگیر کردم ، با اونها چکار کنم ؟ لطفا بیآئید آنها را ببرید . فرمانده میگوید : خودت آنها را بیآور . پاسدار میگوید : جناب سرهنگ نمیشه ، چون اونها این اجازه را بمن نمی دهند !!!!!!

۳۰۷- در سفر های استانی احمدی نژاد ، پیرمردی به او نزدیک شد و گفت : آقای رئیس جمهور این قیافه خودته یا اینکه بازی در میآری !!!!!

۳۰۸- دستور وزارت ارشاد : از آنجا که طی گوشزد های مکرر از نزدن چراغ به زائران توسط شاه چراغ این مهم انجام نشد، تا اطلاع ثانویه فساد کده شاه چراغ شیراز مهر و موم میشود . !!!

۳۰۹- به خامنه ای اطلاع دادند ، دانشجویان خارج از کشور گروه گروه به موج سبز می پیوندند ، از این روی بهتر است ارز آنها قطع شود. خامنه ای گفت : ارز کافی نیست ، طولشان را هم قطع کنید!!!

۳۱۰- خامنه ای مرد و او را به جهنم بردند . متصدی جهنم که یکی از سران سپاه بود به او گفت شما جهنمی هستید و من از دستور خدا نمی توانم سر پیچی کنم، ولی نوع عقوبت را به خود شما واگذار می کنم. در گشت خامنه ای برای انتخاب نوع عقوبت ، در اطاقی سوفیا لورن را با خمینی دید . آب از دهانش راه افتاد و گفت : همین را می خواهم ، مشابه عقوبت حضرت امام خمینی. متصدی جهنم گفت : متاسفم ، نمی شه چون این عقوبت سوفیا لورنه نه عقوبت خمینی !!!!!

۳۱۱- به خامنه ای پیشنهاد کردند : شما که رهبر مسلما نان جهان هستید !!! بهتر است ، زبان انگلیسی را بیآ موزید. معلمی استخدام کردند تا آموزش ایشان را بر عهده بگیرد . معلم پس از چند روز متوجه شد که رهبر خر تر از آن است که چیزی یاد بگیرد . او روش آموزش را تغییر داد و توپوزی به کون رهبر فرو کرد ، خامنه ای داد زد : آی معلم گفت : آفرین آی یعنی من ، توپوز را بیشتر فرو کرد ، خامنه ای گفت : وای معلم گفت : آفرین وای یعنی چرا . بار دیگر توپوز را محکم تر فرو کرد خامنه ای فریاد زد آخ . معلم گفت : حضرت آیت الله بهتر است اول زبان انگلیسی را بیآ موزید ، بعد سراغ زبان آلمانی خواهیم رفت !!!!!

۳۱۲- دستور محسن رضائی فر مانده سپاه در زمان جنگ ایران و عراق : هر توپی را که صدام انداخت پنچر کنید و به او ندهید !!!!!

۳۱۳- از ظریفی پرسیدند : فرق بین خمینی با اتو موبیل پیکان چیست ؟ او پاسخ داد : زاپاس پیکان عقبه ، مال امام بالاست . پیکان پنج دنده است ، امام یک دنده . پیکان ساخت انگلیس است و مونتاژ ایران ، امام ساخت ایران است و مونتاژ انگلیس !!!!

۳۱۴- تا سال ۱۹۷۹ ، کارتر از یبوست مزمنی رنج میبرد . در آن سال با تجویز کسینجر ، شیافی بنا م خمینی را به کون کارتر فرو کردند که پس از سی و یک سال هنوز اسهال او بند نیآمده است !!!

۳۱۵- از خامنه ای پرسیدند : چرا شما به هنگام نوشیدن آب صلوات می فرستید ؟ خامنه ای جواب داد : چون آب از دوملکول هیدرو جن و یک ملکول اکسی جن تشکیل شده برای دور کردن سه تا جن بهتر است صلوات فر ستاده شو د !!!!

۳۱۶-خود رو محمد علی جعفری ، فر مانده سپاه پاسداران براثر برخورد با مین از کار افتاد و او به طرز معجزه آسائی از مرگ نجات پیدا کرد . برای رساندن او به قرارگاه سپاه تنها وسیله حمل ونقل خری بود که با آن مهمات را به نقاط کوهستانی میبردند. جعفری سوار خر شد وبه راه افتاد هنوز یک کیلومتر نرفته بود که خر ایستاد . جعفری با چوب به سر خر زد و گفت: هین در این موقع خر برگشت و نگاهی به جعفری انداخت و با زبانی که جعفری آنرا می فهمید گفت : خره مین !!!!!

۳۱۷- روابط ایران و اسرائیل از آن جهت تیره شد که در سفری که آیت الله منتظری (گربه نره) به اسرائیل داشت قصد جان موشه دایان را نمود !!!!!

۳۱۸- خروسی دوان دوان به سمت مسجدی میدوید . علت عجله او را پرسیدند ؟گفت : مسجد مرغ میدن !! پس از پانزده دقیقه او دمق وناراحت دیدند ، باز علت را پرسیدند ؟ گفت : مرغ ها یخی بود !!!

۳۱۹- سرتیپ نظر علی علیزاده ، جانشین سپاه قدس گیلان به زنش گفت : چمدانت را ببند باید به جبهه جنگ بروی !!! چون این درخواست دولت است . دولت خواسته کمک های جنسی خودمان را به جبهه ها بفرستیم ، بجنب !!!!!

۳۲۰- معلم از مجتبی خامنه ای پرسید : ما چند نوع خط داریم ، برای مثال خط نستعلیق . مجتبی گفت : خط صاف ، خط خوانا ، خط استوا ، خط آهن ، خط میخی ، خط امام ، خط موازی خط سیر ، آدم هفت خط که هفتا خط داره ، بازم بگیم آقا !!!!!!

۳۲۱- پاسداری به حمام میره و بدون اینکه مو هاشو خیس کنه ، شامپو را روی مو های خشکش می ماله . از او علت را می پرسند ،او ضمن نشان دادن ظرف شامپو میگه : روش نوشته برای موهای خشک !!!!!

۳۲۲- بسیجی را میبرن مانور جنگی ، اسیر میشه !!!!!

۳۲۳- بنا به درخواست محمود احمدی نژاد برای زاد و ولد بی حساب ، پاسداران و بسیجی ها قدم نخست را بر داشته و در بین آنها مشکلی بنام نازائی وجود ندارد ، چون همگی زن حامله میگیرند !!!!

۳۲۴- بنیاد شهید ، بچه های شهدا را با هواپیما به مشهد فر ستاد . در بین راه بر اثر شلوغی بیش از حد بچه ها خدمه هواپیما کلافه و عاصی شده و از سرپرست آنها درخواست کردند تا بچه ها را آرام کند. پس مدتی آنها متو جه شدند که هیچ صدائی نمی آید و تمام صند لی ها خالی است !! از سرپرست پرسیدند چه اتفاقی افتاده ، بچه ها کجا هستند ؟ سرپرست جواب داد : در هواپیما را باز کردم و گفتم : برید تو حیاط بازی کنید !!!!!

۳۲۵- عکس های ارسالی از مجلس آخوند ها به خارج ، در جهان بازتاب مسخره ای داشت .چون تمامی عکس ها از بالا گرفته شده بود و به نظر میرسید که از انبار لاستیک عکسبرداری شده !!!!

۳۲۶- روزی سرتیپ نظر علی علیزاده جانشین فرمانده سپاه گیلان ، دست به کمر توخیابان راه میرفت .فردی از او پرسید :تیمسار این چه جور راه رفتنه ؟ علیزاده نگاهی به دستش کرد و گفت : ا خانمو بردند !!!!!

۳۲۷- امام جمعه رشت در خطبه های نماز جمعه که در پادگان سپاه برگزار شده بود گفت : ای پاسداران ، ای بسیجی های عزیز اسلام در خطر است ، این دیگه ناموس نیست که پشت گوش بیندازید!!!!!!

۳۲۸- به سبک بر نامه های تلویزیونی جمهوری اسلامی : الفبا ، الفبا ی فارسی بخوانید از مبطلات نماز اسم آن است گوز صدایش است قارت !!!!

۳۲۹- یک خواهر بسیجی ، وقتی از جنگ برگشت ، حامله بود . از او پرسیدند :مگر کسی در جنگ حامله میشود ؟ او جواب داد : بجای تشویق ، اونم بخاطر اسیری که آورده ام ، منو باز خواست می کنید !!!!!

۳۳۰- به اعتقاد خیلی ها ، شجاع ترین زن عالم ، عفت خانم زن هاشمی رفسنجانی است که با کوسه زندگی می کند !!!!!!

۳۳۱- به سردار محسن رضائی ، فر مانده سپاه ، اطلاع دادند : صدام تا بحال هفت نقطه ی قم را بمباران کرده . رضائی با خو نسردی گفت : توجه نکنید ، شایعه است چون قم ، فقط دو تا نقطه داره !!!!!!

۳۳۲- میدانید خلاصه نویسی ، رجائی یعنی چه ؟ رئیس جمهور ایران یه یکماهی !!!!!!

۳۳۳- میدانید خلاصه نویسی ، جمکران یعنی چه ؟ جمعیت ملا های کونی رانده شده از نجف !

۳۳۴- روزی تعداد زیادی گربه ، حضور آیت اله منتظری (گربه نره) رفته و شکایت کردند : از روزی که خلخالی گربه کش آمده ، موشها آنقدر گستاخ شده اند که به زن و بچه های ما تجاوز می کنند !!!!

۳۳۵- برای تعطیلات تابستان شما تدارک دید ه ایم : گشت ثارالله ، گشت زینب ، گشت جندالله گشت امر به معروف و نهی از منکر !!!!!!

۳۳۶- یک دادگاه ویژه انقلاب اسلامی ، مردی را به جرم تجاوز به عروسش محاکمه میکرد . هر بار که دادستان از او می خواست تا از خودش دفاع کند او می گفت : پسرم در جبهه است تا او نیآید من دفاعی از خودم نمی کنم. بنا به دستور رئیس دادگاه پسر آن مرد را احضار کردند. مرد از پسرش پرسید : سال گذشته در جبهه چه اتفاقی افتاد ، آنرا بگو .پسر گفت : من در گردان تانک خدمت میکردم ، تانک ما از گروه جدا شد و صدام ما را زیر باران راکت و خمپاره قرار داد که یکباره ، امام زمان ظاهر شد و تانک ما را بلند کرد و پشت جبهه گذاشت !!حضار فریاد زدند : اله اکبر ، خمینی رهبر ، مرگ بر صدام حسین کافر .مرد به پسرش گفت : بار دوم برای تو چه اتفاقی افتاد ؟ پسر گفت : من مامور خدمت در نیروی هوائی سپاه شدم .هلیکوپتر ما را با آر پی جی زدند . داشتیم سقوط میکردیم که باز امام زمان ظاهر شد و هلیکوپتر ما را آرام به زمین گذاشت !! حضار فریاد زدند : اله اکبر ، خمینی رهبر ، مرگ بر صدام حسین کافر . رئیس دادگاه گفت : این مسائل و بازگو کردن آنها چه ارتباطی به عمل زشت تو دارد ؟ مرد گفت : آقای رئیس دادگاه ، دادستان محترم ، انصاف داشته باشید ، اگر شما جای من بودید ، زن آدم به این خری را نمی کردید !!!!!

۳۳۷- هاشمی رفسنجانی در کتاب دوران مبارزه خود به دوره جنینی خویش اشاره کرده .
در بی وزنی مطلق بسر میبرم ، مشکل غذائی ندارم ، مشکل دستشوئی رفتن ندارم ، جایم گرم است ولی گاه گاهی سر و کله یک کچل بی تربیت پیدا میشود که حرکاتش غیر طبیعی بوده و پس از تف کردن میرود ، از او خیلی میترسم !!!!!! جلد اول صفحه ۲۲۵ .

۳۳۸- یک بسیجی میره داروخانه و درخواست شربت شهادت می کنه . دارو ساز میگه : شربت شهادت تموم شده، شیاف ولایت می خوای ؟!!!!

۳۳۹- از یک بسیجی میپرسند : خدا یعنی چه ؟اوجواب میدهد : نماینده ولی فقیه در کائنات !!!

۳۴۰- از مجتبی خا منه ای می پرسند : اون پیامبری که رفت تو شکم ماهی ، اسمش چی بود؟ مجتبی جواب میدهد : پدر ژپتو !!!!!

۳۴۱- در آسایشگاه پاسداران معلول ، یکی از پاسداران بهنگام استراحت ، ابتداء پایش را باز کرد و کنار تخت گذاشت ، بعد یکی از چشمانش را در آورده و در یک لیوان خالی با لای سر ش گذاشت ، سپس با دست چپ ، دست راستش را باز کرده و روی تخت گذاشت . معلول دیگری که با پاسدار هم تخت بوده و در قسمت با لائی تخت استراحت میکرد به دوستش گفت : عباس ، غصه کم جائی را نخور ، هر وقت نوبت کونت رسید ، اونو بینداز بالا ! من جا زیاد دارم !!!!!

۳۴۲- در فیضیه قم ، یک طلبه مشغول پختن قارچ بود که دوستش وارد حجره شد و پرسید : چکار می کنی ؟ طلبه گفت : غذا می پزم ، راستی توقبلا قارچ خوردی ؟ طلبه تازه وارد گفت : قاچ که نه ، ولی تا دلت بخواد جر خوردم!!!!!!

۳۴۳- آخوند زنباره ای وارد خانه شد و به زنش گفت : امروز یک چیز تازه خریده ام ، ببینم میتوانی بفهمی آن چیست ؟ زن نگاهی به سر تا پای آخوند کرد و چیز جدیدی در او نیا فت . آخوند لخت شد و باز از زنش پرسید : هنوز نفهمیدی من چه چیز خریده ام ؟ زن باز نگاهی کرد و گفت : نه آخوند با اشاره به صاحب مرده اش گفت : سمت فلش را بگیر و برو حتما متوجه میشوی . زن گفت : باز جوراب زرد خر یده ای ، نمیشه یک دفعه عمامه بخری !!!!!!

۳۴۴- از آیت اله کنی پر سیدند : فرق زن با بطری آب چیست ؟ این آخوند بد کردار پاسخ میدهد: بطری را اول آب توش ریخته وبعد درش را میگذارند ، ولی زن را اول درش گذاشته و بعد داخلش آب می ریزند. !!!!!

۳۴۵-مجتبی خامنه ای ازپدرش سوال کرد :پدرچرا در اسلام سوسیس حرام است ؟ خامنه ای جواب می دهد چون گو ساله را کشته ، به کارخانه میبرند و به آن چربی خوک اضافه می کند و از طرف دیگر سوسیس‌خارج می شود که بخاطر تر کیب جدیدش حرام است .مجتبی می پرسد : پدر میشه ، سوسیس بره تو کارخونه و از طرف دیگه اش گو ساله در بیآد؟ خامنه ای خنده ای کرد ه و جواب میدهد : بله امکان دارد وآن سوسیس من بود که به کار خانه مادرت رفته و تو گوساله در آمدی !!!!

۳۴۶- مجتبی خامنه ای از مادرش خجسته خانم پرسید : مادر چند وقته که با آقام حرف نمیزنی ، با هم قهر هستید ؟ یادم می آد ، شما ها هر وقت قهر میکردید ، دوسه روز بعد آشتی میکردید ، حالا چی شده ؟ خجسته خانم گفت : آره ننه ، اون موقع ها صا حب مرده بابات که ما رو آشتی میداد ، بازنشته نشده بود !!!!

۳۴۷- روزی سید علی خامنه ای به موال رفته و وقتی بیرون آمد ، دیگر کمرش راست نشد . تمام اهل بیت رهبری بهم ریختند و بنا به پشنهاد مجتبی یک پرو فسور آمریکائی را با هواپیمای اختصاصی و صرف هزینه صد میلیون دلار ببالین خامنه ای آوردند . پروفسور وارد بیمارستان خصوصی خامنه ای شد و بعد از چند دقیقه از اطاقی که او خوابیده بود خارج شد و پشت سر او خامنه ای در حا لیکه ایستاده راه می آمد ظاهر شد . اهل بیت فریاد شادی بر آوردند و گفتند : الله اکبر ، معجزه شد . مجتبی از پروفسور آمریکائی پرسید : مشکل پدرم چه بود که به این سرعت بر طرف شد ؟ پروفسور جواب داد : البته بیماری نادری بود که تا کنون من ندیده بودم ، که شخصی تکمه شلوارش را به جا تکمه ای پیراهنش ببندد!!!!

۳۴۸- آخوندی برای خرید آکوردئون برای پسرش وارد مغازه ای شد و از صاحب مغازه خواست تا آکوردئون مناسبی از لحاظ قیمت به او بفروشد. صاحب مغازه گفت : حاج آقا فکر نمی کنید ، اشتباهی اینجا آمده اید ؟ آخوند گفت : این همه آکوردئون اینجاست ، بعد بمن میگید اشتباه آمده ام . صاحب مغازه خونسرد گفت : حاج آقا اینها آکوردئون نیست ، اینها شوفاژه !!!!!!

۳۴۹- طلبه ای به دوستش تلفن زد و گفت : ببینم تو پماد چشم داری ، آخه شصت پام رفته توچشمم درد میکنه !!! دوست طلبه گفت : چطور امکان داره شصت پای کسی تو چشمش بره ؟ طلبه ناراحت شده و گفت : با اسماعیل خواستیم تو فولکس کون کونک بازی کنیم که این بلا سرم آمد !!!!!

۳۵۰- سعید مر تضوی برای زهره چشم گرفتن از پاسدارانی که نا فر مانی می کنند ، حکم اعدام پاسداری را بجرم تیر اندازی هوائی صادر می کند . پاسدار در جریان دادگاه و در دفاع از خود میگوید : فرمانده ام دستور تیر بسوی دانشجویان داد ولی من تیر هوائی در کردم . مرتضوی که در دادگاه حضور داشت گفت :من تو را بجرم عدم تیر اندازی بسوی دانشجویان محکوم به مرگ نکردم . جرم تو خیلی سنگین تر از اینهاست. وقتی توتیر هوائی شلیک کردی ، فکر نکردی که ممکنه به خدا بخوره !!!!!!

۳۵۱- حسنی امام جمعه رضائیه از برج میلاد دیدن میکرد که به او گفتند : پسرت احمد در تصادف رانندگی کشته شده . حسنی فکر کرد که دنیا برای او تمام شده ، از این رو خودش را از با لای برج به پائین پرتاب کرد ،وسط راه بخودش آمده و گفت :من اصلا پسری ندارم که نا مش احمد باشه ، من فقط دوتا دختر دارم !!!!

۳۵۲- در جریان جنگ ایران و عراق ، پاسداری تیر خورده و داخل گودالی می افتد . یک بسیجی که از نزدیک گودال عبور می کند ، متوجه نا له اومیشود به سر گودال آمده و می پرسد : شیش و ده برار (چی شده برادر) پاسدار میگه ۱۶ ، این چه موقع جدول ضرب پرسید نه ، بیا کمک کن !!!!!

۳۵۳- روزی بتول ، زن خمینی سوار تاکسی شد. راننده تاکسی از او پرسید : مادر کجا برم ؟ بتول گفت : هر جا دلت خواست ، بیابون ، تپه سیخی ، ... راننده گفت : مادر اینها که آدرس نشد. بتول گفت : پس چی میگن ،راننده های تاکسی زنان مردم را میبرند بیابون و بهشون تجاوز می کنند. راننده گفت : مادر اینها همه اش شایعه است. بتول گفت : ز لیل مرده حا لا که نوبت من رسید شایعه شد !!!!!

۳۵۴- پس از انقلاب ، مردی به اداره ثبت مراجعه و خواهان تغییر نامش شد. از او پرسیدند : نامت چیست ؟گفت : روح الله گوزی . رئیس اداره به متصدی مر بو طه گفت : همین الان نام این فرد را عوض کنید و از او پرسیدند : نام جدیدی برای خودت انتخاب کرده ای ؟ فرد گفت : بله ، لطفا بنویسید : ساسان گوزی ،،،،

۳۵۵- از مجتبی خامنه ای پر سیدند : چرا روده های انسان دراز و پیچ در پیچ است ؟ او جواب داد برای اینکه هر وقت چای داغ خوردیم ، حرارتش را از دست بدهد و کونمون نسوزد !!!!

۳۵۶-یک هموطن ارمنی به دکه روزنامه فروشی مراجعه کرد و از روزنامه فروش یک روزنامه که تعداد صفحات آن زیاد باشد را خواست . روزنامه فروش گفت : روزنامه کیهان صفحاتش از همه روز نامه ها بیشتره . ارمنی پرسید : این همون روزنامه ای نیست که سر دبیرش شریعتمداری است. روزنامه فروش گفت : بله . ارمنی گفت : نه کیهان نمی خوام ، خیلی زبره کونمو اذیت می کنه !!!!!!

۳۵۷- آخوندی که سرپرست آموزش و پرورش قم بود ، برای سر کشی به یکی از مدارس مذهبی این شهر رفت. در کلاس درس از دانش آموزی پرسید : در خیبر را چه کسی شکست ؟ دانش آموز گریه کنان گفت : بخدا من نشکسته ام . کار کار اسما عیله . آخوند از اسماعیل پرسید : تو میدونی در خیبر را چه کسی شکسته ؟ اسما عیل حا شا کنان گفت: حاج آقا ، حسین دروغ میگه ، بخدا من نشکسته ام .

آخوند رو به معلم کرده و گفت : آقای اسلام دوست شما برای بچه ها توضیح بدهید که در خیبر را چه کسی شکسته ؟ معلم من من کنان گفت : البته در شکستن کار زشتی است ، هر کسی که این کار را کرده خودش بگوید از بار گناهش کم میشود !! در این موقع مدیر مدرسه که متوجه حضور آخوند در مدرسه شده بود وارد کلاس شد. آخوند به او گفت : چیز غریبی است در مملکت امام زمانی نه دانش آموز میداند در خیبر را چه کسی شکسته و نه معلم. مدیر گفت : حاج آقا شما خون خودتان را کثیف نکنید ، هر کس که در را شکسته باشد خودش اعتراف می کند ، ما در مدرسه اسباب شنکجه داریم ، خودمان تر تیبش را میدهیم. آخوند عصبانی شده و مدرسه را ترک کرده و نامه ای به وزیر آموزش و پرورش علی اکبر اشعری نوشته وکسب تکلیف می کند. اشعری زیر نامه او می نویسد : در خیبر را پیدا کنید ، آنرا تعمیر کرده و هزینه آن را از بودجه مدرسه ولی عصر کم کنید !!!!!

۳۵۸- یک بسیجی به یکی از خواهران زینب زنگ میزند و میگوید : اگه بابات ، مادرت ، برادرانت خونه نیستند ، بیا با هم بریم نماز جمعه !!!!!

۳۵۹- پاسداری وارد مغازه عروسک فروشی میشه یک عروسک انتخاب می کنه و از فروشنده می پرسه برادر قیمت این خواهر چنده !!!!!!

۳۶۰- یک بسیجی وارد بقالی میشه و از مرد بقال می پرسه : برادر ساندیس داری ؟ بقال میگوید : پیش پای شما هر چی ساندیس سرد داشتم ، کمیته محل برد ، ساندیس هام گرمه . بسیجی میگه : عیب نداره با نعلبکی می خورم !!!!!

۳۶۱- مانکی پاکس ، بیماری عفونی تب داری است که از میمون به انسان سرایت می کند .پس از روی کار آمدن احمدی نژاد ، ۷۰ میلیون ایرانی به این عفونت دچار شده اند !!!!

۳۶۲- در سر زمین عجایب ، هیچ کس کار نمی کند ولی تمام بر نامه ها اجرا میشود . برنا مه ها اجرا می شود ولی بازار راکد است . بازار راکد است ولی هیچ کس گر سنه نیست . گرسنه وجود ندارد ولی همه نا راضی هستند . همه ناراضی هستند ولی اعتراضی وجود ندارد. هیچ کس شکایتی ندارد ولی تمام

زندان ها پر است !!!!! این سر زمین کجاست ؟

۳۶۳- خامنه ای دکتر بیت رهبری را احضار کرد و گفت : دکتر جان ، مدتی است حس می کنم که گوز من نه صدا دارد و نه بو. دکتر از خا منه ای خواست تا بگوزد. چون خا منه ای اینکار را کرد. دکترگفت: جناب رهبر شما را باید متخصص گوش و حلق و بینی ببیند ، چون هم گوش شما دیگر نمی شنود و هم شما حس بویائی خود را از دست داده اید ، در ضمن لطفا به آقا سید بگوئید در را باز کند چون من خفه شدم !!!!!

۳۶۴- معلم از دختر خامنه ای پرسید : هدی خانم شما تا بحال تخم ما ر و دیده اید . دختر خامنه ای گفت : تا بحال خیر ولی اگر خانم شما اجازه بدهد ، شاید !!!!!!

۳۶۵- بخشی از ریخت و پاش های جمهوری اسلامی از خزانه ملت : ۱۵۰۰۰۰۰ چراغ قوه به ارزش ۷ میلیون دلار به کشور کس تاریکا . ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ آفتابه به ارزش ۱۰ میلیون دلار (چون ساخت چین است ، نصف قیمت تمام شده) به کشور کون گو ه . سه میلیون اسپری خو شبو کننده جهت صدور انقلاب اسلامی به آمریکا جهت مردم ما سا چو ست !!!

۳۶۶- معلم از مجتبی خامنه ای پرسید : صادرات اسکیمو ها و اهالی آلاسکا چیست ؟ مجتبی جواب داد : بستنی ، آلا سکا و اسکیمو!!!!!!

۳۶۷- در یک مدرسه مذهبی ، شیخی که درس ادبیات میداد به دانش آموزان گفت : موضوع انشاء امروز شما این است : معلم خود را توصیف کنید . پس از گذشت لحظاتی ، دانش آموزی دست بلند کرد و پرسید : حاج آقا ، قرمساق را با س می نویسند یا با ص !!!!!!!!

۳۶۸- معلم مدرسه به حسنی امام جمعه رضائیه تلفن زد و گفت : حاج آقا ، لطفا با بچه ا تان کمی کار کنید . این بچه بلد نیست ، حتی ساده ترین کلمات و جملات را بنویسد . از او خواسته ام بنویسد صابون ، او صابون را با س نوشته . حسنی گفت : آقای معلم اینقدر به امت اسلام فشار نیآورید حال که صابون را با س نوشته ، فکر می کنید که صابون کف نمی کند !!!!!!

۳۶۹-یک بسیجی زیر آفتاب داغ تا بستان سا عت ها به یک پیت حلبی چشم دوخته بود . از او علت کارش را پرسیدند ؟ جواب داد : اینکه میگن پیت زا ، می خوام با چشم خودم ببینم آیا پیترا ، می زاد یا نه !!!!!

۳۷۰- در جریان جنگ ایران و عراق ، دولت بخشنامه ای به شرح زیر برای تمام مدارس کشور فرستاد : از آنجا که دلا وران ما در جبهه های نبرد حق علیه باطل با کمبود سلاح جنگی و توپ مواجه شده اند . از دانش آموزان بخواهید هر چند تا توپ که دارند به بسیج مدارس تحویل دهند!

۳۷۱- یک موسسه بین المللی سنجش هوش و آگاهی های همگانی ملل ، برای قبول یا رد نظریه اینکه : اسلام دین شر مگاه ، است یا خیر ، در مراسم حج مبادرت به پخش پنج میلیون پرسشنامه بین حجاج کرد. در این پرسشنامه دو سوال مطرح شده بود . سوال یک : آن چیست که سه حرف دارد حرف آخر آن ر است و همه درازش را دوست دارند؟ سوال دو : آن چیست که سه حرف دارد ، حرف آخر آن ر است ، بعد از کار کوچک میشود و از آن آب چکه می کند؟ از پنج میلیون پرسشنامه چهار میلیون و نهصد هزار آن سفید برگشت و در یک صد هزار آن تمامی حجاج در پاسخ هر دو سوال نوشته بودن : کیر !!!! و حتی محض نمونه یک نفر هم به : عمر و چتر اشاره نکرده بود.

۳۷۲- از رئیس ژئو فیزیک دانشگاه تهران پرسیدند : اگر زلزله ای با قدرت ۸/۹ ریشتر مشابه زلزله ژاپن در تهران بیآید ، میزان تلفات جانی چقدر است ؟ اوپاسخ داد : سد در سد ، زیرا نود در سد ، زیر آوار جان میدهند و ده در سد باقیمانده همدیگر را می خورند!!!!!

۳۷۳- بنیاد شهید ، اقدام به باز کردن یتیم خانه ای برای کودکانی که تمام خانواده خود را در جنگ از دست داده بودند کرده و پس از یک هفته که از تاسیس آن گذشت ، اولین جلسه را به نشست اولیاء و معلمین اختصاص داد !!!!!!!!

۳۷۴- در بازی فوتبال بین نیرو های مسلح جمهوری اسلامی ، مربی تیم پاسداران ، بازیکن شماره ده (۱۰) خود را بیرون برد و بجای آن دو بازیکن با شماره پنج وارد زمین کرد . وقتی مربی بسیجی این وضع را دید، بازیکن شماره هشت خود را بیرون برده و بجای آن هشت بازیکن با شماره یک وارد بازی نمود !!!!!!

۳۷۵- در فستیوال جهانی فیلم برلین ، فیلم مستندی راجع به اسرائیل ، ارمنستان و ایران نشان میدادند. در بخش اول فیلم ، اسرائیل را پس از جنگ جهانی دوم نشان میداد که کلیمی ها عکس هیتلر را در میدان ها ، ادارات و منازل خود گذاشته و به آن ادای احترام می کند . نام فرزندان خود را آدولف گذاشته و در وسط ستاره داود صلیب شکسته نازی ها را گذاشته بودند. بجای زیارت دیوار ندبه به طرف آلمان نماز می خوانند. در کنار مسجد اقصی ، ماکت اردوگاه آشویتس را درست کرده و آن را زیارت می کنند. تما شا چیان حاضر در سینما یک صدا فریاد بر آوردند : چه مردم احمقی .

در بخش دوم فیلم ، ارمنستان را نشان میداد که چطور ارمنی ها ، عکس های طلیعت پاشا ، یکی از عوامل دولت عثمانی در کشتار آپریل ۱۹۱۵ را به در و د یوار زده و به آن ادای احترام می کنند اسم های ترکی بر بچه های خود گذاشته و نام شهر های خود را به استانبول و آنکارا تغییر داده و پرچم ترکیه را بجای پرچم خود انتخاب کرده اند. تماشا چیان حاضر در سینما یک صدا فریاد بر آوردند :عجب مردم احمقی .

در بخش سوم فیلم ، ایران را نشان میداد که اسکندر به ایران حمله کرده ، و ایرانیان اسم بچه های خود را گذاشته اند : اسکندر، مغول ها حمله کرده و ایران را ویران کردند و ایرانیان اسم بچه های خود را گذاشته اند : چنگیز و هلاکو . تیمور اجداد آنها را کشته ، ولی نام بچه های آنان : تیمور و اسم فامیلشان تیموریان و تیمور زاده است. اعراب به ایران حمله کرده و از خون اجداد آنان آسیاب راه انداخته ، پستان مادران آنها را در نیشابور بریده ، دویست سال حق پارسی سخن گفتن را از آنان گرفته ، ولی ایرانیان نام فرزندان خود را از نام قاتلان و ویرانگران میهنشان گرفته و بچه های خود را محمد و علی و زین العابدین و یا سر و غلامعلی و عبدالرضا و ... صدا می زنند. پادشاه کشورشان خود را سگ درگاه علی می شمارد . به زبانی که اصلا آنرا نمی فهمند روزی پنج بار به سوی جایگاه کسی که گرد تیره روزی و بد بختی بر کشورش پاشیده نماز می گذارند . قبر ویران کننده کشورش را تبدیل به زیارت گاه می کنند. شال عربی بر گردن می اندازد ، خود را سید می خواند وبا افتخار می گوید : مادر مرا اعراب گ.....ده است . و پس از ۱۴۰۰ سال ذلت و خواری

مردمش حکومت اسلامی از نوع ولایت فقیه برای خودشون انتخاب می کنند و برای پرچم ایران آرم سیک های هندی را برگزیده که زبانش غیر از پارسی است.

تماشا چیان حاضر در سینما از فر ط خشم ، سینما را به آتش کشیدند!!!!!! عجب مردم احمقی!!

۳۷۶- نشریات داخل میهن خلاصه نویسی را از غربیها یاد گرفته اند . هر وقت بخواهند از احمدی نژاد یاد کنند ، می نویسند : ا.ن . !!!!

۳۷۷-در مملکت اسلامی ، آمار جراحی بینی ۲۳ برابر کل قاره آسیا است!!!!

۳۷۸- وقتی ا.ن . (احمدی نژاد) در سازمان ملل صحبت می کنه ، بهترین موقع برای نظافت سالن است !!!!

۳۷۹- در مشهد ، مترو ساختند . وقتی لکوموتیو و واگن از چین به آنجا رسید ، چون بزرگتر از تونل های احداث شده است ، توش نمیره !!!!

۳۸۰- در سر زمین عجایب ، دانشجویان رشته موسیقی باید ۶ ترم درس معارف بخوانند که در آن نوشته شده : موسیقی حرام است !!!!!!

۳۸۱- از حدیث های مسخره ترین دین عالم ، یعنی اسلام برای خند اندن شما گل چین کرده ایم :

حضرت امام محمدباقر فرمود که خوشم نمیآید که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم و یکشب بی زن بخوابم
از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از سعادت آدمی است که زن سفیدی داشته باشد
در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند ازجماع کردن در حمام فرمود باکی نیست .
در حدیث معتبر از حضرت رسول منقول است که چون مرد وزن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر زیرا که اگر چنین کنند ملائکه از ایشان دور میشوند.
از حضرت امیرالمؤ منین علیه السلام مرویست که : احتراز کنید از واجبی مالیدن در روز چهارشنبه
از حضرت صادق منقول است که : هر که پیش از واجبی کشیدن ، اندکی از آن بردارد و ببوید و بر سر بینی بگذارد و بگوید:صَلَّی اللهُ عَلَی سُلَیْمانِ بْنِ داوُدَ کَما اَمَرَ بِالنُّورَةِ، او را نسوزاند.
از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که : چهار چیز است که از اخلاق پیغمبرانست ، بوی خوش کردن و سر تراشیدن و واجبی مالیدن و بسیار جماع کردن
در حدیث صحیح منقول است که : عبدالرحمن بن ابی عبدالله گفت : با حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بحمام رفتم ، فرمود که : واجبی بکش ، گفتم : چند روزیست کشیده ام ، فرمود که : باز بکش
و حضرت رسول بسیار نهی فرمود از بازی کردن نرد و شطرنج وتنبک و طنبوروعود

علامه محمد باقر مجلسی

مسواک زدن در حمام باعث درد دندان میشود !!! من لایحضره الفقیه جلد یک ، ص ۵۳.

در ادرار ائمه ، آلودگی نیست!!!!انوار ولایه ص. ۴۴۰

خوردن آب در حالت ایستاده در شب ، باعث زردی یا یرقان میشود!!! اصول کافی جلد ۶ . ص.۴۹۸

نگاه کردن به آلت تناسلی زن ، باعث کوری میشود!!!! من لا یحضره الفقیه جلد ۳ ص.۵۵۶

ملکی بنام خر قائیل هست که ۱۸ هزار بال دارد و بین هر بالش ۵۰ سال زمان برای دیدن نیاز است!!!!

البرهان جلد ۲ ص. ۳۲۷ .

امام ، ده نشانه دارد . از جمله تمامی آنها ختنه شده بدنیا می آیند!!!! براحتی متولد میشود !!!

در خواب از او منی خارج نمی شود !!!!اگر بخوابد ، قلبش بیدار است !!!!همانطور که از جلو می بیند از عقب هم می بیند !!!!!و ..... اصول کافی جلد یک ص. ۳۱۹.

امام زمان لخت و عریان ظاهر می شود!!!!! حق الیقین ص. ۳۴۷

کفش سیاه نور چشم را کم می کند و مردانگی را ضعیف !!!!!کفش زرد ، نور چشم را زیاد و قوت مردانگی

را زیاد می کند !!!!! خصال شیخ صدوق باب سوم جلد ۱ ص. ۹۹

عفیر خر محمد رسول اله با پیامبر خدا صحبت می کرد !!!!! اصول کافی جلد ۱ ص. ۱۸۴.

خداوند دو شهر دارد ، یکی در مشرق و دیگری در مغرب . مردم این دو شهر با ۷۰ میلیون زبان سخن می گویند و امام حسن تمامی آن زبانها را میداند!!!! اصول کافی جلد ۱ ص. ۳۸۴.

خوردن خاک قبر امام حسین باعث شفا ء بیماری هاست !!!!!!اصول کافی جلد ۳ ص. ۳۸۷.

امام حسین از سینه زهرا شیر ننوشید ، پیامبر انگشتش را در دهان او می گذاشت تا او بمکد و او تا سه روز سیر می شد !!!!!اصول کافی کتاب الحجه جلد ۱ ص. ۳۷۳

فاطمه زهرا حیض (رگل) نمی شد !!!!! اصول کافی جلد ۱ ص. ۳۸۲.

علی بر روی ابر ها پرواز می کند !!!!! تفسیر المیزان جلد ۱۳ ص. ۳۷۲.

رعد و برق آسمان از تدبیر علی است !!!!امفید ص. ۳

۳۸۲- پاسداری به پدرش گفت : پدر عاشق شده ام . پدرش پرسید عاشق چه کسی ؟ پاسدار جواب داد هر که را که دایره امنیتی سپاه پیشنهاد کند !!!!!

۳۸۳- از یک بسیجی می پرسند : تو که روزه نمی گیری ، چرا سحری می خوری ؟ او جواب میدهد نماز که نخونم ، روزه که نگیرم ، سحری هم که نخورم ، پس من چه مسلمانی هستم !!!!!

۳۸۴-فردی ازآخوندی پرسید : حاج آقا شما فرق بین کیر با هواپیما را میدانید ؟ آخوند گفت : استغفراله این چه سوالی است ، نه نمیدانم . فرد گفت : حال که فرق این دو را نمیدانید ، خواستم گوشزد کنم ک یکدفعه اشتباهی سوار نشوید !!!!

۳۸۵- پس از مرگ خمینی و مراسم خسته کننده خاک سپاری ، احمد خمینی به خواب سنگینی فرو رفت ولی از او مرتبا باد های صدا داری خارج می شد. اطرافیان که از بو باد های او خفه شده بودند ، او را بیدار کردند و احمد که متوجه اوضاع شده بود سراسیمه گفت : در خواب پدرم را دیدم که مرا ارشاد می کرد !! یکی از حاضران گفت : درست میگوئی چون ما متوجه تمام عرایض امام شدیم !!!!

۳۸۶- در جنگ ایران و عراق ، پاسداری از ناحیه دستگاه تناسلی آسیب دید . در بیمارستان صحرائی او مورد عمل جراحی پارگی بیضه ها قرار دادند و یکی از خواهران زینب که به دکتر کمک میکرد ، کیر پاسدار را بدست گرفت ، تا دکتر کیسه بیضه را که پاره شد ه بود بدوزد . دکتر به اوگفت : خواهر تو پوست بیضه بهم نزدیک کن ، کیر خودش وا می ایسته !!!!!

۳۸۷- از ظریفی پرسیدند : ضرورت وجود آخوند چیست ؟ او پاسخ داد : در کمبود پارچه از عمامه هر کدام آنها ، میتوان ۲۰ تنبان برای مستضعفین دوخت !!!!!

۳۸۸- در سرزمین عجایب ، وقتی دانشگاه باز می کنند ، شروع سال تحصیلی اول مهرماه است ، استادش بیست مهر سر کلاس میرود و دانشجویانش اول آبان !!!!!

۳۸۹- در تمام دنیا ، وقتی فوتبال بازی می کنند ، واسه صلح ، تفاهم ملل ، ایدز ، کمک به گرسنه های آفریقائی و... است ، الا ، ایران که برای مرگ بر آمریکا و مرگ براسرائیل است !!!!!

۳۹۰- در سر زمین عجایب ، کرایه الاغ های اما مزاده داود ساعتی بیست هزار تومان است و حق التدریس استاد یار دانشگاه ده هزار تومان !!!!!!

۳۹۱- وقتی جمهوری اسلامی سرنگون شد ، و سران آن فرار کردند فکر می کنید ، امن ترین جای جهان برای هاشمی رفسنجانی و احمدی نژاد کجاست ؟ پناه بردن به قبیله آدمخواران ، چون آنها نه کوسه می خورند و نه میمون !!!!!

۳۹۲- از سید علی خامنه ای پرسیدند : حکمت ممنوعیت شیر پا ستوریزه چیست ؟ او گفت :شیر شیره ، چه روی پرچم و چه توی شیشه ، هر دوتاش حرامه ، تازه برید شکر کنید که دست به شیر آب و سماور و تماشای شیر در باغ وحش را حرام نکردیم !!!!!

۳۹۳- خامنه ای مدتی بود که به اسهال مزمن دچار شده بود . پس از درمانهای نا موفق بسیار ، پزشک بیت رهبری طب سوزنی را برای او تجویز کرد ، بدین گونه که سوراخ کون او را بدوزند !!!!!!

۳۹۴- در مجلس آخوندی ، محمد سلیمانی وزیر ارتباطات را به جرم حیف و میل بودجه دولت استیضاح کردند. جرم این وزیر کابینه احمدی نژاد، خرید سیم فراوان برای دستگاه های بی سیم بود!!!!!!

۳۹۵- فر مانده پاسداران راجع به استتار درس میداد :استتار یعنی پنهان کردن ، مخفی کردن ،درست مثل اینکه درخت ها جنگل را استتار کنند تا کسی جنگل را نبیند !!!!!!

۳۹۶- بسیجی وارد خانه شد و وسط اطاق یک تخته قالی دید ، از زنش پرسید ما که قالی نداشتیم ؟ زنش گفت : یک کوپن از مسجد ثارالله داشتم ، رفتم گرفتم. بسیجی چشمش به تلویزیون بزرگ کنار اطاق افتاد و پرسید : ما که تلویزیون نداشتیم ؟ زنش گفت : یک کوپن از بنیاد شهید داشتم ، رفتم گرفتم. عین همین ماجرا برای تخت خواب نو ، کمد نو ، ماشین رختشوئی و ظرفشوئی جدید تکرار شدو هر بار زن بسیجی به کوپن اشاره میکرد. در این موقع زن به بخاری کنار اطاق نزدیک شد و روبروی بخاری نشسته و پا هایش را باز کرد که بسیجی فریاد زد : عزیزم مواظب باش کوپنت نسوزه !!!!!!

۳۹۷- صاحب مرده خامنه ای را زنبور گزید و خجسته خانم سراسیمه پیش دکتر بیت رهبری رفت و دکتر یک قرص برای درد و یک پماد برای رفع تورم به او داد. خجسته خانم قرص را برداشته ولی پماد را پس داد و گفت : همین کافیه !!!!!!

۳۹۸-به خمینی گفتند : شاه برای تبرئه خودش در پیشگاه تاریخ ، کتابی نوشته بنام : پاسخ به تاریخ ، شما برای خنثی کردن این توطئه چه امری می فر مائید؟ خمینی گفت : شما هم کتابی از قول من بنام : پاسخ به جغرافی بنویسید ، تو طئه را خنثی می کند !!!!!!!

۳۹۹- در دادگاه انقلاب اسلامی ، پس از محاکمه چند دقیقه ای حکم به اعدام محکومی دادند. سعید مر تضوی دادستان دادگاه از محکوم خواست تا آخرین دفاع خود را بکند. اوگفت :اولا من به صلاحیت دادگاه شک دارم ، دوما ، تمامی شما از مقام رهبری گرفته تا نگهبان دم در همتون برید تو کون من !! در این موقع تشنج صحن دادگاه را فراگرفته و همه چیز بهم ریخت که محکوم فریاد زد : شلوغ نکنید ، یکی یکی ، همتون که نمیشه یکدفعه برید ، کونم پاره میشه !!!!!!!

۴۰۰- از ظریفی پرسیدند : فلسفه داشتن کاپوت در اتو موبیل چیست؟ او پاسخ داد : نداشتن کاپوت در اتوموبیل آنهم در کشور های اسلامی منجر به بی ناموسی و زاد ولد نا مشروع ماشین ها خصوصا در پارکینک های خلوت و چند طبقه میشود !!!!!

۴۰۱- در سر زمین عجایب ، نمایش ونقد فیلم آواتار جیمز کامرون با حضور حجت الاسلام عاشوری برگزار شد.!!!!!

۴۰۲- هر بلای طبیعی که سر خارجی ها می آید ، عذاب الهی است و برای جمهوری اسلامی امتحان الهی !!!!!

۴۰۳- سیاست که پدر و مادر ندارد ،درست عین دیانت و مذهب ما !!!!!

۴۰۴- یک بسیجی که پایش شکسته بود به درمانگاهی مراجعه کرد و دکتر درمانگاه به اوگفت : پایت را باید گچ بگیرم و هزینه آن میشود یک میلیون تومان . بسیجی گفت : آقای دکتر من این پول را ندارم میشه پایم را کاه گل بگیرد تا ارزانتر بشه !!!!!

۴۰۵- از خامنه ای سوال شد : معنی آیه نون و القلم چیست؟ او گفت :این آیه مورد علاقه محمد بود معنی آن این است : اگر ملت چموشی کرد ، نونش را قطع کنیم و اگر رویش را زیاد کرد و یا گفت ، رای من کجاست ، پایش را قلم کنیم !!!!!

۴۰۶-رامین مهمان پرست سخنگوی وزارت خارجه به خامنه ای تلفنی گفت : میخائیل لولا پیچ سفیر شوروی برای دیدار شما نیاز به اپو یمنت دارد . خا منه ای که چیزی از حرف های او متوجه نشده بود گفت : در حال حاضر مملکت احتیاج به میخ و لولا و پیچ و وارد کردن آنها از شوروی ندارد ، از چین ارزانتر می خریم !!!!!

۴۰۷- خبر نگاری از آیت اله پسندیده ، برادر خمینی که بالای ۱۰۰ سال داشت ، راز طول عمر زیادش را سوال کرد. او گفت : وقتی من دنیا آمدم ، هنوز میکروب کشف نشده بود، شایدم اصلا وجود نداشت تا باعث مرگ و میر شود !!!!!!

۴۰۸- معلم در باره صرف فعل درس میداد . او از دانش آموزان پرسید : اگر من بگویم ، من خودم را می شورم ، تو خودت را می شوری ، آنها خودشان را می شورند ، این چه زمانی است ؟ دانش آموزان یک صدا با هم گفتند : آقا شب جمعه اس !!!!!!

۴۰۹- از خامنه ای پرسیدند : این آخر عمری در نظر نداری مسافرتی بکنی ؟ او جواب داد با خجسته خانم به توافق نمی رسیم ، اون میگه بریم دور دنیا ، اما من میگم بریم سوریه !!!!!!

۴۱۰- یک پاسددار پس از عمری لباس هایش را به خشکشوئی داد . برای گرفتن آنها مراجعه وصاحب خشکشوئی گفت : حساب شما میشه ۲۰ هزار تومان . پاسدار گفت :من تو تا شلوار دارم و یک کاپشن چطور میشه ۲۰ هزار تومان . صاحب خشکشوئی گفت : درست میگید ،ولی سه تا تا زیر شلواری و پنج تا جوراب و شال فلسطینی را که تو جیب های شلوار و کاپشن قایم کرده بودی ، حساب نکرده بودی !!!!!

۴۱۱- از خامنه ای پرسیدند : معنی آیه ، الم تر کیف چیست ؟ او جواب داد : معنی روشنی دارد یعنی علم کنید ، تر کنید و بعد کیف کنید !!!!!

۴۱۲- خامنه ای ، همواره هنگام خوردن سبزی ، از جا بلند میشد . علت را پرسیدند ، جواب داد از قدیم گفته اند : سبزی را نشسته نخورید !!!!!

۴۱۳- محسن رضائی ، فرمانده سابق پاسداران که پیش از انقلاب ، جاکش شهر نو بود ، یک طوطی داشت که در محله بدنام رشد کرده بود . بعد ها در یکی از ضیافت های سران سپاه ، او طوطی را در قفس زیبائی قرار داد و زمانی که عزیز جعفری فر مانده فعلی سپاه با لباس فرم وارد مجلس شد ، طوطی فریاد کنان گفت : جنده ها فرار کنید ، آژان اومد !!!!!!

۴۱۴- آخوندی در زمان شاه با زنش سوار اتوبوس میشود . او روی صندلی نشسته و مر تبا نق میزند : زمونه عوض شده ، مردم وقتی یک روحانی و یا خانمی را میدند ، جایشان را به آنها میدادند . جوانی به آخوند گفت : حاج آقا ، شما که نشسته اید ، پس گله اتان برای چیست . آخوند گفت : گله برای خودم نیست ، برای زنمه که ایستاده !!!!!

۴۱۵- یک پاسدار از گرانی بنزین ، پیش دوستش شکایت کرد . دوست او گفت : تو که نه ماشین داری نه موتور چرا ناراضی هستی . پاسدار گفت : درسته که ماشین و موتور ندارم ولی فندک که دارم !!!

۴۱۶- خجسته زن سید علی خامنه ای ، عصبانی پشتش را به رهبر کرد و گفت : اون موقع ها تا فرح لب تر میکرد ، شاه اسم اونو روی میدان و خیابان ها می گذاشت ، اما تو با اینکه مقامت از شاه بالا تره یک کوچه هم بنام من نکرده ای . خامنه ای گفت: ناراحت نباش دستور میدهم ، اسم اتوبان تهران - قم را عوض کنند و بگذارند ، گشاد راه خجسته ، راضی شدی !!!!!!

۴۱۷- در گیلان ، یک بسیجی در رابطه با نزدیکی جنسی با گاو و لگد پرانی گاو کشته میشود . در مراسم تشیع جنازه او ، سایر بسیجی ها شعار میدادند : گیلان شده اسپانیا مهدی بیا ، مهدی بیا !!!

۴۱۸- خامنه ای : این صف دراز مال بنزینه ؟

وحید حقانیان ، محافظ خا منه ای : صف بنزین با ما شینه ، اینها پیاده هستند.

خامنه ای : زر نزن ، صف چیست؟

حقانیان : صف شوماست .

خامنه ای : شوما دیگه چیه؟

حقانیان : پودر لباسشوئی است.

خامنه ای : اون صف اونور خیابان برای چیست ؟

حقانیان : صف تایده

خامنه ای : تاید چیه ؟

حقانیان : یه گهی مثل شُما !!!!!!!

۴۱۹- ماهیگیران رشت و بندر پهلوی مقابل ساختمان استانداری گیلان دست به تظاهرات زده که خود و خانواده آنها در معرض گرسنگی قرار دارند و آنها چند ماهی است که نتوانسته اند ماهی صید کنند. آنها علت را چنین بازگو کردند : از چند ماه پیش که هاشمی رفسنجانی در آبهای اینجا شنا کرده ، ماهی ها ، با دیدن کوسه آبها را امن ندانسته و همگی به جای جدیدی کوچ کرده اند !!!!!!

۴۲۰- دو طلبه در فیضه قم مشغول حرکات زشت بودند که فردی در را باز کرد . طلبه ها گفتند : چه می خواهی ؟ آن فرد گفت : دنبال جا می گردم تا نماز به جا بیآورم.طلبه ها گفتند : مگر کوری و نمی بینی حجره ما آنقدر تنگ است که ما مجبوریم رویهم به رکود و سجود برویم و نماز را چسبیده بخوانیم !!!!!

۴۲۱-در سر زمین عجایب ، سی - دی آموزش معافیت از سر بازی را در مغازه ها می فروشند!!!!

۴۲۲- در سر زمین عجایب ، وقتی دو تا اتوبوس با هم تصادف می کنند ، سرنشینان آنها با هم دست به یقه شده و نزاع می کنند !!!!!

۴۲۳- در سر زمین عجایب ، درخواست یک میلیون تومن وام میدی ، بانک میگه باید ده میلیون تومن تو حسابت داشته باشی!!!!

۴۲۴- از توضیح المسائل خمینی صفحه ۱۹۵ ، در باب تقویت رو حانیت . تخم به حرام اندازید تا بچه های شما طلبه و روحانی شوند !!!!!

۴۲۵- هر معرفتی که آیت الله گوید بر کون خری نویس و در کونش کن !!!!

۴۲۶-بسیجی به دختری بعنوان متلک گفت :خوشگله نمازتو خوندی . دختر جواب داد : نماز را اون مادر فلان فلان شده ات باید بخواند نه من !!!!!!

۴۲۷- پاسداری در آسایشگاه مشغول دیدن فیلم های سکسی بود که فرمانده اش سر زده بالای سرش ظاهر میشود . پاسدار دست پاچه شده و میگوید : حاج آقا ببینید این صیهونیست های بی شرف چه بلائی سر خواهران فلسطینی ما می آورند !!!!!

۴۲۸- معلم ادبیات از مجتبی خامنه ای می پرسد : حمام چند بخشه ؟ اوجواب میدهد : دو بخش ، زنانه و مردانه !!!!

۴۲۹-بسیجی جونش به لبش میرسه ، تف می کنه میمیره !!!!!

۴۳۰- بسیجی می خواست غرق مناجات بشه ، جلیقه نجات پوشید !!!!!!

۴۳۱- پاسداری عروسی می کنه و چون از آداب شب زفاف چیزی نمی دانست ، پدرش به او می گوید: سخت ترین عضو بدنت را در جائی که زنت می شاشد فرو کن . صبح فردا جسد پاسدار را که سرش در سوراخ مستراح گیر کرده و خفه شده بود می یابند !!!!!

۴۳۲- برای پاسداران فیلم جنگی نشان میدهند . وقتی فیلم تمام میشود آنها سینه خیز سالن نمایش را ترک می کنند !!!!!

۴۳۳- از یک پاسدار می پرسند : اگر یک روزی دختری بهت راه داد چکار می کنی ؟ جواب داد : ازش سبقت می گیرم !!!!!

۴۳۵- در حمام عمومی مردی از دلاک درخواست یک کاسه واجبی کردو لی دلاک شروع به خندیدن نمود مرد گفت من که جوک نگفتم که تو می خندی . دلاک گفت : مرد حسابی کجای کاری ، گذشت اون زمان که هر چه واجبی می خواستی برات میآوردم . حالا برای اینکه واجبی بیندازی ، باید یک فتو کپی از کونت بگیری ، اونو ببری دادستانی تا ازت تعهد بگیرند با اون کسی را نمی خواهی بکشی ، درست مثل سعید امامی ، بعدش فرم های مربوطه را که ده صفحه میشه میبری به ستاد بسیج اقتصادی ، اونجا یک روز علاف میشی ، چون باید ثبت دفتر حذف رایانه ها هم بشه و صفش طو لانیه ، بعد با در نظر گرفتن سایز کون تو از روی جداول پزشکی ، بهت یه تاریخ میدن که در اون زمان ، بسته واجبی خود را از مسجد محل بگیری .اگر واجبی چینی نصیبت نشه ، شانس آوردی ،!!!!!

در پخش هر چه بیشتر ریشنامه ها ، خصوصا بداخل ایران ما را یاری دهید.

۴۳۶- زمانی که خامنه ای بعنوان طلبه در قم بسر میبرد ، نامه ای به پدرش در آشتیان مشهد فرستاد و از او خواست تا ۱۰۰ تومن برا ی او بفرستد . پدر خامنه ای ۱۰ تومن همراه با نامه ای فر ستاد که بخشی از نامه چنین بود : تو کی می خوای سواد دار و آدم بشی ، احمق ، ده یک نقطه دارد نه دوتا !!!

۴۳۷- در روز عاشورا دسته های سینه زنی بر سر و روی خود میزدند و دسته اول می گفت : آنقدر کشته بدیم تا مهدی غایب بیآد !!! دسته دوم که عکس های خامنه ای دستشون بود شعار میدادند : کس آبجیت خندیدی تا این نره ، اون نمی آد !!!!!!

۴۳۸- دو پاسدار در جبهه های جنگ ایران و عراق می جنگیدند . پاسدار اولی از پاسدار دومی پرسید: حسین خون چه رنگیه ؟ حسین پرسید : چطور ؟ پاسدار اول گفت : خواستم بدونم ، چون اگر خون زرده من فکر می کنم تیر به کونم خورده !!!!

۴۳۹- در کوپه قطار آخوندی کنار مردی در حال چرت زدن بود که بادی از او خارج میشود ، از صدای گوز آخوند بیدار شده و از آن مرد عذر خواهی می کند و میگوید : برادر ، گوز در اسلام ، بعنوان یک عارضه طبیعی شناسائی شده و برآن عقوبتی نیست . چیز طبیعی را که نمی توان حبس کرد. مرد عصبانی گفت : حاج آقا پیش از آنکه برای من وضع کنید ، پنجره قطار را باز کنید چون من خفه شدم !!!!!!

۴۴۰- در سفر نوروزی خامنه ای به مشهد ، آیت اله کنی نیز همراه او بود . بسیجی های مشهد که از حالا دستمال یزدی را بدست گر فته اند شعار میدادند : صل اله محمد امام با زاپاسش خوش آمد!!

۴۴۱- یک روستائی کنار چشمه نشسته بود و غذا می خورد ، آخوندی با الاغ به او نزدیک شد و روستائی یک تعارف شاه عبدالعظیمی به او کرد ولی آخوند مفت خور از الاغ پیاده شد و از روستائی پرسید ، میخ طویله الاغم را کجا بزنم ، چون این الاغ خیلی شروره ، ممکنه در بره . روستائی ، زبانش را در آورد و گفت اینجا ، تا من باشم ، زبانم را بکنم تو ی کونم و تعارف نکنم !!!!!!

۴۴۲- دکتر بیت رهبری : آقای خامنه ای برای بیماری شما ، قرص هائی که من تجویز کرده ام بهترین است ، ولی من در شما بهبودی نمی بینم. آیا سر موقع آنها را میل کرده اید ؟ خامنه ای عصبانی می گوید : مردک خرفت ، الان شنیدم که میگوئی بخورم ، قبلا گفته بودی قرص ها روزی سه دفعه بیندازم با لا ، من هم همین کار را می کردم ، آنها را می انداختم با لا !!!!!

۴۴۳- پس از سوء قصد بجان خامنه ای ، که منجر به آسیب شدید در دستش شد ، جراحان تصمیم گرفتند ، دست جدیدی به او پیوند بزنند . آنها دست یک پاسدار رده توپخانه را که در جنگ کشته شده بود به او پیوند زدند. پس از عمل هر وقت خامنه ای دستشوئی می رفت و می خواست کونش را بشورد آن دست هر چیزی که جلویش بود بعنوان خرج توپ ، تو کون رهبر میکرد !!!!!!

۴۴۴- پس از تعطیلی بازداشتگاه کهریزک ، یکی از شکنجه گران این زندان را محاکمه فرمایشی - نمایشی کردند. دادستان به شکنجه گر گفت : طبق نظریه پزشکی قانونی شما متهم به پارگی مقعد شکستگی استخوان ، شکافتگی روده ، خرد کردن ستون فقرات هستید ، چه دفاعی دارید که بکنید؟

شکنجه گر گفت : بسم الله رحمان و رحیم !!! آقای دادستان سردار رادان به ما دستور داده بود : به بروبچه هائی که دنبال رای انتخابی هستند تجاوز کنیم ، منم همین کار را کردم ، ولی به ولای علی من تو کون این بچه دینامیت کار نگذاشتم که روده و موده ستون فقرات آنها را پاره کنم !!!!!!

۴۴۵- زندگی مردم ما پس پیاده شدن طرح رایانه های احمدی نژاد کمی تغییر کرده : آب شده اشک غذا شده کشک ، یخچال شده مشک ، حمام شده طشت ، مستراح شده دشت ، و سفر خارجی شده رشت !!!!!!

۴۴۶- محمد سعیدی کیا ، وزیر مسکن به خبرنگار صدا و سیما ی جمهوری اسلامی گفت : بخواست امام زمان و رئیس جمهور محبوب آقای احمدی نژاد مشکل مسکن جوانان حل شده ، امروز دخترم که به خیابان رفته بود ، صد تا جوان به دخترم گفتند : بفرما ، برسونمتون ، در ضمن خونه خالی هم داریم!!!!!

۴۴۷- در سفر استانی احمدی نژاد به لرستان که مصادف با هفته دفاع مقدس بود ، او د ر سخنرانی خود گفت : خرمشهر را امام زمان آزاد کرد ! یک پاسدار لر که آنجا بود گفت : پس بفرمائید ما اون موقع تو سنگر کون میدادیم ،،،،،

۴۴۸- یکی از شکنجه گران زندان کهریزک جهت غسل به حمام میرود و میگوید : غسل جنایت می کنم استغفراله ، همکارش میگوید : جنابت نه جنایت . شکنجه گر می گوید : آنطوریکه من کردم جنایت بود نه جنابت !!!!

۴۴۹- ظریفی می گفت : اشتباه ملت ها برایشان بسیار سنگین تمام میشود . ملت ما که دو تن از معماران جمهوری اسلامی یعنی کروبی و موسوی را بعنوان رهبر انتخاب کردند ، زندگیشان در سه سال بین ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ چنین رقم خورد : سال ۱۳۸۸ رای من کو ، سال ۱۳۸۹ نان من کو ، سال ۱۳۹۰ قبر من کو !!!!!!

۴۵۰- متن خوش آمد گوئی در هواپیمائی جمهوری اسلامی در نوروز ۱۳۹۰ : با سلام و صلوات به روح تمامی مسافرین محترم و با درود به وزیر محترم راه و ترابری آقای محمد رحمتی کامیون دار محترم ، ورود شما را به پرواز ابدی هواپیمائی جمهوری اسلامی خوش آمد میگوئیم ، مقصد ما به احتمال ۹۹ در صد بهشت موعود و دیدار از حوریان و غلما نهای خوش بر و رو وخوش اندام و ۱ درصد مقصدی است که برای آن بلیط خر یده اید. بستن کمر بند ایمنی ضرورت ندارد ، چون آنها را جمع کرده و به نفع صندوق دولت فروخته ایم ، ثانیا برای رفتن به بهشت نیازی به کمر بند نیست ، لطفا از کش استفاده کنید تا بالا و پائین کشیدن تنبان راحتر باشد. خواهشمند است هنگام رفتن به بهشت ، اشهد خود را صحیح قرائت فر ما ئید تا مشکلی در امر ویزای شما پیش نیآید .

هوای بهشت ۲۰ درجه سانتیگراد و آفتابی است . البته دو رودخانه شیر و عسل شمال بهشت بخاطر سند بندی های غیر حرفه ای خشک شده اند. خلبان شهید عبدالرضا اسلامی و خدمه روح الفدا ی پرواز شماره دو صفر جایگاه ابدی در بهترین نقطه بهشت را برای مسافرین محترم آرزو می کنند !!!!

۴۵۱- احمدی نژاد به خالد مشعل زنگ میزنه وزود آنرا قطع میکنه . دلیلش را می پرسند؟ میگوید خواستم ببینم فلسطین هنوز اشغاله یا نه !!!!

۴۵۲- از احمدی نژاد پرسیدند : آیا این درست است که جواب مردمی را که به تو رای دادند با قطع کردن برق بدهی ؟ او جواب داد : جواب ابلهان خاموشی است !!!

۴۵۳- فردی صاحب بچه میشه و اسم فرزندش را میگذاره : احمدی نژاد. دلیل این نام گذاری عجیب را می پرسند . جواب میدهد : با اینکه دو روزه متولد شده ولی چهل بار ریده !!!!!

۴۵۴- با پا در میانی تریتا پارسی و هوشنگ امیر احمدی ملاقاتی بین بوش و احمدی نژاد رخ داد بوش ضمن دست دادن گفت : من بوشم و احمدی نژاد گفت : من خودشم !!!!!

۴۵۵- وقتی برق میره آدم یاد چهار نفر می افته : پدر و مادر ادیسون و پدر ومادر احمدی نژاد!!!

۴۵۶-احمدی نژاد دچار سوء هاضمه شده بود ، از این رو پیش دکتر رفت و دکتر برایش رژیم غذائی بشرح زیر تجویز کرد : اولا سرخ کردنی زیاد نخور .دوما ، ترشی جات و پیاز و دوغ نخور . سوما ساندیس نخور . چهارما ، وقتی میری شهرستانها تا سخنرانی کنی ، گُه زیادی نخور !!!!!

۴۵۷- از زمانی که مادر احمدی نژاد اورا ربد ، کدورت بین خدا و شیطان بر طرف شد !!!!! میپرسید چگونه ؟شیطان همواره از خدا شاکی بود که چرا او را زشت آفر یده ، ولی پس از دیدن احمدی نژاد شکر گزار هم شد.

۴۵۸- پاسداری کنار رودخانه نشسته بود و قاشق قاشق ماست توی آب می ریخت . پاسدار دیگری از او پرسید : برادر چکار می کنی ؟ پاسدار اول جواب داد : دارم دوغ درست می کنم . پاسدار دوم گفت : عجب آدم خری هستی ، فکر نکردی این همه دوغ را چه کسی میخوره !!!!!!

۴۵۹- مجتبی خامنه ای مشغول تماشای فیلم سکسی بود که پدرش در اطاق را باز کرد و با دیدن صحنه ای از فیلم فریاد زد : ای تخم سگ بی پدر ومادر ، ای ولد زنا ، این کثافت کاری ها چیه ، اگر سنگ نشدی !! مجتبی که دستش روی صاحب مرده اش بود زیر گریه زد و گفت : آقا جون کمکم کن ، بدنم از اینجا داره سنگ میشه ! به خدا و عمو محمد بگو منو ببخشند ، دیگه از این گُه ها نمی خورم !!!!!

۴۶۰- خامنه ای و زنش خجسته ، برای تجدید خاطرات زمانهائی که کسی پهِن هم بار آنها نمی کرد به ده خود در آشتیان مشهد رفتند و در آنجا دو خر را دیدند که مشغول جفت گیری بودند . خامنه ای به زنش گفت : ببین ، اصل کردن اینه ، من همیشه ملاحظه و مراعاتت را میکردم !!!!خجسته جواب داد حاج آقا بازم خالی بستی ، کی میخوای دست از این کار ها برداری ، تو کجا ، جدت حضرت محمد کجا!!

۴۶۱- پاسداری به یکی از خواهران زینب تلفن میزند ومیگوید: الان خونه خالی است ، بیا با هم حال کنیم. خواهر زینب میگوید : الان نمی تونم بیآم ، چون پریودم . پاسدار میگوید : چقدر تو شیرینی ، من میمیرم واسه اسم های خارجی !!!!!

۴۶۲- یک بسیجی به خانه ای تلفن میزند و دختر صاحب خانه گوشی را برمیدارد ، پس از کمی گفتگو دختر می گوید : ای مرده شورت را ببرن ، مال کدام جهنم دره ای هستی که این همه لهجه ات بده . بسیجی میگوید : اگر لهجه ام بده ، قطع می کنم دوباره میگیرم !!!!!!

۴۶۳-آخوندی اسم بچه اش را اژدر میذاره . همریش های او ، شماتتش می کند که چرا نام علی یا غلامحسین رو بچه ات نگذاشتی . او جواب میدهد : شما اسم اون جونوری را که از سه تا کاندوم بگذره میتونید علی یا غلامحسین بگذارید ؟ اما حق بجانب شماست ، من اصلا فکر پیغمبر نبودم !!

۴۶۴- پس از پایان کلاس قرآن ، یک خواهر زینب با یک بسیجی تنها میشوند. خواهر زینب میگوید بیا ، تو مال مرا بخور و من مال تورا ! بسیجی میگوید : نه اینجوری دعوامون میشه من مال خودم را می خورم تو هم مال خودت را بخور !!!!!!

۴۶۵- زنها دوست دارند با مردی ازدواج کنند که مثل شیر با وقار ، مثل خر پر کار ، مثل میمون با مزه مثل سگ وفا دار و مثل خروس با غیرت باشد. ولی مادینه ها ئی که زن آخوند ، پاسدار و بسیجی میشوند در حقیقت زن موجوداتی میشوند که درسته مثل شیره ، ولی بیرحم و درنده است . درسته خره ولی نفهم و کودنه . درسته که میمونه ولی بد قیافه مثل احمدی نژاده . درسته سگه ولی هاره . و در نهایت درسته خروسه ولی عاشق حر مسرا ست !!!!!

۴۶۶- جان بازی به دایره همسر یابی بنیاد شهید تلفن میزند و خواهان یافتن همسری میشود متصدی مربوطه می پرسد : از کدام قسمت های بدنت محروم شده ای ؟ جان باز میگوید : نه دست دارم و نه پا ! متصدی بنیاد می پرسد : اگر دست و پا نداری پس چگونه با ما تماس گرفتی؟ جان باز جواب میدهد : با اونجام ، اونو که از دست ندادم !!!!!!

۴۶۷- آخوندی که معلم قرآن و شرعیات یک مدرسه مذهبی بود به داروخانه مراجعه و خواهان ۹۹ عدد کاندوم میشو د . داروساز با تعجب میپرسد : حاج آقا چرا نود و نه تا ، نه صد تا ؟ آخوند میگوید : اولا تعداد دانش آموزان نود و نه تا ست ! دوما جناب دکتر اگه کون شما هم میخاره صد تا مرحمت بفر مائید !!!!!

۴۶۸- از یک بیسجی پرسیدند :اون کیه که خودش یک داداش داره ولی خواهرانش دوتا ؟ بسیجی آنقدر فکر کرد تا روانی شد !!!!!

۴۶۹- از یک پاسدار پرسیدند : اگر ادیسون نبود ، چه اتفاقی می افتاد ؟جواب داد : آنوقت باید در تاریکی تلویزیون را روشن وبه سخنان آقای خامنه ای گوش میدادیم !!!!

۴۷۰- از امام جعفر صادق روایت است که رسول خدا همواره به حضرت علی پند میداد : هیچگاه زن نگیر وبه حسن وحسین ، پسرانت هم بگو آنها هم زن نگیرند !!!!!! بحارالانوار جلد ۱۳ ص ۱۳۰

۴۷۱- در سر زمین عجایب ، عتیقه واشیای باستانی را عوض اینکه سازمان میراث های فرهنگی کشف کند ، نیرو های انتظامی پیدا می کنند !!!!!

۴۷۲- در جمهوری اسلامی ، وقتی زور آخوند ها به حذف تاریخ پیش از اسلام نرسید ، گفتند : کورش بزرگ بسیجی بوده !!!!!

۴۷۳- در مملکتی که اساس زندگی در پائین تنه خلاصه میشه ، میدانید چر ا صبح جمعه نانوائی ها خلوت هستند ؟ چون گروهی بیهوشند، گروهی زیر دوشند ، گروهی هنوز روشند و گروهی که هنوز نتونستند گهُی بخورند بیهوده میکوشند !!!!!

۴۷۴- احسا سی ترین سوالی که یک بسیجی از زنش کرده : از ازدواج با من پشیمونی ، یا مثل خر کیف میکنی !!!!!

۴۷۵- یک پاسدار به ۱۱۰ زنگ میزنه و میگه : جناب سروان الان سوار ماشینم شدم ، نه فر مون داره نه دنده ، نه گاز نه ترمز ، همشو بردند . پلیس از او می پرسه : پاسداری یا بسیجی ؟ پاسدار میگوید: پاسدار جان بر کف عین الله غلامر ضائی . پلیس میگوید :برادر صندلی عقب نشسته ای ، برو جلو!!

۴۷۶- از امام جعفر صادق منقولست ، شخصی از رسول خدا پرسید :فرق زن با قلیان چیست ؟ حضرت محمد پاسخ دادند :رو قلیان ، دو سه دقیقه کار میکنی ، چند ساعت حال میدهد ، ولی روی زن چند ساعت باید کار کرد تا دو سه دقیقه حال بدهد !!!! الکافی جلد ۸ ص ۵۴۳

۴۷۷- منوچهر متکی وزیر امور خارجه دولت احمدی نژاد از همتای ایتا لیا ئی خود راجع به زمان سکس سوال کرد . ایتا لیا ئی گفت :معمولا سکس من با زنم ۴۵ تا ۶۰ دقیقه طول میکشد . متکی گفت :خوش بحالت چون سکس من بسیار طولانی و خسته کننده است ، زمان آن ۱۲ ساعت و سه دقیقه است . ۱۲ ساعت ناز می کشم و سه دقیقه کار را تمام می کنم !!! احمدی نژاد علت بر کناری متکی را پرسیدن سوال مشابه از خانم مرکل صدر اعظم آلمان و خانم کلینتون وزیر امور خارجه دولت اوباما ذکر کرد !!!!

۴۷۸- بنا به گزارش خبر گزاری فارس : یک بسیجی که مورد تجاوز امامان مساجد جوادیه و پل امامزاده معصوم قرار گرفته بود به قصد خودکشی خودش را روی ریل قطار انداخته ولی پس از واژگونی ترن از محل حادثه گریخته است !!!!

۴۷۹- لقب های جدید برای آخوند های مار مولک : اگر آخوندی جهت زیارت به مشهد برود میشود مشمولک . اگر به مکه برود میشود : حاج مولک . اگر به شاه عبدالعظیم برود میشود : شامبولک اگر به قم برود میشود : قمبولک و اگر به زیارت شازده حسین قزوین برود میشود : انگولک !!!!!

۴۸۰- رابطه مگس با آخوند به دو شکل خودنمائی می کند . اگر مگسی روی آخوندی بنشیند ، بدان معنی است که آخوند گُه است. و اگر ننشیند بدان معنی است که آخوند هیچ گُهی نیست !!!!

۴۸۱- از سخنان گهر بار و حکیما نه پیامبر اسلام که از هر جوکی با مزه تر است برای شما گزینش کرده ایم :

هر زمان که خواب بد می بینید ، سه مر تبه به سمت چپ خود تف کنید !!!!

زنی که شو هرش را بیآزارد ، نمازش پذیرفته نمی شو د . این زن اولین کسی است که وارد جهنم میشود!!

به آن خدائی که مرا براستی مقام رسالت داد ، مر د بر زن حق دارد .زنان تا حق شوهران را اجابت نکنند ، حق خدا را اداء نکرده اند !!!(توضیح اینکه ، خدا در طلب شوهران از زنانشان شریک است).

فر مانبرداری از زن منتهای نادانی است !!!!

هر مردی که اختیار ش را به زن بسپارد ، ملعون است !!!!

باد از روح خدا ایجاد میشود !!!! (البته منظور باد شکم نیست) .

هر کسی چهار پسر پیدا کند و نام یکی را به اسم من نگذارد ، با من نا مهربانی کرده است!!!

راست ترین اسم ها آن است که نشان از بندگی داشته باشد !!!!

برای خنثی کردن اثر چشم بد ، طلسم مفید است !!!!

تب بر اثر آتش جهنم ایجاد میشود !!!!(لطفا اگر بچه تان تب داشت ، اداره آتش نشانی را خبر کنید) .

خداوند عطسه را دوست دارد و از خمیازه کشیدن متنفر است !!!!

بیشتر ساکنان جهنم را زنان تشکیل میدهند !!!(همان زنانی که پیامبر اسلام یک دقیقه بدون آنان نمی توانست نفس بکشد). اگر خواهان دانستن رهنمود های بیشتر ا ز طرف پیامبر اسلام هستید ، سری به کتاب : ازدواج در اسلام نوشته آیت اله مشکینی بزنید .

۴۸۲- یک بسیجی خودش را به ضریح امام رضا قفل کرده بود و از او بچه می خواست . امام رضا به خوابش آمد و گفت : خره ، اول زن بگیر و بعد درخواست بچه کن !!!!!

۴۸۳- احمدی نژاد مخالفان خودرا ابتداء خس و خاشاک و سپس میکروب خواند. بچه میکروب از پدرش پرسید : بابا ، ما از اول میکروب بودیم ؟ پدرش پاسخ داد : نه عزیزم ما اول انقلابی بودیم ، بعد شدیم شهید پرور و جان باز و امت همیشه در صحنه ، بعد شدیم خس و خاشاک و حالا تر قی کرده و شدیم میکروب !!!!!

۴۸۴- یک بسیجی از پولهائی که رژیم بابت سرکوب مردم به اومیداد ، یک ماشین تخلیه فاضل آب خرید وپشت ماشین نوشت : روزی ما بسته به کرم کون شماست !!!!!

۴۸۵- بچه از مامانش پرسید :امام خمینی وقتی مرد ، اونوتو مازندران یا گیلان دفن کردند؟ مامان بچه گفت : نه عزیزم ، چطور ؟بچه گفت : آخه تمام مردم در سالگرد مرگش میرن شمال !!!!!

۴۸۶- در سر زمین عجایب ، دختر یازده ساله به مادرش میگه : تو از عشق و عاشقی و سکس چی میدونی ؟ مادرش هاج و واج می پرسه :این حرفها را از کجا یاد گرفتی ؟ دختر میگوید : از جشن تکلیف تو مدرسه !!!!!!

۴۸۷- در سر زمین عجایب ، حقوق ۶ماهه کارگران و کارمندان را نمی دهند ولی تمامی آنها هم چنان سر کار حاضر شده و کار می کنند !!!!

۴۸۸- در سر زمین عجایب ، تی شرت های یک اندازه نام های کوچک ، متوسط ، بزرگ و خیلی بزرگ دارند !!!!

۴۸۹- در سر زمین عجایب ، کودک ده ساله سوار موتوره ، یک دستش تو گچه و ورود ممنوع هم میره!!!

۴۹۰- پاسداری چند روز بود که افسرده و گوشه گیر شده بود ، فر مانده اش علت ناراحتی او پرسید . پاسدار گفت : عذاب وجدان دارم ، پیش امام زمان خجلم ، آخه من با خواهر شما دیداری داشته ام. فرمانده گفت : عذاب وجدان نداشته باش ، چون منم با مادر و دو تا از خواهر های تو خوابیده ام ، بی حساب شدیم !!!!!

۴۹۱- یک ماه از عروسی پاسدار قزوینی گذشته بود که به اتفاق همسرش به عکاسخانه ای مراجعه و درخواست عکس دو نفره نمود . پاسدار روی صندلی نشسته وهمسرش پشت سرش ایستاد . عکاس گفت : به بخشید ، معمولا خانم ها می نشینند و آقا یان می ایستند . پاسدار گفت : برادر تو عکست را بگیر ، چون نه من کمر ایستادن دارم و نه خانومم کون نشستن !!!!!

۴۹۲- یک بسیجی به صدا و سیما زنگ میزنه و میگه : بی پدر و مادر ها ، اونجا چه گُهی می خورید ما شهید دادیم تا شما کوس و کون نشان دهید . مسول تلویزیون میگه : چرا مزخرف میگی ، ما فقط پا های لخت یک زن را نشان دادیم . بسیجی میگه : تلویزیون من پرش داره همه جاشو دیدم ، بگم تنکه اش چه رنگی بود !!!!!

۴۹۳- یک بسیجی عینکش را دور دستش چر خا نیده و به چشم می زند.سرش گیج رفته و می افتد !!!!

۴۹۴- تعدادی پاسدار را در هتل هیلتون تهران اسکان میدهند . آنها سوار آسانسور شده ولی نمی دانستند ، آسانسور چگونه کار می کند .تا آنکه پیشخدمت هتل وارد آسانسور شده و تکمه آنرا فشار میدهد. با راه افتادن آسانسور پاسدار ها میگویند : به سلامتی آقای راننده صلوات !!!!

۴۹۵- یک بسیجی برف پاکن ماشینش را روشن می کنه ، هیپنو تیزم میشه !!!!

۴۹۶- پاسداری از همکارش می پرسه : ساعت چنده ؟ جواب می شنود : یکربع به ۹ .پاسدار میگه : دیوانه شدم از سحری تا حالا هر کسی یه چیزی میگه !!!!!

۴۹۷- تازه عروسی از شوهر پاسدارش می پرسد : نمی خواهی منو ببوسی؟ پاسدار میگوید : ازدواج کردم برای اینکه این کثافت کاریها را نکنم!!!!

۴۹۸- یک بسیجی ازدواج می کنه و به حجله میره . برادر کوچک او پشت در حجله می نشیند و وقتی علت را می پرسند ، میگوید : آقا جون گفته بعد از داداشت ، نوبت توست !!!!!

۴۹۹- از بچه آخوندی می پرسند : آن چه حیوانی است که پاچه میگیرد ؟ جواب میدهد : آقا جونم برای صبحانه !!!!!

۵۰۰- پاسداری وسط روز میره خونه ، می بینه یک پاسدار پیش زنشه .می پرسه : آقا کی باشند ؟ آن فرد میگه : پاسدار خلبانم ، هواپیمایم سقوط کرد ، با چتر نجات اینجا فرود آمدم .پاسدار میگوید: ای ریدم تو این سپاه ، دیروزم دوتا پاسدار ملوان را تووان حمام خانه ام دیدم که می گفتند : کشتی شان غرق شده !!!!!

شوخی تنها معیار جدی بودن است. ارسطو

طنز با مسخرگی فرق دارد ، طنز فریادی است که در اوج انفجار به خنده تبدیل میشود. طنز ریشنامه نوحه سرائی بر بد بختی های ملت اسلام زده ما نیست. طنز ریشنامه فریاد طغیان ایرانی دربند و دعوت به خیزش مسلحانه همگانی است. دعوت به نابودی کامل اسلام در ایران است.
طنز ریشنامه پاکی و شرف را ، وطن پرستی و غیرت را می طلبد. با نگری به اهمیت طنز در دوران هیتلر ، استالین ، فرانکو ، پینو شه و ما کاریوس در می یابید که پیام آزادگان و پگاه آزادی در چه راه بزرگی قدم گذاشته اند.

پایان پوشینه اول

منتظر پوشینه های بعدی باشید با احترام : نون قندی